

هنرالمحیوب

## هدیه رهبر

وقتی بال و پر «کبوتران» را می‌گشائی، خانه را ترک نخواهند کرد.  
چرا باید با دادن «فرصت پرواز»، به کوچ پرندگان بیندیشیم.  
«دام» و «دانه» دشمن، برای پرستوهای عاشق بی‌تردید بی‌اثرند.  
«خانه» را باید غبارزدایی نمود، و با گلاب اعتقاد به ارزشها و عشق به میهن  
عزیزمان شستشو داد، این خانه در آستانه قرن بیست و یکم همچنان باید خانه امید  
میلیونها مسلمان باشد که با مژه چشم اعتقاد، مسیر رسیدن به چیزی را که از آن باز  
نگهداشته بودند بدست آورده‌اند.

«استقلال سیاسی»، ما در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رقم زده شد و بهای آنرا در طول  
بیست سال با خون و پوست و جانمان پرداخته‌ایم چرا «درماندگی» را با مساعدت  
رذیلانه دشمن دگر بار در این خانه ساکن سازیم، مگر «هوسباز» بودیم که جان  
بهترین عزیزانمان را برای رهایی از اسارت دشمن قسم خورده‌مان بدهیم و بعد با  
پای خویش به سوی «دامگستر» بیرحمی برویم که هیچ حد و مرزی برای سلطه  
قایل نیست.

ما «هستیم» و در این «بود» هر که را به حریم «بودنمان» حمله ور شود با مقابله به مثل به عقب خواهیم راند و هر کس را که بی نقاب و براساس باور به باوری که در بهمن ۵۷ به آن رسیده‌ایم با ما دست دوستی واقعی دهد، پذیرائیم بدون اینکه هشیاری خود را نسبت به آنچه در طول سالهای دور بر سرمان رفته است لحظه‌ای بفراموشی سپاریم.

فرزندان هوشمند و پرتلاش و خدا باورمان را به اقیانوس دانش جهانی می‌افکنیم تا این غواصان «مروارید»، با هوشمندی به جای اینکه طعمه نهنگهای خوش صورت شوند، برایمان «مروارید غلطان» آخرین دستاوردهای علمی را به ارمغان آورند. و تردیدی در این امر نخواهیم داشت که با شهامت انتخاب مسیر بدینگونه، ضایعاتی را هم در پی خواهیم داشت که در انتخاب مان به گونه‌ای دیگر، هیچ اطمینانی به ضایعات کمتر نیست در حالیکه بوضوح از دست دادن «مرواریدهایمان» را در شیوه‌ای دیگر تجربه کرده‌ایم.



«هدیه» رهبر عزیزمان به برندگان مدالهای المپیادهای علمی جهانی، هدیه‌ای ارزشمند بود که در سال ۱۳۷۷، غزالهای دانش ما را در فضائی رها نمود که بتوانند در مرغزار دانش جهانی رها از «بند»ی که پیشرفت آنها را سخت می‌نمود حضور یابند. هر چند «تنگ نظری» یا «بیدقتی» در دستورالعمل اجرایی، این هدیه را از خاصیت اولیه اش خارج نموده بود ولی با پیگیری خود عزیزانمان این دیوار زاید حذف گردید. معافیت از خدمت نظام و وظیفه برای برندگان مدالهای طلا، نقره و برنز یک امتیاز اضافی هم دارد که عزیزانمان در آوردگاههای نهایی و سواس و دقت بیشتری بخرج داده تا تیم را از بالاترین مجموع امتیاز - که در رده بندی جهانی بسیار مؤثر است - بهره مند سازند. در چند مورد همین کم توجهی افراد تیم در تعیین رده پایین تر برای ما بسیار مؤثر بوده است و اساتید همراه از اینکه «هوشمندی» بالا، همراه با «کم دقتی» نتیجه مطلوب را ببار نیاورده، گله داشتند.

مدیر مسئول

## ما و المپیادهای علمی جهانی

نگاهی کوتاه به تاریخچه حضور جمهوری اسلامی ایران  
در چهار المپیاد علمی دانش آموزی ریاضی، فیزیک، کامپیوتر و شیمی

جواد ازهای

### مقدمه:

در سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵، تیم ملی المپیاد ریاضی دانش آموزی ایران اولین حضور خود را در یک آوردگاه علمی جهانی با کسب یک مدال برنز در بیست و هشتمین المپیاد جهانی ریاضی در کوبا و با کسب رتبه بیست و ششم در بین ۴۲ کشور شرکت کننده جشن گرفت این موفقیت که بدون تجربه قبلی و آمادگیهای لازم صورت پذیرفت در سال بعد - در استرالیا؛ ۱ نقره و ۳ برنز، جمع ۶ نقره تیم ایران را در استرالیا در بین ۴۹ کشور در جایگاه بیستم قرار داد.  
با هم نگاهی به ادامه این روند و همینطور شرکت در رشته های دیگر می اندازیم و نکات قابل توجهی که با پیوستن سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در این حضور دیده می شود.

### □ المپیاد ریاضی

● اولین مدال جهانی ایران را شهرستانی ها کسب نمودند. در سال اول همانطور که آمد رتبه ۲۶ را کسب نمودیم و «علی اصغر خانبان» از دبیرستان پاسداران قزوین موفق به کسب اولین مدال برای تیم ریاضی ایران گردید. در این سال اعضاء تیمهای ملی را علاوه بر «خانبان»؛

«پژمان پورشیرازی» و «نادر علی اکبریان» از دبیرستانهای شهدا و نیکان تهران، «علی رضا هاشمی عطار» از شهید حکمت مشهد، «فرزان فلاح» از دکتر بهشتی رشت و «علی ثابتیان» از توحید ۱ شیراز تشکیل می‌دادند.

● در سال بعد پنجاه درصد اعضاء تیم را تهرانی‌ها (علیرضا بیگدلی از البرز؛ آرش حسینی و حسام حمیدی تهرانی از سروش آزادی) تشکیل می‌دادند و برگزیدگانی از شیراز (محمد علی خجسته‌پور از شرافتیان)، زنجان (امیر اعلم غضنفریان از امیرکبیر) و اصفهان (بهزاد نظری از شهدای ادب) هم نیمه دوم تیم را تشکیل می‌دادند. تنها و اولین نقره را برای ایران در این سال زنجان کسب نمود، تهران ۲ برنز و یک سال سومی هم از شیراز یک برنز دیگر دریافت نمود. در این سال در بین ۴۹ کشور رتبه بیستم را کسب نمودیم.

● در سال ۱۳۶۸ با وجود افزایش کشورهای شرکت کننده، ایران به کسب رتبه چهاردهم در بین ۵۱ کشور در آلمان نایل شد و کلیه اعضاء شش نفری تیم ایران موفق به کسب مدال و دیپلم افتخار شدند. از تهران «کوروش علیانی» و «مهدی رضایی» از نمونه رشد دیپلم افتخار و نقره و «امیر عباس عابدی» از علوی مدال برنز را کسب نمودند. «محمد علی خجسته‌پور» اولین نفری بود که مجدداً مدال برنز کسب نمود و «شهریار مختار شرقی» از شهید حکمت مشهد همراه با «محمد جابر بران» از والفجر تبریز به ترتیب مدال برنز و نقره کسب نمودند در این سه سال از مراکز سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان دانش‌آموزی در این رقابت‌ها حضور نداشت.

● از سال ۱۳۶۹ «علامه حلی تهران» در جمع رقابت کنندگان برای راهیابی به تیم ملی المپیاد ریاضی پیوست. «علی رجایی»، «پیمان کسایی» و «بهرنگ نوحی» به همراه «آرش رستگار» از شهید مطهری تهران با کسب چهار مدال نقره ایران را در جمع ۵۴ کشور در چین در مقام چهاردهم سال قبل تثبیت نمودند. در این تیم اولین سال سومی‌های علامه حلی تهران - «کسایی» و «نوحی» - موفق شدند اولین نقره سال سومی‌ها را نیز به اردوی علمی ایران منتقل کنند. در این سال تنها شهرستانی «حمیدرضا داودی» از دبیرستان امام خمینی شاهرود و «وحید توسلی» از نیکان تهران پنجمین و ششمین نفر تیم بودند.

● سال ۱۳۷۰، سال طوفانی بود چون به جز «کریم زاده بارویی» از علامه طباطبایی شهرکرد که به کسب مدال نقره موفق شد، پنج نفر دیگر تیم از «علامه حلی تهران» بودند و برای اولین بار

دو طلا توسط «بهرنگ نوحی» و «پیمان کسایی» برای ایران کسب گردید و تیم ایران در بین ۵۵ کشور در سوئد به رتبه هشتم جهان ارتقاء یافت. در این تیم «شهرام محسنی پور» و «مهدی عسگری» با کسب دو برنز چهارمین و پنجمین مدال را برای تیم ایران به ارمغان آوردند.

● در سال ۱۳۷۱ کمترین حضور را در تیم ریاضی در طول چند سال تهرانی‌ها داشتند. تیم در «مسکو» رتبه سیزدهم را با ۳ نقره، ۲ برنز و یک دیپلم کسب نمود. از علامه حلی تهران تنها «کسری رفیع» در تیم بود که به دبیرستان رهنما منتقل شده بود. «امیر جعفری» هم از کمال تهران به همراه «رامین تکلوییغش» از مالک اشتر بندر امام خمینی نقره گرفتند. «رضا ناصرعصر» از فردوسی تبریز، «عباس گل‌مکانی» از آینده‌سازان مشهد هر دو برنز گرفتند و «حسین عباسپور» از ملاصدرای شیراز دیپلم افتخار.

● در «ترکیه» با حضور ۷۳ کشور در سال ۱۳۷۲، بهترین رتبه جهانی - رتبه ششم - را در طول ۷ سال حضور با کسب ۲ مدال طلا (محمد مهدیان و مهرداد عباسپور از مفید و کمال تهران) سه نقره «محمد رزوان» و «عمران درویشوند» از علامه حلی و رشد تهران و «افشین عبداللهی» از شیخ شلتوت سندج و برنز «حسین مواساتی» از سعدی تبریز بدست آوردیم. در این سال نیز تنها «علامه حلی» و «فرزانگان» تهران از مرکز سمپاد حضور داشتند و «محمد مهدیان» با شرکت موازی در المپیاد کامپیوتر در آرژانتین هم موفق به کسب مدال نقره شد «مهدیان» بخاطر این امکان تنها سه مدالی ایران است.

● سال ۱۳۷۳ را باید سال «فرزانگانی‌ها»ی تهران نامید. برای اولین بار یک دانش‌آموز دختر سوم دبیرستانی، «مریم میرزاخانی» به همراه «مازیار رامین راد» از علامه حلی تهران موفق به کسب مدال طلای جهانی گردیدند.

آغاز حضور قدرتمندانه اولین شهرستانیهای سمپاد هم در همین سال بود. مرحوم «رضا صادقی»\* از شهید هاشمی نژاد مشهد و «امید نقشینه ارجمند» از شهید اژه‌ای اصفهان با یک نقره و یک برنز همراه با یک نقره «رویا بهشتی زواره» از فرزانگان تهران و برنز «علی نور محمدی» از نمونه رشد ۱۶ تهران، جایگاه تیم ایران را با ۲ طلا، ۳ نقره و یک برنز در «هنگ کنگ» در

---

\* «رضا صادقی» در آخرین روزهای سال ۱۳۷۶ به همراه شش تن دیگر از نخبگان ریاضی کشور در حادثه سرنگونی اتوبوس حامل دانشجویان در محور پل دختر - خرم‌آباد فوت نمود.

مکان هشتم تثبیت نمودند.

○ در کانادا در سال ۱۳۷۴، در بین ۷۳ کشور مکان هشتم سال قبل را تکرار کردیم. مرحوم «رضا صادقی» و «مریم میرزاخانی» (با نمره کامل ریاضی) دو طلای تیم را کسب نمودند در حالیکه در این سال مرحوم صادقی به جمع دو مدالی‌ها پیوست، اولین عنوان دو طلائی جهانی را در ایران خانم «میرزاخانی» به خود اختصاص داد. «کیوان ملاحی»، «حسین زیوری» و «محمد علی ابام» از علامه حلی، امام صادق(ع) و رشد تهران نیز ۲ نقره و یک برنز کسب نمودند و «محمد جوهری» از دبیرستان غفاری کامیاران با مدال نقره شگفتی ساز بود.

● سال ۱۳۷۵ سال حضور پدیده‌ای بنام «ایمان افتخاری» بود. «ایمان» اولین دانش آموز دوم دبیرستانی بود که از علامه حلی تهران عضو تیم ملی شد و تنها طلای تیم را نیز در این سال کسب نمود. «علیرضا صالحی» (شهید سلطانی کرج) «روح اله ابراهیمیان» (شاهد ایثار اصفهان) «مرتضی فتوحی» (شهید صدوقی یزد) و «سید رضا مقدسی» (علامه حلی تهران) چهار نقره تیم را کسب نمودند و «هادی سلماسیان» دانش آموز سال سوم دبیرستان از شهید اژه‌ای اصفهان مدال برنز کسب نمود در این سال تیم ایران در بین ۷۵ کشور شرکت کننده مقام نهم را در کشور هند کسب نمود.

● سال ۱۳۷۶ در آرژانتین تیم ایران در یازدهمین حضور جهانی خود در بین ۸۲ کشور با کسب ۴ مدال طلا (ایمان افتخاری و محسن بهرامگیری از علامه حلی تهران، محسن بیاتی و هادی سلماسیان از شهید اژه‌ای اصفهان) و ۲ نقره (پوریا رضائیان و سید رضا مقدسی از علامه حلی تهران) موفق به کسب رتبه سوم جهان گردید. در طول یازده سال حضور، این اولین بار بود که کلیه اعضاء تیم از «سمپاد» بودند.

● بهترین و شگفتی آورترین نتیجه در سال ۱۳۷۷ برای تیم ایران در بین ۷۶ کشور، با ۵ طلا و یک نقره و رتبه اول جهانی بدست آمد.

«امید امینی» از شهید بهشتی شهرری با کسب مدال طلا نفر اول جهان گردید، «امیر آجرلو» و «علیرضا کشاورز حداد» از نمونه رشد ۱۶ تهران دو طلای دیگر را کسب نمودند و طلای «کسری علیشاهی» از شهید اژه‌ای اصفهان، همراه با طلای «سهند حاج علی احمد» و نقره «فرهاد فراهانی» هر دو از علامه حلی تهران مجموعه مدالهای تیم را تکمیل نمودند.

● در مجموع در ۱۲ سال حضور در المپیادهای ریاضی جهانی، ۱۸ طلا، ۲۶ نقره، ۱۶

برنز و ۲ دیپلم افتخار کسب نمودیم.

#### □ المپیاد فیزیک

● از سال ۱۳۶۸ برای اولین بار در بیستمین المپیاد فیزیک در «لهستان» با رقابت با ۳۰ کشور جهان و کسب ۲ مدال برنز و یک دیپلم افتخار و رتبه بیستم، حضور خود را در این المپیاد جهانی اعلام نمودیم.

در این سال «رامین گلستانی» از البرز تهران، «رامین فرجاد راد» از شهید مطهری تهران برنز و «وحید برومندثانی» از دبیرستان شهدای کرمان دیپلم افتخار بدست آوردند. دو شرکت‌کننده دیگر «محمد مهدی خلیقی» از شهدا کرمان و «هومن دژنایادی» از رشد تهران بودند. دانش‌آموزان سمپاد در این دوره با دیگران رقابت نداشتند.

● در ۱۳۶۹ با یک برنز «سید علی حاجی میری» از علامه حلی تهران در «هلند» در بین ۳۲ کشور مقام چهاردهم را کسب نمودیم. دیگر اعضای تیم عبارت بودند از: «سهراب امامی نیستانک» (علامه حلی تهران) «محمد رضا مشایخ» و «کامبیز کاویانی» (علوی و نیکان تهران) و «حمیدرضا راتق» (شهید شرافتیان شیراز).

● سال ۱۳۷۰ در «کوبا» بدون اینکه رنگ مدالها بهتر شود در بین ۳۵ کشور رتبه دوازدهم را با سه برنز «اسفندیار بامداد» (توحید ۱ شیراز) «بابک امیر پرویز» (علامه حلی تهران) «محمود رضا کسنوی» (علی بن موسی الرضا ع) تهران و دیپلم افتخار «علیرضا نصیری» (علامه حلی تهران) کسب نمودیم. دیگر عضو تیم «امیر حسین شایگان سالک» از علامه حلی تهران بود.

● در سال ۱۳۷۱ تیم فیزیک با چهار نفر عضو موفق به کسب ۲ دیپلم افتخار (شهرام ازگلی از علامه حلی تهران و علی اصغر افتخار از توحید ۱ لار) و کسب رتبه بیست و یکم در بین ۳۷ کشور در «فنلاند» گردید. اعضای دیگر تیم عبارت بودند از «رضا سروری» (امام رضا ع) مشهد و «امید ممتحن» (توحید ۱، شیراز)، یکی از دلایل بدترین نتیجه بدست آمده در طول دهسال شرکت، چهار نفره بودن تیم بود که نقش موثری در کاهش نتایج داشت.

● المپیاد بیست و چهارم را سال ۱۳۷۲، امریکائیا به دهن اعضای تیم زهر کردند، البته سفر صورت گرفت منتها راهها به «رم» ختم شد. امریکائیا ویزا ندادند. طبق معمول هم اشارات تربیتی آنها این بود که اشکال از ایرانیهاست. (این اشکال البته از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بوجود آمده

و برای رفع آن هم هنوز تاوان قطعی را که ما باید بپردازیم تعیین نفرموده‌اند!! کمیته المپیک فیزیک هم زورش - مثل همه جا که عموسام تصمیم دیگری می‌گیرد - نرسید مسأله را که سیاسی شده بود حل کند، جز اینکه جدا امتحان بگیرد و اعلام کند: یک طلا (علیرضا شهیدزاده - علامه حلی تهران) که اولین مدال طلای ایران در طول پنجمسال شرکت بود، ۱ برنز (مهدی یحیی نژاد - البرز تهران) و سه دیپلم افتخار (ساویز صفاریان - نمونه رشد و علیرضا نوژه - علی بن موسی الرضا(ع) و رحیم باقری - دبیرستان محمد نراقی هر سه از تهران) شایسته تیم ایران بوده است که حداقل نتیجه‌اش نه در سال ۷۲ بلکه در سال ۱۳۷۷ به دو نفر از این اعضاء رسید و آنهم معافیت دائم از خدمت نظام وظیفه بود.

□ یک نکته راهم - برای اینکه غیبت امریکائیه‌های دوست داشتنی نشود - باید ذکر کنیم و آن اینکه در طول ۱۲ سال، ۲۱ کشور میزبان المپیادهای ما بوده‌اند و بچه‌های ما به این ۲۱ کشور سفر کرده‌اند (و یک کشور را که همان امریکا باشد «سفر» نداده‌اند).

این کشورها عبارتند از: «چین» و «کانادا» و «استرالیا» سه بار، «آلمان»، «آرژانتین»، «سوئد»، «هلند»، «روسیه»، «نروژ» و «کوبا» دوبار و «مجارستان»، «آفریقای جنوبی»، «پرتغال»، «فنلاند»، «ترکیه»، «ایتالیا»، «لهستان»، «ایسلند»، «هنگ گنگ»، «هند» و «تایوان» هم یکبار، بنابراین چون یکبار در این مدت امریکائیه‌ها بیشتر میزبان نبوده‌اند بایستی صبر کنیم و اخلاقیات جدیدشان را هم تجربه کنیم. البته این بار اگر سفری باشد حتماً با انگشت نگاری !!!

● در «چین» بیست و پنجمین المپیاد فیزیک در سال ۱۳۷۳ با حضور ۴۷ کشور دو نکته را ثابت کرد؛ یکی ادعای هیئت ایرانی مبنی بر اینکه امریکائیه‌ها در سال ۱۳۷۲ نمی‌خواستند کسب جایگاه مطلوب ایران را در کشورشان شاهد باشند و دیگر اینکه آمادگی تیم بهترین نتیجه را در طول ۶ سال حضور برای تیم ایران با کسب رتبه پنجم جهان منتها همراه با ۲ برنز (پیمان ثروتی و علی کیایی از نیکان و کمال تهران) و ۳ دیپلم افتخار (یاسمن فرزنان از فرزنانگان تبریز؛ علیرضا طریقت و پدرام زارع‌دشتی از امام خمینی و کمال تهران) بدنبال داشت. نکته جالب در این سال کسب رتبه اول دختران جهان توسط «یاسمن فرزنان» بود.

● در بیست و ششمین المپیاد جهانی فیزیک در «استرالیا» در بین ۵۱ کشور بهترین نتیجه را از چند جهت بدست آوردیم. اول اینکه «پریسا فلاحی مروست» از فرزنانگان امین اصفهان با کسب یک مدال نقره بهترین نتیجه دختران را تا این سال در فیزیک کسب نمود. دوم اینکه رتبه سوم جهانی، رتبه بسیار مطلوبی در این رشته بود و سوم اینکه ۲ طلای دیگر «علیرضا



خلیلی» (علوی تهران) و «یاسر کراچیان» (شهید هاشمی نژاد مشهد) اولین مدالهای طلا را (به شکل واقعی) به اردوی تیم ایران آورد. «وحید شاه‌رضایی» (مفید تهران) و «امیر حسین پورموسی» (میرزا کوچک‌خان رشت) نیز نقره گرفتند. علاوه بر این، سه مرکز آموزشی شهرستانی سمپاد در این سال عضو این تیم بودند.

● سال ۱۳۷۵ سال «علامه حلی تهران» بود. «سینا ولدخان» (علامه حلی تهران) تنها مدال طلای تیم را آورد و «نیایش افشردی»، «کاوه خجسته» و «فرزین حبیب بیگی» (هرسه از علامه حلی تهران) به همراه «علی فرهنگ مهر» (میرزا کوچک‌خان رشت) با کسب چهار نقره تیم ایران در میان ۵۵ کشور شرکت‌کننده در «نروژ» در رده چهارم جهان قرار دادند.

● در «تورتو»ی کانادا در بین ۵۶ کشور جهان با ۱ طلا، (سید مهدی انوری - علامه حلی تهران) ۳ نقره (فرزاد سروش - شهید اژه‌ای اصفهان، سید مهدی فاضلی - شهید قدوسی قم و رضا سالم - کمال تهران) و ۱ برنز (محمد صدیقی - علامه حلی تهران) بار دیگر در جایگاه سوم ایستادیم. در این سال «قم» اولین مدال جهانی‌اش را کسب نمود و پسرانه اصفهان به پای دخترانه‌اش رسید. و طلای «مهدی انوری» هم به عنوان نفر اول جهان درخشش بیشتری داشت. ● در بیست و نهمین المپیاد فیزیک سه چیز همانند سال قبل ثابت بود، تعداد کشورهای شرکت‌کننده - ۵۶ کشور - رتبه جهانی - سوم - و رنگ مدالها که ۱ طلا (یاشار احمدیان - علامه حلی تهران) ۳ نقره (محمد حافظی - علامه حلی تهران، حسین رخساری - شهید سلطانی کرج، سروش محقق زاده - شهید اژه‌ای اصفهان) و یک برنز (ایمان عقیلیان - شهید هاشمی نژاد مشهد) بود.

کلیه اعضا تیم همانند سال ۷۵ از مراکز سمپاد بودند و «شهید سلطانی کرج» و «شهید هاشمی نژاد مشهد» نیز در این حوزه مدال آور شدند.

#### □ المپیاد کامپیوتر

● ما از چهارمین دوره المپیاد جهانی کامپیوتر تاکنون هفت حضور جهانی داشته‌ایم. در اولین حضور در سال ۱۳۷۱ در «آلمان» اعضا تیم با ۴۶ کشور به رقابت پرداختند و با کسب ۲ نقره (سعید میرزایی - ایثار ۱۴ تهران و محمد مهدیان - مفید تهران) و ۲ برنز (فرشاد رستم آبادی - از شهید محمد منتظری تهران و کیومرث کاوه مریان - علامه حلی تهران) در مقام چهاردهم جهان قرار گرفتند.

در این سال فقط «علامه حلی تهران» از مراکز سمپاد موفق شد کلکسیون مدالهایش را

تکمیل کند.

جدول ۱- مراکزی از سمپاد که دانش‌آموزان آنها موفق به عضویت در تیم‌های ملی المپیادهای چهارگانه

ریاضی، کامپیوتر، فیزیک و شیمی شده‌اند همراه با نوع مدال

شهر	دبیرستان	ریاضی				کامپیوتر				فیزیک				شیمی				جمع			
		طلا	نقره	برنز	دیپلم	طلا	نقره	برنز	دیپلم وکمتر	طلا	نقره	برنز	دیپلم	طلا	نقره	برنز	دیپلم	طلا	نقره	برنز	دیپلم
تهران	علامه حلی	۷	۹	۲	۱	۱	۵	۲	۱	۴	۴	۳	۴	۱	۲	۴	۱۳	۲۰	۱۱	۶	۵۰
" "	فرزادگان	۲	۱	-	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۲	-	۶
اصفهان	شهید اژه‌ای	۳	-	۲	-	۲	۱	-	-	-	۲	-	-	-	-	-	۴	۵	۵	-	۱۴
اصفهان	فرزادگان امین	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	۱
مشهد	شهید هاشمی‌زاد	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۱	۵	۲	-	۹
تبریز	فرزادگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱
" "	شهید مدنی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	-	-	۳
ارومیه	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
رشت	میرزا کوچک‌خان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	۲
قم	شهید قدوسی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
کرج	شهید سلطانی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳
قزوین	شهید بابائی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
یزد	شهید صدوقی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
اهواز	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
شهرری	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
	جمع مدال‌های سمپاد	۱۴	۱۳	۴	۱	۲	۱۲	۸	۱	۵	۱۱	۴	۵	۴	۶	۶	۲۵	۴۲	۲۲	۷	۹۶
	جمع مدال‌های دیگر	۴	۱۳	۱۲	۱۱	-	۴	۲	-	۱	۲	۷	۱۴	۵	۱	۲	۱۰	۲۰	۳۳	۲۵	۷۸
	جمع کل مدالها	۱۸	۲۶	۱۶	۱۲	۲	۱۶	۱۰	۱	۶	۱۳	۱۱	۱۹	۹	۷	۸	۳۵	۶۲	۴۵	۳۲	۱۷۴

● در آرژانتین با طلای «مهدی فولادگر» از شهید اژه‌ای اصفهان هم اولین طلا - از ۲ طلائی که در طول هفت سال بدست آورده‌ایم - را کسب نمودیم و هم یک مرتبه در رده چهارم جهان ایستادیم. «فولادگر» تنها دانش‌آموز ایرانی است که با کسب ۲۰۰ امتیاز از ۲۰۰ امتیاز در این رشته رکورددار است آنهم در پایه سوم دبیرستان. ۲ نقره دیگر تیم را «محمد مهدیان» در دومین حضور جهانی از مفید تهران و «علی ایرانی» از علامه حلی تهران کسب نمودند تنها برنز نیز نصیب «سعید بهزادی پور» از علامه حلی تهران گردید.

جدول ۲- دبیرستانهای غیر سمپاد از سراسر ایران که عضو در تیم‌های چهار المپیاد داشته‌اند همراه با نوع مدال



● در سال ۱۳۷۳ در ششمین حضور در «سوئد» با حضور ۵۲ کشور به رده سیزدهم عقب‌گرد نمودیم. تغییرات سریع محتوایی در این رشته، در دومین حضور برای «فولادگر» صرفاً مدال نقره را در بر داشت و ۲ برنز دیگر را «یاشار گنجعلی» از شهید بهشتی ارومیه و «شادی رستمی» از فرزندگان تهران بدست آوردند. عضو دیگر تیم در این سال «محمد رضا صلواتی‌پور» از علامه حلی تهران بود.

کسب اولین مدال دختران در این سال و اضافه شدن «شهید بهشتی ارومیه» به مدال‌آوران از رویدادهای مهم این سال برای «سمپاد» در این رشته است.

● «هلند» بخاطر تشویق کشورهای شرکت‌کننده در هفتمین المپیاد کامپیوتر در سال ۱۳۷۴، اعلام نموده بود چنانچه یکی از اعضای تیم دختر باشند آن کشور مجاز به داشتن ۵ عضو در تیم اعزامی خواهد بود. عضویت «رویا بهشتی زواره» که در سال قبل مدال نقره ریاضی را کسب کرده بود باعث شد که تیم ما در این رشته پنج نقره باشد.

در این سال با کسب ۲ نقره (روزبه پورنادر و مهران مهر هر دو از علامه حلی تهران) و ۳ برنز «بابک فرزاد» (شهید اژه‌ای اصفهان) «رویا بهشتی زواره» (فرزندگان تهران) و «کامران باور» (دانش تهران) در بین ۵۱ کشور به رتبه پنجم دست یافتیم.

● در «مجارستان» در بین ۵۶ کشور در سال ۱۳۷۵ با کسب دومین طلا، (روزبه پورنادر - علامه حلی تهران) ۲ نقره (مهران مهر - علامه حلی تهران و احسان چینی فروشان - مفید تهران) و یک برنز (امین صابری - شهید اژه‌ای اصفهان) به رتبه هشتم عقب‌گرد نمودیم. «پورنادر» در دو سال پیاپی همانند «فولادگر» موفق به کسب دو مدال نقره و طلا گردید.

● در سال ۱۳۷۶ نهمین المپیاد که در «ژوهانسبورگ» افریقای جنوبی برگزار شد، کشورهای شرکت‌کننده همانند سال قبل بودند ولی ما با ۳ نقره (مانا تقدیری - فرزندگان تهران، محمد تقی حاجی آقایی - شهید بابائی قزوین و مهدی میرزازاده - شهید صدوقی یزد) و برنز «سید بشیر سجاد» (شهید اژه‌ای اصفهان) به رتبه ششم جهان دست یافتیم. کل اعضای تیم از مراکز سمپاد بودند.

● در «لیسبون» پرتغال در دهمین دوره المپیاد کامپیوتر تعداد کشورهای شرکت‌کننده به ۶۶ کشور رسید. ما در این سال با ۴ نقره (شهاب اویس قرن از شهید اژه‌ای اصفهان، بهشاد بهزادی از

شهید بهشتی اهواز، پویان خواجه پور از شهید سلطانی کرج و ناصر فرامر زپور از علامه حلی تهران) رتبه سال قبل را تکرار نمودیم. در این سال نیز چون سال قبل کلیه اعضا تیم از مراکز «سمپاد» بودند.

#### □ المپیاد شیمی

● دیرتر از همه المپیادها در «المپیاد شیمی» شرکت نمودیم البته اگر از شروع المپیادها حساب کنیم اولین حضور ما در المپیاد ریاضی در بیست و هشتمین، در فیزیک بیست و پنجمین کامپیوتر چهارمین بود. ولی اولین بار در این المپیاد از سال ۱۳۷۲ آنهم در بیست و پنجمین دوره آن در ایتالیا شرکت نمودیم در این سال در بین ۳۸ کشور شرکت کننده با یک نقره (بابک فغفوربان از دبیرستان فردوس نیشابور) و سه برنز (محمد رضا اکبری و محمد شعاری هردو از علامه حلی تهران و علیرضا حریری از کوشیار رشت) به مقام شانزدهم جهانی نایل شدیم. «سمپاد» در این المپیاد دو مدال را بخود اختصاص داد.

● در «نروژ» در سال ۱۳۷۳ «علی واحدی» از نیکان تهران اولین مدال طلای شیمی را کسب نمود. «آرش ابراهیم پور» از شهید هاشمی نژاد مشهد نقره گرفت و «محمد رضا شادنام» از علامه حلی تهران و «هادی مازوچی» از نیکان تهران هر دو برنز گرفتند و تیم ایران به مقام ششم ارتقاء یافت.

● در بیست و هفتمین المپیاد شیمی در «چین» تیم ایران با پشت سر گذاشتن همه رقبا بخصوص میزبان، برای اولین بار با ۴ طلا مقام اول شیمی را به خود اختصاص داد. در این دوره «روزبه کیانی» از دبیرستان آیت اله آملی آمل رتبه اول جهان را در انفرادی کسب نمود. «علی جلالی» از شهید هاشمی نژاد مشهد «مهدی رزاقی» از البرز تهران و «رضا شاه اکبری» از فردوسی نیشابور سه طلای دیگر تیم بودند.

● تیم ایران در «روسیه» نیز رتبه اولی خود را در سال ۱۳۷۵ تکرار نمود. «افشین شاملی» (شهید هاشمی نژاد مشهد) «علیرضا شایسته» (نمونه سلامتیان اصفهان) و «هژیر رحمانداد» (علامه حلی تهران) با ۳ طلا همراه با نقره «مهرداد ملیحی» (علامه حلی تهران) تضمین کننده این موفقیت در بین ۴۵ کشور شرکت کننده جهان بودند.



● در سال ۱۳۷۶ در «کانادا» تکرار مقام اول پیاپی دو سال قبل ممکن نشد و تیم ایران در بین ۵۵ کشور با یک طلا (بابک جاویدی - شهید هاشمی نژاد مشهد) و ۳ نقره (سیاوش پورکمالی - شهید اژه‌ای اصفهان؛ کاوه جورابچی و کیوان محرم‌زاده - شهید مدنی تبریز) به مقام سوم رضایت داد. در این سال تهران سهمی در بین اعضا تیم نداشت ولی کلیه اعضا از «سمپاد» بودند.

● ششمین حضور ایران در سی‌امین المپیاد شیمی در «استرالیا» بایک عقب‌گرد همراه بود. مریان تیم نزدیک بودن امتیازهای اعضا را به مدال بالاتر را دلیل کم دقتی آنها توجیه می‌نمودند ولی بهر دلیل که باشد تنها یک عامل نمی‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در این افت داشته باشد. با وجود این تیم ایران در این دوره موفق شد بین ۴۸ کشور با کسب ۱ نقره (مهدی نجفی - علامه حلی تهران) و ۳ برنز (پدرام انصاری - شهید هاشمی نژاد مشهد، رضا شرقی - شهید مدنی تبریز و امیر مسلم قاسمی - علامه حلی تهران) به مقام چهاردهم قناعت کند.

#### □ جمع‌بندی

همانگونه که در جدولهای ۱ و ۲ و نمودارهای ۱ و ۲ ملاحظه می‌گردد، ما در حضور در چهار المپیاد ۳۵ تیم اعزامی داشته‌ایم که فقط در مورد «امریکا» تیم موفق بحضور در مسابقات نشده است و در مجموع ۱۷۴ نفر در این تیمها حضور داشته‌اند با این حضور و موفقیت‌های بدست آمده جوانان ما روحیه تازه‌ای یافته‌اند. گرایش دانش‌آموزان به رشته ریاضی - فیزیک نسبت به سال ۱۳۶۶ به صورت چشمگیری افزایش یافته است. شیوه‌هایی که هر سال با تجدید نظر در آن سعی می‌شد فراگیری مرحله کشور را افزایش دهد با نتایج خوبی همراه بوده است. هرچند در چند سال پیاپی مشکلاتی را برای دانش‌آموزان مراکز سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان بوجود آورده و دانش‌آموزان این مراکز شانس کمتری نسبت به افراد بیرون از این سازمان در رقابت اولیه بخاطر شرط معدل و اصرار کمیته‌ها بر یکسان دیدن نتایج سخت‌تر امتحانات مراکز سمپاد با دیگر مراکز داشتند ولی در مجموع افزایش داوطلبان که در سال ۱۳۷۷ در ریاضی به بیش از ۳۰ هزار نفر، در کامپیوتر ۱۹ هزار نفر و در فیزیک به بیش از ۱۲ هزار نفر رسید، نقش این المپیادها را در گرایش دانش‌آموزان به رشته ریاضی - فیزیک بیانگر است. هرچند در المپیاد شیمی المپیادها عمده‌تأراهی پزشکی شده‌اند و از این المپیاد بهره کمی جهت اهداف نظام آموزش عالی گرفته‌ایم.





□ کسب ۳۵ مدال طلا، ۶۲ نقره، ۴۵ برنز و ۱۲ دیپلم افتخار در این چند سال (۱۵۴ مورد برای ۱۷۴ شرکت‌کننده) نشان می‌دهد که به صورت تصادفی این مقامها بدست نیامده است. از سویی تلاشهای مقدماتی در مراکز آموزشی سراسر کشور زمینه سازان اصلی موفقیت‌های نهایی بوده‌اند که نقش دبیران با تجربه را در این مراکز نباید از نظر دور داشت همینطور در مراکز سمپاد فارغ‌التحصیلان و المپیادی‌های سالهای قبل نیز نقش بنیادین دارند.

#### □ نکته دیگر

در حالیکه بیش از ۵۵ درصد اعضاء تیمها از مراکز «سمپاد» بوده‌اند ولی نگاهی به نام مدارس دیگر نشان می‌دهد که یا آنها مدارس خاص بوده‌اند مثل: نیکان، البرز، علوی، مطهری، کمال، مفید و یا از نمونه‌های دولتی بوده‌اند که سرمایه‌گذاری در آنها نسبت به مدارس عادی مناسب‌تر بوده است مثل نمونه رشد منطقه ۱۶ تهران، توحید شیراز و نمونه سلامتیان اصفهان و یا بهترین دبیرستان‌های شهر خود محسوب می‌شده‌اند که در شکل مدارس شاهد (شاهد ایثار اصفهان) ملاحظه می‌شوند و یا همانند فردوسی نیشابور توانسته‌اند امکانات بهتر و مناسبتری را در این شهر نسبت به سایر مدارس برای دانش‌آموزان تدارک ببینند.

این امر در مورد مدارس دخترانه واضح‌تر دیده می‌شود، عدم سرمایه‌گذاری کافی در مدارس نمونه دولتی دخترانه نتیجه‌اش موفقیت بلامنازع مراکز دخترانه فرزنانگان سازمان استعداد‌های درخشان بوده است که بجز یک طلای کشوری (نه عضویت در تیم) موفقیت دیگری را از دیگر مراکز دخترانه شاهد نبوده‌ایم بگونه‌ایکه برای سال ۱۳۷۸ حتی یک نفر از مدارس دخترانه غیر سمپاد به مرحله کشوری نیز راه نیافته است.

□ در مجموع وضع استثنایی «دبیرستان علامه حلی تهران» قابل توجه است. این دبیرستان به تنهایی تا سال ۱۳۷۷، ۳۷ درصد مدالهای طلای ایران (۱۳ مدال از ۳۵ مدال) ۳۲ درصد مدالهای نقره ایران (۲۰ مدال از ۶۲ مدال) و ۲۴ درصد مدالهای برنز (۱۱ مدال از ۴۵ مدال) و در مجموع نزدیک به ۲۹ درصد کل اعضاء تیمهای ملی ایران را به تنهایی بخود اختصاص داده است. بعد از علامه حلی تهران، دبیرستان «شهید اژه‌ای» اصفهان با ۱۴ مدال، (۸ درصد کل مدالها)، «شهید هاشمی نژاد» مشهد با ۹ مدال و «فرزانگان» تهران با ۶ مدال در رده‌های بعد قرار

می‌گیرند.

در خارج از حوزه سمپاد، «نمونه رشد منطقه ۱۶» تهران با ۴ مدال و ۶ عضو تیم‌های ملی، دبیرستان «نیکان» تهران با ۳ مدال و ۶ عضو تیم‌های ملی، «البرز» تهران با ۴ مدال و ۵ عضو تیم ملی و دبیرستان «مفید» تهران با ۳ مدال و ۵ عضو تیم ملی در رده‌های پنجم تا هشتم دبیرستانهای برتر ایران قرار می‌گیرند.

از زاویه دیگر وقتی به کل برگزیدگان و اعضای تیمها در طول ۱۲ سال بنگریم ۱۰۲ عضو تیمهای ملی (۵۹ درصد) را تهرانی‌ها تشکیل می‌دهند.

#### □ رفع یک شبهه

در طول چند سال گذشته برخی از نویسندگان مقالات فصلی پس از اعلام موفقیت تیمها در روزنامه‌ها مدعی بودند که هر کشوری در این مورد سرمایه‌گذاری کند به این موفقیت‌ها دست خواهد یافت در صورتیکه اگر استعداد‌های دانش‌آموزان ما در سراسر کشور نبود امکان چنین موفقیت‌هایی امکان پذیر نمی‌شد. چند سال قبل که به مقایسه نتایج کشورهای شرکت کننده در المپیاد فیزیک پرداختم متوجه شدم تیم یکی از کشورهاییکه برای تیزهوشان خود از مقطع پیش‌دبستانی سرمایه‌گذاری نموده بود مجموعاً ۲/۵ امتیاز را پنج نفر تیم این کشور بدست آورده بودند: دو نفر صفر امتیاز، یک نفر نیم امتیاز و دو نفر باقیمانده هر کدام یک امتیاز در حالیکه در مجموع اعضای تیم تا ۲۰۰ امتیاز می‌توانستند کسب کنند. شاید این جمع‌بندی با آنچه که در بخش قبلی این مقاله آمد متناقض بنظر برسد ولی واقعیت اینستکه اکنون بر این باوریم تا استعدادی نباشد، پرورش و رساندن آن به بالاترین سطح امکان پذیر نیست و اگر محیط مناسب پرورش استعدادها وجود نداشته باشد جز پژمردگی استعداد نوجوانانمان بهره‌ای نخواهیم برد.

این نظام باید در اشکال گوناگون بر تلاش خویش بیفزاید تا زمینه‌های رشد نوجوانان و جوانان ما در بستری مناسب با توانمندیها و امکانات خانواده‌ها آماده‌تر گردد.

یکی از مسوولان قبلی برنامه و بودجه در گفتگویی با من عقیده‌اش را در عدم ضرورت سرمایه‌گذاری‌هایی این چنینی بدینصورت بیان می‌نمود:

«آن زمان که در تربیت بدنی سرمایه‌گذاری جدی نمی‌کردیم و ورزشکار خودش

زحمت می‌کشید بیشتر مدال کسب می‌کردیم تا حالا که اینهمه بودجه به این امر اختصاص یافته است. در مورد امکانات خاص برای افراد مستعد هم همینطور است.»

در جوابش گفتم: امکانات برای طبقه‌ای خاص هیچگاه منظور من نیست افراد مستعد و توانمند علمی از هر طبقه‌ای که باشند - بخصوص قشر متوسط جامعه - باید امکانات مناسبتری جهت رشد و شکوفایی استعداد خویش داشته باشند مگر ما چه مقدار امکانات اضافی در این مراکز و مدارس نمونه دولتی و ... خرج کرده‌ایم که از آنها طلب کار باشیم.

این مسئول با تعویض لحن صحبت و کمی چاشنی عصبانیت صحبت‌م را قطع کرد که: «اصولاً سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش مقرون به صرفه نیست چه رسد به سرمایه‌گذاری اضافی»، زهر خندی زدم که: با این نگرش فقط باید به نوسانات قیمت نفت - این ذخیره میلیون‌ها سال - دلخوش کنیم و دیگران هر بلایی با این اهرم می‌خواهند بر سرمان بیاورند و ما حتی نتوانیم فکر کنیم به کجا می‌رویم و چه داریم و چگونه باید حرف خودمان را و فکر خودمان را هم جایی برایش قایل باشیم.

در این گفتگو یکی از ما بهترین وسط حرف ما دوید (ایشان هم آنموقع مسوولیتی سنگین داشتند) که: «اصولاً ما آدم نیستیم که بتوانیم این حرفهای گنده گنده را بزنیم» چون می‌شناختمش شگفت زده نشدم ولی مصمم تر گردیدم با خریدن هر بلایی بجان خویش سنگ زیرین آسیایی گردم که فرزندان آینده ساز این مملکت را مدد رسان است.

#### □ سخن آخر

همانگونه که آمد در مجموع ۱۷۴ نفر شرکت‌کننده در تیمهای ملی چهارگانه المپیادها داشته‌ایم. از این تعداد ۸ نفر را دختران تشکیل می‌دهند و ۱۱ نفر هم دوبار (یکنفرشان سه بار) در مسابقات شرکت داشتند. ۳۲ نفر هم موفق به کسب مدال نشده‌اند (که یکنفر از دختران هم جزو آنهاست) براساس موافقت رهبر انقلاب مبنی بر معافیت برندگان مدال جهانی از خدمت وظیفه، ۱۲۳ نفر از این امتیاز می‌توانند استفاده کنند که تنها دو نفر آنها آقایان دکتر علی رجایی و دکتر آرش رستگار تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانده و موفق به کسب دکترای شده‌اند و بقیه در راه، که راهشان پر رهرو و قدمشان همراه با تلاش بیشتر برای سرافرازی ملت عزیز ایران مبارک باد.

## هویت‌یابی ، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی

ناصرالدین کاظمی حقیقی

### هویت

«هویت» به زبان ساده پایداری وجود و استواری هستی یک فرد است. شخصی که برای خودش هویت نیرومندی قائل است در واقع اعتقاد دارد که از استواری در وجود و قلمرو مربوط به آن برخوردار است و همچنین «هویت متزلزل» و یا مبهم به ناپایداری در هستی فرد باز می‌گردد.

«هویت» یک فرد گویای آن است که وی چه نقشی را باید ایفا کند و سطح خودباوری و خودارجدهی و خودپایایی وی چه اندازه خواهد بود؟  
بدین معنا، هویت دارای گونه‌های مختلفی است: هوشی، جنسیتی، تحصیلی، شغلی، اجتماعی، زناشویی، خانوادگی، فرهنگی، نژادی و قومی.

وجود هویت پایدار و نیرومند از شاخصهای اولیه بهداشت روانی است و هرگاه دستخوش تزلزل، بحران و یا ابهام شود، بی‌تردید سلامت روانی فرد را بهم می‌ریزد.  
تازه‌ترین پژوهشها و مطالعات در حوزه راهنمایی و مشاوره دانش‌آموزان مستعد و تیزهوش حاوی دستاوردهایی پیرامون اختلال هویت دختران تیزهوش در محیطهای روستایی، استقلال‌کژکنشی و افسردگی از هوش، و افزایش پیشرفت تحصیلی از طریق کوششهای آفرینندگی است:

« در یک مطالعه تک بررسی، عوامل مؤثر بر تصمیمگیری پیش‌دانشگاهی سه دختر تیزهوش روستایی مورد تحلیل قرار گرفت. به نظر می‌رسد که مقتضیات

اجتماعی به پیشرفت و تطبیق اجتماعی دختران تیزهوش پیش از نخبگی در ریاضیات و علوم اهمیت می‌دهد، از این رو، زندگی روستایی ممکن است نقش جنسیتی فرد بالغ را دچار صدمه کند و تعارضهای مربوط به آن بر جریانهای تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند. در این مطالعه، تجارب کلاسی، فعالیتهای فوق برنامه، انجام امور، برداشت نسبت به خود و جهت‌گیریهای مربوط به انگیزه پیشرفت، کاوش و بررسی شد. استنباط می‌شود که این دختران جوان از پشتیبانی علایق خود در موضوعات غیر مرسوم، حق انتخاب داشتن با استفاده از قابلیت‌هایی که در خود سراغ دارند، تأثر از مفاهیم ریاضی و علوم و کمک به رشد و پرورش هویت، فواید قابل ملاحظه‌ای به دست می‌آورند.

«میزان شیوع آسیبهای رفتاری در میان دانش‌آموزان تیزهوش مقطع ابتدایی بررسی گردید. در این بررسی ششصد و هفتاد و پنج دانش‌آموز تیزهوش و سیصد و بیست و دو دانش‌آموز عادی در پایه‌های تحصیلی دوم و سوم شرکت داشتند. تشخیص و سنجش بر اساس درجه‌بندی والدین و معلمان انجام شد. نتایج نشان داد که از حیث وقوع آسیب رفتاری براساس آنچه که والدین و معلمان نمره‌دهی کرده بودند، هیچ تفاوت معنی‌داری حاصل نشد؛ علی‌رغم آن که گروه کوچکی از دانش‌آموزان برنامه تیزهوش، از برخی مسائل رفتاری رنج می‌بردند، اما قابل ملاحظه نبود. همچنین یافت شد که تفاهم میان سنجش توسط والدین و معلمان کم بود. از این رو لحاظ هر دو منبع اطلاعاتی در اندازه‌گیری سازش‌یافتگی رفتاری، امری ضروری است».

«در یک پژوهش، نقش فرآوری خلاقانه در رفع کم‌آموزی مورد مطالعه قرار گرفت. هفده دانش‌آموز تیزهوش کم‌آموز در مقطع سنی هشت تا سیزده، بررسی شدند. این دانش‌آموزان، ابزار خودکفایی برای تکالیف تحصیلی و مقیاسهایی برای درجه‌بندی ویژگیهای رفتاری دانش‌آموزان توانمند را تکمیل کردند. جنبه‌های مهم این فرایند در تقویت تحصیلی دانش‌آموزان شامل روابط با معلم، راهبردهای خودنظم‌جویی، کاوش و جست و جو در ضعف تحصیل خود، فعالیت در یک حوزه مورد علاقه، و تعامل با گروه همسالی همگن بود».

«رابطه افسردگی و هوش تحصیلی» بررسی شد. در این بررسی افسردگی و گرایشهای خودکشی نوجوانان تیزهوش تحصیلی، عادی و استثنایی در پایه‌های نهم تا یازدهم تحصیلی مورد کاوش قرار گرفت. «مقیاس افسردگی رینولدز» و پرسشنامه گرایش خودکشی اجرا شد. نتایج حاکی از آن بود که هیچ تفاوت قابل ملاحظه‌ای در میان سه گروه از لحاظ سطح، شدت یا ماهیت آشفتگی تجربه شده، یافت نشد».

### \* نقش هویت مبهم

اختلال در هر نوع هویت، کم و بیش آثار سوپی در وضعیت تحصیلی نوجوانان و جوانان تیزهوش ایجاد می‌کند. تیزهوشانی که دچار بحران در «هویت فردی» خود شده‌اند، «خودباوری» ضعیفی خواهند داشت؛ این ضعف شامل خودباوری تحصیلی نیز می‌شود. یکی از عوارض ضعف در خودباوری تحصیلی، کم‌آموزی است. کم‌آموزی در هر سطحی موجب بروز افسردگی در روحیه دانش‌آموز تیزهوش می‌شود. لذا هوش برجسته به تنهایی در بازداری از افسردگی نوجوانان تیزهوش کفایت نمی‌کند و مطالعات نشان می‌دهند که افسردگی و حتی گرایشهای مربوط به خودکشی در میان نوجوانان پانزده تا هفده ساله، امری مستقل از هوش است؛ یعنی به همان اندازه که نوجوانان غیر تیزهوش دچار افسردگی می‌شوند، نخبگان نوجوان نیز در معرض پژمردگی روانی قرار می‌گیرند. «افسردگی» معمولاً با سوء رفتارها و کژ کنشهایی همراه است؛ مسائل رفتاری ویژه‌ای که حتی در میان کودکان هشت و نه ساله تیزهوش نیز نمایان می‌شود. از این رو مطالعات مجدداً تأیید می‌کنند که هوش امری مستقل از آن آسیبهای رفتاری است. به نظر می‌رسد که این چرخه ادامه دارد؛ یعنی مسائل رفتاری تیزهوشان شرایط مساعدی برای پیشرفت تحصیلی به دست نمی‌دهد؛ پس ضعف تحصیلی دو چندان خواهد شد و افسردگی نیز افزایش می‌یابد. با این توضیح، هویت‌سازی تیزهوش و بهسازی آن، سهم قابل ملاحظه‌ای در تحکیم بهداشت روانی، سازش یافتگی رفتاری و پیشرفت تحصیلی وی دارد.

### \* آفرینندگی و پیشرفت تحصیلی

معمولاً «خلاقیت» با پیشرفت تحصیلی، همبستگی نیرومندی ندارد؛ از این رو، بخش قابل ملاحظه‌ای از تیزهوشان کم‌آموز، ممکن است خلاق باشند. ضعف تحصیلی نخبگان خلاق یا موضوعی است و یا فراگیر و گسترده؛ به گونه‌ای که حتی تمامی مواد درسی رسمی را دربرمی‌گیرد. اما این ضعف تحصیلی را میتوان با ایجاد شرایط خاصی بر طرف کرد و آن شرایطی است که به فراوری بدیعانه و یا آفرینندگی در محیط آموزشی تحقق می‌بخشد. بر اساس یک مطالعه، وجود این سه عامل، فضای آموزشی بدیعانه‌ای را در راستای

پیشرفت تحصیلی فراهم می‌آورد:

#### ۱- خودکاوای در ضعف تحصیلی

شرایطی که به دانش‌آموز امکان دهد تا در خود به کاوش بپردازد به طوری که عوامل و علل ضعف تحصیلی خود را جست و جو کند. ممکن است یک نقیصه در انگیزه و تمایل نسبت به درس خاصی وجود داشته باشد و یا به اختلال در روش یادگیری بازگردد و سرانجام احتمال دارد که معلومات و اطلاعات پایه، ضعیف باشند. در امر خودکاوایی دانش‌آموز، سهم عمده را خانواده، معلم و مشاور تحصیلی برعهده دارند.

#### ۲- بهسازی روابط با معلم

هر چه روابط متقابل میان دانش‌آموز تیزهوش کم‌آموز با معلمش گرمتر و دوستانه‌تر باشد، به همیّا سازی شرایط برای پیشرفت تحصیلی کمک بیشتری می‌کند. ملایمت و نرمی در رفتار معلم، و بردباری و شفقت ولی، عامل مهمی در بهبود روابط است.

#### ۳- خود نظم جویی

کوششهای درسی و فعالیتهای تحصیلی دانش‌آموز به دو صورت انجام می‌گیرد: ممکن است با یک برنامه و نظم و انضباط رسمی به وسیله معلم و یا اطرافیان انجام شود و امکان دارد خود دانش‌آموز با پیگیری فردی به طور مستقل؛ و نظمی شخصی به تحصیل بپردازد، به این کوشش مستقل انفرادی همراه با نظم درونی، «خودنظم جویی» می‌گوییم. «خود نظم جویی» به ویژه در فعالیتهای تحصیلی موردعلاقه و در فضای همسالی همگن، بیشترین تأثیر مثبت را نشان می‌دهد.

چنین شرایط سه‌گانه‌ای در مجموع، فضای نوآرانه‌ای را پدید می‌آورد. اگر این شرایط به دقت، تحلیل شود، ردپایی از هویت‌یابی بدست می‌آید. هم «خودکاری» و هم «خودنظم جویی»، رابطه نزدیکی با «هویت‌یابی» دارند. بنابراین اگر فضای نوآرانه و بدیع‌آمیز، از اثر درخشانی در پیشرفت تحصیلی برخوردار است، به هویت‌یابی دانش‌آموز مربوط می‌شود؛ یعنی به نوعی خاص از طریق تقویت هویت فردی، «پیشرفت تحصیلی» را میسر ساخته است.

#### \* بهسازی هویت

عوامل مختلفی در بهبود و تقویت هویت فردی دخالت دارند که می‌توان آنها را در دو

جایگاه بررسی کرد:

۱- عوامل فردی؛ چنان که ذکر شد هر وضعیتی که کاوش و جست‌وجوی درونی فرد را تسهیل کند، هویت‌یابی وی را استوارتر می‌کند و همین طور پی‌گیری علایق شخصی از طریق فعالیتهای خودنظم‌جویی نیز به بهسازی هویت یاری می‌دهد. همان‌گونه که بیان گردید، خودنظم‌جویی یک کوشش مستقل انفرادی به طور منظم است.

۲- عوامل محیطی؛ اگر فضای زندگی، رغبتها و خواسته‌های شخصی (هرچند نامرسوم) یک فرد را بپذیرد و از آنها پشتیبانی کند، هویتش را نیرومند می‌سازد. علاوه بر آن خودباوری یک فرد براساس تواناییهای مورد اعتقاد وی ممکن است مورد حمایت قرار گیرند؛ چنین حمایتی از سوی محیط، نیرومندی هویت را ریشه‌دارتر می‌کند و به نوبه آن خودباوری نیز افزایش می‌یابد. معلمان در این حمایت محیطی، نقش بسزایی را ایفا می‌کنند.

از سوی دیگر، وجود فضای همسالی و همگن در محیط فرد تیزهوش، به وسیله عنصر پیوندجویی، به افزایش خودارجدهی (عزت نفس) وی منجر می‌شود و می‌دانیم که شرایط مؤثر بر خودارجدهی، خودباوری وی را نیز تقویت می‌کند و هویت‌یابی اش را نیز افزایش می‌دهد.

○ ○ ○

منابع:

- 1- Barker, Jean A. (1995). *Depression and suicidal ideation among academically gifted adolescents. Gifted Child Quarterly, 39(4) 218-223.*
- 2- Battle et al (1995). *Decision making of rural gifted females: Case studies of precocolege influences. Roeper Review, 18(1) 33-38.*
- 3- Baum et al (1995). *Reversing underachievement: Creative productivity as a systematic intervention, Gifted Child Quarterly 39(4) 224-235.*
- 4- Cornel et al (1994). *Low incidence of behavior problems among elementary school students in gifted programs. Journal of the Educational of the gifted. 18(1) 4-19.*

○ ○ ○



## آموزش خوب برای یکی و برای همه: آیا تربیت تیزهوشان دارای هویت آموزشی است؟

کارول آن تاملینسن\*؛ ترجمه دکتر سید حسین سلیمی

### چکیده:

معلمین و متخصصین آموزش تیزهوشان پیشنهاد برنامه درسی خاص فراگیران تیزهوش را بر اساس موارد زیر استدلال می‌کنند: الف- ماهیت محیط یادگیری ساخته شده برای فراگیران تیزهوش؛ ب- اصول ساختاری محتوا، فرآیند و محصول؛ و / یا ج- کاربرد دامنه‌ای از راهبردهای آموزشی همبسته با برنامه‌های در نظر گرفته شده برای فراگیران تیزهوش. معلمین فراگیران غیرتیزهوش، چنین توصیه‌ای را برای آموزش تیزهوشان بیشتر در حد یک بحث تحت عنوان «آموزش خوب» تلقی می‌کنند. مقاله حاضر به دنبال یک الگوی برنامه درسی و آموزشی جایگزین است که مناسب فراگیران پیشرفته باشد. بکار بستن چنین الگویی باید در جنبه‌های تمرینات و فعالیت‌های آموزشی و نیز تحقیقی که بر رشد استعدادها در دانش‌آموزان تیزهوش تمرکز یافته است از نیرومندی مناسب برخوردار باشد.

ما خواندن این مقاله را به همه همکاران آموزشی توصیه می‌کنیم.



### پرسش در مورد هویت آموزشی

«نگاه کن» او چنین دستورداد، «آنچه در کلاس‌های درس تیزهوشان جریان دارد چیزی جز آنچه می‌بایست در تمام کلاس‌ها وجود داشته باشد نیست. لکن تا اندازه‌ای ما این اجازه را به خود می‌دهیم که چنین چیزی را تنها برای آن عده از دانش‌آموزان در نظر بگیریم که به نحوی از قبل در این امر پیشی

\* Carol Ann Tomlinson (1996): Good Teaching for One and All: Does Gifted Education Have an

گرفته‌اند». با این کلمات، مدیر یکی از مدارس ابتدایی عصبانیت خود را نشان می‌دهد. این نگرش در عده‌ی زیادی از معلمان مشاهده می‌شود. اینان معتقدند که «آنچه برای دانش‌آموزان تیزهوش به منزله‌ی آموزش خوب محسوب می‌شود همان چیزی است که می‌بایست برای تمام فراگیران قابل دسترس باشد.» به عبارت دیگر، آنچه برای دانش‌آموزان تیزهوش مفید است برای اغلب دانش‌آموزان مفید خواهد بود.

یکی از معلمان برجسته‌ی کشور اخیراً این اعتراض را عنوان نموده است: «هنگامی که به آنچه در کلاسهای تیزهوشان می‌گذرد نگاه می‌کنم، درمی‌یابم که آموزش‌های ارائه شده در مورد حل مسأله برای دانش‌آموزان تیزهوش از فرازونشیب بسیاری برخوردار بوده و بازیهای وسیعی را دربرمی‌گیرد که همگی فاقد محتوای آموزشی است. موضوعی فاقد اهمیت طرح می‌گردد که در واقع برای هر فراگیری نمی‌بایست مطرح شود لکن موضوع به گونه‌ای به بحث کشیده می‌شود گویی که لباسی نو را می‌خواهند برای امپراطور در نظر گیرند.» خلاصه اینکه آنچه به عنوان «آموزش برای تیزهوشان» در برخی محیط‌ها اتفاق می‌افتد در قاموس هیچ نظام آموزشی و تحصیلی مشاهده نمی‌شود.

هر چند بحث‌های موجود در ارتباط با مفهوم «تیزهوشی» ممکن است به منزله‌ی احساسات بیمارگونه‌ی شخصی در نظر گرفته شود، ولی می‌توان چنین اظهار نمود آنچه که در مورد «یک بیمار روان‌گسیخته» در حال اتفاق افتادن است، موجب شده تا نظرات منصفانه و واقع‌گرایانه‌ای در مورد این بیماری ارائه گردد، در حالیکه در واقع این اظهارات اغلب به حکایات و ضرب‌المثل شبیه هستند تا یک مطالعه‌ی دقیق و منسجم. به عبارت دیگر می‌توان این سؤال را مطرح نمود که آیا در حقیقت برنامه تحصیلی و آموزشی ویژه و خاص دانش‌آموزان تیزهوش وجود دارد؟ چنانچه پاسخ «مثبت» باشد، چنین برنامه‌ای به منزله یک چارچوب دارای معیار و به منظور بکار بستن این برنامه برای فراگیران پیشرفته در مجموعه‌های همگن و ناهمگن بایستی کنشی مشابه را به همراه داشته باشد؛ و چنانچه پاسخ به این سؤال «منفی» باشد این معنا را می‌رساند که ضرورت دورنمای آموزشی برای فراگیران پیشرفته احساس نمی‌شود و لذا توجه به ابزار و طرح‌های آموزشی کاری عبث و بیهوده است. با توجه به این مسأله، و به منظور پاسخ به سؤال فوق ضرورت دارد که ماهیت موضوع مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر آیا تفاوت عمده و اصولی بین آموزش مفید برای تمام فراگیران و

آموزش مفید برای تیزهوشان وجود دارد؟ مقاله حاضر پیشنهاد می‌کند:

الف- بطور کلی وجوه مشترک بنیانی بین آموزش مفید در معنای عام و آموزش مفید برای فراگیران دارای توانمندی بالا وجود دارد.

ب- بعلاوه بین آموزش مفید برای همه و آموزش مفید برای فراگیران دارای توانمندی بالا تفاوت‌های اساسی وجود دارند.

ج- در نهایت، مشابهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین آموزش برای همه و آموزش برای تیزهوشان باعث گردیده‌اند که سمت‌گیری‌های پرثمری به منظور تدوین برنامه‌های آموزشی و تحصیلی برای محققین و دست‌اندرکاران این امر فراهم آورد.

من این پیشنهاد را ندارم که مطالب و عقاید مطرح شده در این مقاله بطور کامل به من تعلق دارد. افکار من در طی سالهای متمادی توسط متفکران خلاق و برجسته چه در حیطه آموزش تیزهوشان و چه در حیطه‌های دیگر شکل گرفته است که از این میان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: جرومی برونر (۱۹۶۶)، کارولین کالاهان (۱۹۹۶)، دیوید کلارک (۱۹۹۱)، ساندرا کاپلان (۱۹۷۹)، جون میکر (۱۹۸۲)، هری پَسو (۱۹۸۲)، فیلیپ فینکس (۱۹۸۶)، جو رنزولی (۱۹۸۸، ۱۹۹۴)، لی شولمن (۱۹۸۷)، جوید وان تاسل - باسکا (۱۹۹۴)، ویر جیل بارد (۱۹۸۰) و تعداد دیگری از افرادی که در جهت فهم و دقت در آنچه منظور از آن آموزش خوب برای همه و نیز آموزش خوب برای تیزهوشان بشمار می‌رود تلاش می‌کردند. آنچه در این مقاله ارائه می‌گردد طرح مجموعه‌ای از این دیدگاهها در قالب گفتگوئی مناسب و شایسته است که آموزش و یادگیری را بطور مؤثر تداوم بخشد (نه اینکه آنرا پایان دهد).

### چگونه به این دیدگاه رسیدیم؟

در سالهای متمادی از قرن حاضر، آموزش عمومی بر مبنای نگرش «رفتاری‌نگرها» در حیطه آموزش و یادگیری تدوین شده بود، به عبارت دیگر ارائه<sup>۱</sup>، یادآوری<sup>۲</sup>، تمرین کتبی<sup>۳</sup> و عملی<sup>۴</sup>، پاداش<sup>۵</sup> و تنبیه<sup>۶</sup> بخشی از مجموعه کلی آموزش محسوب می‌شدند. برای حداقل سه دهه، حیطه آموزش تیزهوشان در قلمرو روانشناسان «شناختی‌نگر» و نه «رفتاری‌نگر» طرح و قوام یافته است. در این دیدگاه فراگیران و فرآیند یادگیری در قالبی

جدید و نو مورد توجه قرار گرفته‌اند. معلمین تیزهوشان اظهار می‌دارند که فراگیران تیزهوش خود را در حل مسائل واقعی درگیر می‌سازند، بدین معنی که آنها نتایج و حاصل کار خود را به موضوعات واقعی، کنش‌های باثبات در سطوح بالایی از تفکر، برقراری ارتباط بین نظام‌ها، یادگیری مهارت‌های اساسی با توجه به متن و مفاهیم به جای مهارت‌های مجزا، کنشی همانند متخصصین حرفه‌ای با توجه به زمینه و حیطه کار، ارتباط با مسائل مبهم و نامشخص و مانند آن ارجاع می‌دهند.

من از وجود مقاله و یاکتابی در حیطه آموزش تیزهوشان که اصول فوق را مورد بررسی و بحث قرار داده باشد اطلاعی ندارم. هر چند که «هری پَسو»، «ویرجیل وارد» و «جو رنزولی» از جمله کسانی هستند که در حیطه آموزش و یادگیری عمومی مطالبی را ارائه نموده‌اند. ولی به نظر می‌رسد موضوعات مطروحه در این دو حیطه - یعنی حیطه آموزش عمومی و حیطه تیزهوشان - در تمام سطوح از ارتباط قابل توجهی برخوردار نیست.

بطور خاص در طی آخرین دهه، آموزش عمومی در حد وسیعی در جهت بنیان‌های آموزش و پرورش<sup>۷</sup> در یافته‌های مربوط به نظام‌های روانشناسی «شناختی» (که دربرگیرنده پژوهش‌های عصب‌شناختی نیز می‌باشد) و «ساختاری» سمت‌گیری داشته است. با توجه به جزئیات این نگرش، چنین استنباط می‌شود که آموزش بر مبنای بنیان‌های تربیتی در تلاش است که برای تمام فراگیران کلاس‌های «دانش آموز - مدار»<sup>۸</sup> را فراهم آورد به گونه‌ای که فراگیران در حل مسأله درگیر شوند، ایده‌های مهم را لمس نمایند، سطوح بالایی از تفکر را بطور باثبات و مستمر بکار گیرند، از طریق بکارگیری ادراک و مهارت‌های یادگرفته رقابت خویش را به نمایش گذارند، و از طریق یادگیری احساس نیروزایی خود را تقویت کنند. بطور مشخص، معلمین تیزهوشان که فواید چنین شیوه‌ای را در برنامه‌ریزی تحصیلی و آموزشی مشاهده نموده‌اند، بایستی با بکارگیری و بسط اصول فوق مورد تأیید قرار بگیرند.

معلمین «مدارس عمومی» مدعی هستند: «حال که معلمین سطح بالایی از تفکر را برای تمام دانش‌آموزان در کلاس درس به اجرا درمی‌آورند دیگر نیازی برای فراهم آوردن امکانات ویژه جهت تیزهوشان احساس نمی‌شود»، معلمین دانش‌آموزان تیزهوش مسأله فوق را به این شکل

مشخص سازند که برای یک دانش آموز تیزهوش پرکار و با تلاش یک مسأله تحلیلی در درس ریاضی می‌تواند زمینه درگیر شدن او را در موضوع درسی فراهم آورده در حالیکه برای همکلاسی او که از توان و پیشرفت خوب و کاملی نیز در درس ریاضی برخوردار است مسأله فوق نامناسب بنظر برسد. حیطة آموزش تیزهوشان دارای ماهیتی بحرانی است و این ناشی از این امر نمی‌باشد که معلمین تعهد نموده‌اند خود را براساس آموزش‌های از پیش تعیین شده در برنامه‌های فراگیران پیشرفته منطبق سازند و نیز به این علت نیز نیست که محتوای آموزش تیزهوشان و فراگیران دارای توانمندی زیاد، برای تمام فراگیران، بعنوان آموزش مؤثر شناخته شده است، بلکه ماهیت بحرانی آموزش تیزهوشان ناشی از این پدیده است که ما چگونگی اجرا کردن آنچه را که می‌خواهیم انجام دهیم (و چه زمانی می‌توان آن را خوب به عمل آورد) را نتوانسته‌ایم بطور مؤثر و کافی به معلمین انتقال دهیم.

### چه عواملی آموزش را برای فراگیران تیزهوش مناسب می‌سازد؟

بررسی عناصر مختلف برنامه تحصیلی و محتوای آموزشی همراه با اصول بکارگرفته شده در این راستا می‌تواند زمینه تدوین برنامه‌های مؤثر و مدلل برای فراگیران پیشرفته را فراهم آورد. با این بررسی می‌توان مشخص ساخت که چه عوامل و عناصری (محیط یادگیری، اصول محتوا، فرآیند و نتیجه، و راهبردهای آموزشی) بطور شایسته برای کار با فراگیران تیزهوش مؤثر است.

### آیا محیط‌های یادگیری معینی برای فراگیران تیزهوش مناسب است؟

از نظر معلمینی که با دانش آموزان تیزهوش سر و کار دارند بهترین محیط یادگیری به شرطی حاصل می‌شود که «دانش آموز - مدار»، «فعال» و «پاسخگو به علایق و نیازهای فراگیران» باشد. محیط‌های موردنظر با توجه به ارزیابی مستمر از نیمرخ فعالیت آموزشی دانش آموز بر این نکته تأکید دارند که معلم هر چند از نظر دانش و اطلاعات توانمند باشد در اغلب موارد به عنوان یک «تسریع‌کننده» در فرآیند یادگیری می‌تواند تأثیر مفیدی را به همراه داشته باشد. فراتر اینکه کلاس‌های «خوب» کلاسهائی هستند که برای دانش آموزان تیزهوش در جهت توسعه و گسترش یادگیری فراتر از آنچه در

کلاس انتظار می‌رود تلاش نمایند و حیطه یادگیری را به مسائل و موضوعات خارج از دنیای مدرسه که ساختاری نامناسب دارند کشانده و دانش‌آموزان را با آنها مواجه سازند.

هر چند توضیح اهداف محیط‌های مورد اشاره، آسانتر از دستیابی به آنها است، با وجود این، اهداف مزبور موجب شکل‌دهی به آرزوها و خواسته‌های آموزشی تیزهوشان می‌شود. گرچه چنین محیط‌هایی در جهت واقعی کردن و شکوفا نمودن «استعدادهای» امری اساسی محسوب می‌شوند، لکن بحث‌های پیشنهاد شده در این امر که برای شناسایی چنین دانش‌آموزانی بهتر است، محیط‌های موردنظر را محدود ساخت هنوز من را مجاب نساخته‌اند. بنابراین، می‌خواهم چنین نتیجه‌گیری نمایم که ماهیت محیط یادگیری عاملی نیست که بتواند کلاس درس را مختص فراگیران تیزهوش سازد.

آیا اصول، محتوی، فرآیند و نتیجه معینی مناسب فراگیران تیزهوش می‌باشد؟  
با توجه به «محتوی»<sup>۱۰</sup> (آنچه ما معلمین می‌خواهیم این است که چیزی را که به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم بدانند و درک کنند)، معلمین فراگیران تیزهوش در بهترین وضعیت، سعی دارند که دانش‌آموزان تیزهوش را از طریق کشف موضوع درسی که «قوی» یعنی «مربوط»<sup>۱۱</sup>، «منسجم»<sup>۱۲</sup>، «نیرومند»<sup>۱۳</sup>، «قابل انتقال»<sup>۱۴</sup>، «درگیر کننده»<sup>۱۵</sup> و «جالب توجه»<sup>۱۶</sup> طرح شده هدایت نمایند. معلمین به جای «انباشتگی»<sup>۱۷</sup> یا «مجزانمودن»<sup>۱۸</sup> و «منفصل نمودن»<sup>۱۹</sup> حقایق موضوع بر مفاهیم و اصول مرکزی در حیطه و یا موضوع مورد نظر تمرکز می‌کنند. معلمین همچنین می‌کوشند که دانش‌آموزانی که نیازمند به بکار بستن موضوعی می‌باشند مهارت لازم را به آنها یاد دهند. سطح بالای «تفکر انتقادی»<sup>۲۰</sup> و «تفکر خلاق»<sup>۲۱</sup> از ویژگیهای برجسته «فرآیند» (چگونه دانش‌آموزان به ایده‌های «خود» پرداخته و مهارت‌ها و راهبردهائی که معلمین با بکار بستن آنها بر تفکر دانش‌آموز تمرکز ایجاد می‌کنند) فراگیران پیشرفته محسوب می‌شود. همچنین انعطاف‌پذیری شیوه‌ها و نیز متناسب بودن راهبردها در ارتباط با نیازها و اطلاعات در دسترس، به عنوان ابزار آموزشی مناسب تعریف شده‌اند که در خدمت برنامه‌های موردنظر برای فراگیران تیزهوش قرار می‌گیرد. فراتر اینکه دانش‌آموزان به جای اینکه

مفاهیم و اصول موضوع درسی را در قالب یک مجموعه اطلاعاتی دریافت کنند، در وضعیتی قرار می‌گیرند تا مفاهیم کلیدی و اصول اساسی را خود کشف نمایند. در خصوص این موضوع که چگونه دانش‌آموزان با توجه به «محصول»<sup>۲۲</sup>، ادراک خود را ارائه می‌نمایند، از فراگیران تیزهوش خواسته می‌شود که همانند متخصصین حرفه‌ای به شناسایی مشکل یا موضوع اقدام کنند، و بررسی خود را در مجموعه‌ای از شیوه‌های روش شناختی مناسب و از طریق درگیر شدن با معیارها صورت دهند و با توجه به دستیابی به موفقیت و دفاع از فعالیت خود قبل از اینکه اثر خود را در قالب دانش و علم ارائه دهند، سعی کنند تا نتیجه فعالیت مورد توجه حاضرین قرار گیرد. دانش‌آموزان تیزهوش به جای ارائه اثر خود در شکلی از دانش، نتایج کار خود را در قالب «فرآورده» مطرح می‌سازند.

برای من مشکل است که با «اصلاح طلبانی» که تلاش دارند نظام مدارس و کلاسها را مورد تجدید نظر قرار دهند بحث کنم. این گروه می‌خواهند مدارس و کلاس‌های درس را به گونه‌ای نظام‌بندی نمایند که همه کودکان انتظارات مشابهی را در سطحی بالا بدست آورند و در محتوا فرایند و محصولات براساس یک الگوی منظم و قابل قبول درگیر گردند. هرچند من بوضوح چنین بحثی را درک می‌کنم که چرا و به چه علت چنین برنامه‌ریزی و قضاوت آموزشی به منظور رشد فراگیران با استعداد و پیشرفته ضروری است، لکن من دیدگاهی مشابه را در خصوص شایستگی دانش‌آموزان در یادگیری بطور کلی مورد تأیید و حمایت قرار می‌دهم. من اعتقاد دارم که درک بهتر و کامل ما از «فراگیران» و «یادگیری» موجب می‌شود که عناصر مؤثر در یادگیری یعنی «محتوا»، «فرآیند» و «محصول» را به عنوان دیدگاههای توسعه‌دهنده برنامه‌های آموزشی و شیوه آموزشی برای تمام فراگیران، مورد تأیید و ستایش قرار دهیم.

آیا راهبردهای آموزشی ویژه‌ای بطور خاص مناسب فراگیران تیزهوش می‌باشد؟ همانگونه که اشاره گردید به منظور یاری رساندن به دانش‌آموزان با استعداد درجهت دستیابی به «اهداف»، «محتوا»، «فرآیند» و «محصول»، راهبردهائی طراحی گردیده‌اند که دربرگیرنده آموزش‌های قوی و قابل دفاع برای فراگیران تیزهوش می‌باشد و در سطحی وسیع بکار بسته شده‌اند.

راهبردهای همبسته با رشد و حاصلخیزی قوه ابتکار همانند «حل مسأله»، «الحاقت»<sup>۳۳</sup>، «تحلیل‌های شکل‌شناختی»<sup>۳۴</sup>، «تفکر ناگهانی و بکر»<sup>۳۵</sup> و نیز راهبردهایی که با تفکر خلاق همبسته هستند چون: «بحث»<sup>۳۶</sup>، «سازماندهندگان نموداری»<sup>۳۷</sup>، «طرح فکر»<sup>۳۸</sup>، برای فراگیران تیزهوش در کلاسهای با کیفیت بالا معیاربندی شده‌اند. استفاده از نتایج تعداد زیادی از راهبردهای پژوهشی و مطالعات مستقل موجب شده‌اند تا تفکر خلاق و انتقادی در حیطه‌های استعداد و علایق دانش‌آموزان طرح گردد. تمام راهبردهای ارائه شده در این طیف برای دستیابی به اهداف و یا ماهیت وظایف متناسب به نظر می‌رسند و هیچ راهبردی نامتناسب با اهداف در نظر گرفته شده وجود ندارد.

دو راهبرد که دقیقاً با آموزش‌های متناسب برای فراگیران تیزهوش همبسته هستند شامل راهبرد «شتاب موضوع ذهنی»<sup>۳۹</sup> (درون و بین کلاس‌ها و پایه‌ها) و راهبرد «فشرده»<sup>۳۰</sup> (شکلی از راهبرد شتاب موضوع ذهنی) است. در صورت فرصت داشتن فراگیران مشتاق، آنان با مطالعه قبلی نسبت به موضوع می‌توانند درس ریاضی یا املا را پیشاپیش بررسی و آزمایش نمایند و یا اینکه برای فعالیت در حیطه‌های توسعه یافته یا وظایف مربوط به یادگیری مفید و با نفوذ با توجه به شتاب و فشردگی لازم از زمان استفاده کافی ببرند و بنابراین می‌توان چنین اظهار داشت که این دو راهبرد برای تعداد زیادی از فراگیران مفید و مؤثر است برخلاف آنچه که برای فراگیران پیشرفته اختصاص یافته است (میکر، ۱۹۸۲). رهبران آموزشی از جمله «هانری لوین» (۱۹۹۰) شواهد متقاعدکننده‌ای را ارائه می‌دهند که حتی بهبودی و اصلاح بطور کلی از طریق نوعی «راهبرد شتاب دهنده» میسر خواهد بود. در الگوی مزبور فراگیران تلاش‌گر به جای تمرین شفاهی یک سری از حقایق و دانش و یا تمرین گروهی از مهارت‌ها که بیرون از بافت و موضوع درسی می‌باشد بر مفاهیم، اصول و مهارت‌های اساسی یک بخش و یا موضوع تمرکز نموده و با اطمینان هرچه بیشتر توانمندی خود را به منظور درک بیشتر بکار می‌گیرند. چنین الگویی نه تنها فرصت یادگیری سریع مجموعه‌ی درسی را به همراه ندارد بلکه معناسازی و مفهوم بخشی به موضوع را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به ادراکات مربوط به چگونگی یادگیری دانش‌آموزان، بنظر می‌رسد «آموزش خاص» و یا «راهبردهای یادگیری خاصی» وجود ندارد که بطور اختصاصی و انحصاری



نیازهای فراگیران تیزهوش را برآورده سازد. بار دیگر یادآور می‌شویم آموزش خوب بطور کلی با بکارگیری مناسب طیف وسیعی از راهبردها عملی می‌شود.

### یک طرح جایگزین

اگر برای اغلب دانش‌آموزان (از جمله تیزهوشان) حداقل محیط یادگیری مشابه باشد بایستی اکثریت فراگیران، اگر نه همه، اصول حاکم بر یادگیری یعنی «محتوا»، «فرآیند» و «محصولات» را بتوانند بکار گیرند و بنابراین دامنه وسیعی از راهبردهای آموزشی ارائه شده می‌توانند بطور مؤثر (و غیرمؤثر) برای اکثر فراگیران مورد استفاده قرار گیرند. بر این اساس، تبیین و تعریف آموزش برای دانش‌آموزان تیزهوش صرفاً با چنین توصیف‌کننده‌هایی گمراه‌کننده بنظر می‌رسند.

بنابراین باید دید چه نوع برنامه‌های تحصیلی و آموزشی بطور خاص مناسب دانش‌آموزان «تیزهوش» است؟ چگونه می‌توان زمینه آموزش تیزهوشان و آموزش عمومی را مشابه و در یک ردیف تصور نمود و بدنبال آن بهترین شیوه و تمرین را در سطح وسیعی از مجموعه‌های تحصیلی و آموزشی مختلف بکار بست؟ باتوجه به این حقیقت که دانش‌آموزان و نوجوانان با میزان آمادگی علائق، و نیمرخ یادگیری<sup>۳۱</sup> متفاوتی به کلاس می‌آیند. شکل (۱) یک الگوی پیشنهادی به منظور تداوم بحث باتوجه به مشابهت‌ها و تفاوت‌های موجود در عناصر آموزشی مداخله‌کننده بین آموزش خوب در معنای عام با آموزش خوب مختص تیزهوشان یا فراگیران پیشرفته را ارائه نموده است. در این مقاله پس از مرور و توضیح عناصر مطرح شده در الگوی پیشنهادی، نمونه‌هایی در مورد چگونگی بکار بستن این الگو ذکر می‌شوند.

#### عناصر مؤثر مشترک در آموزش عمومی و آموزش تیزهوشان

در اطراف الگوی ارائه شده، چهار محیط یادگیری دیده می‌شوند که با نقش‌های «معلم» و «دانش‌آموز» ارتباط دارند. تمام دانش‌آموزان از محیط‌های چهارگانه یادگیری بر این مبنا سود خواهند برد که:

الف- تمام چهار محیط معرفی شده در جهت گیری خود فعال هستند (دانش‌آموزان به جای اینکه دریافت‌کننده باشند به عنوان عامل تلقی شوند)؛

ب- ارزیابی مستمر از آمادگی، درک، علاقه و نیمرخ یادگیری دانش‌آموزان، به منزله ابزاری جهت رشد تکاملی آنان بکارگرفته می‌شود؛  
ج- تأکید بر الگوهای گروه‌بندی انعطاف‌پذیر (مثل کار مستقل دانش‌آموزان به منزله بخشی از کل فعالیت کلاس و در گروه‌های متنوع)؛  
د- ارتباط برقراری کردن بین انتظارات مشخص دانش‌آموزان به منظور هدایت و رشد مستمر نسبت به ادراک نمودن و مهارت‌ها برای هر فرد بدون توجه به نقطه شروع فعالیت فراگیر.

بدون تردید محیط‌های یادگیری دیگری وجود دارند که می‌توانند در کنار الگوهای چهارگانه محیط - یادگیری قرار گیرند و موجب علاقه‌مندی فراگیران شوند. همانطور که در شکل یک در قسمت بالای خط نقطه‌چین دیده می‌شود برخی اصول است که بر «رشد» نفوذ داشته و بکار بستن آن در آموزش و برنامه تحصیلی در کلاسهای خوب، خدمات وسیعی را برای فراگیران فراهم می‌آورد. برای مثال، فراگیران «محتوا» را به خوبی ادراک کرده و به خاطر می‌سپارند و بهتر بکار می‌بندند مشروط بر اینکه:

- محتوا بر مفاهیم کلیدی و اصولی در موضوع موردنظر تمرکز داشته باشند.
- دانش‌آموزان هدف و یا فواید استفاده از آن را مشاهده کنند.

فراآیند (یا فعالیت‌هایی که به دانش‌آموزان در معناسازی ایده‌ها کمک می‌کند) می‌بایستی:

- بر مفاهیم، اصول و مهارت‌های کلیدی تمرکز پیدا کند.
- فعال نمودن تعامل ایده‌ها در سطوح بالا (در مقابل عادت) را باعث شود.
- ارائه فواید فرآیندهایی که فراگیران خود را درگیر آنها کرده‌اند را بدنبال داشته باشد.
- نیاز به فعالیت مناسب دانش‌آموزان در حیطه شناخت انتقادی و ابتکاری و ماوراء شناخت را در پی داشته باشد.

و نهایت، «محصولات» هنگامی جذاب، نیرومند و دوست‌داشتنی بنظر می‌رسند که آنها:

- بر مبنای مسائل و موضوعات واقعی بنا شده باشند.

● نیازمند دانش آموزشی که اکثر / همهٔ بینش‌های کلیدی، مهارت‌ها و ادراک‌های محوری را در ارتباط با سؤال یا موضوع بکار بندند.

● ضروری بودن این امر که دانش‌آموزان یاد بگیرند و همچون یک فرد متخصص مهارت‌ها و معیارهای مرتبط با موضوع مورد بحث را بکار بندند.

● دانش‌آموزان نتایج و حاصل کار خود را با افراد مهم طرح‌کرده و مشورت نمایند و بالاخره اینکه: ● از طریق «تشویق دانش‌آموز» در جهت ارائه کار خود بصورت شیوه‌های چندگانه زمینه‌های علاقه‌مندی و استعداد ویژه او را تعالی بخشیم.

آموزش دهندگان مختلف سعی دارند سه بخش «محتوا»، «فرآیند» و «محصول» را که به منزلهٔ اصول تقویت و نیرومند یادگیری بشمار می‌روند با توجه به کلاس‌های خوب و مؤثر در مجموعه‌های مختلف آموزشی اصلاح نمایند.

آنچه در زیر خط نقطه‌چین در شکل (۱) دیده می‌شود نمونه‌های راهبردهای آموزشی هستند. راهبردهای مزبور بیشتر با توجه به ویژگی توضیحی و نه جامع و کامل آنان ارائه شده‌اند. این راهبردها بدون در نظر گرفتن این فرض که تمامی فراگیران میزان آمادگی، علایق و نمودار یادگیری مشابهی دارند، می‌توانند برای معلمین در ارائه ابتکار خوب و مؤثر و تجارب یادگیری دانش‌آموز - مدار مفید واقع شوند.

چه چیزی آموزش و برنامه تحصیلی فراگیران تیزهوش را اختصاصی جلوه می‌دهد؟ فراگیران تیزهوش خود گروهی «نامتجانس» بشمار می‌روند و هیچ شیوهٔ واحدی که مناسب همه فراگیران تیزهوش باشد وجود ندارد که قادر باشد طیف وسیع و کامل نیازهای آنان را برآورده سازد در حالیکه برای دیگر گروه‌های نامتجانس، دیدگاه واحد برای همهٔ افراد کارآیی داشته است. بهرحال، دانش‌آموزان دارای توانمندی زیاد تمایل دارند که برخی از ویژگیهای مشترک مؤثر در یادگیری از جمله «سرعت یادگیری»، «عمق بینش» و «پشتکار» در حیطه‌های مورد علاقه را دارا باشند. با توجه به این اصل که کنش‌های مغز نه در حالت اضطراب و نه در حالت آرامش ظاهر می‌شوند. تجربه‌های یادگیری بخوبی برای چنین دانش‌آموزانی مناسب بوده و موجب می‌شود که کنش‌های مغز آنان به سطح متوسط «برانگیختگی»<sup>۳۲</sup> برسند. (سیکسزنتیمیالی و همکاران، ۱۹۹۳؛ سیلوستر، ۱۹۹۵).



بخش پائینی شکل یک (زیر جدول) نشان می‌دهد که چگونه معلمین و متخصصین برنامه تحصیلی با توجه به اصلاحاتی که در «محتوا»، «فرآیند» و «محصول» یادگیری انجام می‌دهند می‌توانند راهبردهای متناسب با نیمرخ‌های متنوع یادگیری را برای فراگیران فراهم آورند به گونه‌ای که بهترین تمرین‌های آموزشی برای تمام فراگیران قابل حصول باشد. در توضیح این مطلب باید اضافه نمود (همانگونه که در شکل (۱) دیده می‌شود)، ۹ زوج مؤثر یادگیری، هر یک در یک پیوستار ارائه شده‌اند مانند آنچه در دستگامهای پخش صوت استریو وجود دارد. بدین معنی که با کشیدن دکمه در جهت چپ یا راست شنونده قادر خواهد بود عناصر مختلف موجود در یک صوت مانند صدای یک ساز، صدای حضار، حالت و آهنگ ترانه یا ساز و امثال آن را برای خود بطور مناسب سازگار و تنظیم نماید. با تنظیم و انطباق عناصر آموزش از طریق ۹ زوج پیوستاری، آموزش‌دهنده مطمئن خواهد بود تمام فراگیران قادر خواهند بود بطور انفرادی و با توجه به ویژگیهای خود در تجربه‌های یادگیری شرکت نموده و فایده و بهره لازم را بدست آورند.

هر چند که زوج‌های ارائه شده بصورت پیوستار در برخی موارد ممکن است با یکدیگر هم پوشی داشته باشند لکن هر یک از زوج‌ها، نوعی شیوه تفکر را در ارتباط با برنامه تحصیلی و آموزشی ارائه می‌دهند که حداقل در بخشی از اجزاء متفاوت از دیگر زوج‌های پیوستاری می‌باشند.

تمام زوج‌های نه‌گانه در این موضوع یکسان هستند که هر چه دکمه‌ها به سمت راست کشیده شوند وظیفه و محتوای یادگیری مورد نظر بیشتر مناسب دانش‌آموزانی است که دارای استعداد پیشرفته بوده و به حیطة خاصی علاقه‌مندند و لذا مناسب دانش‌آموزان با سطحی پائین‌تر از استعداد، علاقه و یا هر دو نیست. بهر حال بدون توجه به محل قرار گرفتن دکمه‌ها، تمام دانش‌آموزان بایستی بر «محتوا» و فعالیت‌هایی تمرکز داشته باشند که در آنها مفاهیم، ارتباط بین مفاهیم و درگیر شدن و امثال آن را مورد توجه قرار دهند.

نگاهی به زوج‌های نه‌گانه

۱- از «بنیادگرایی»<sup>۳۳</sup> تا «دگرگونی»<sup>۳۴</sup>. هنگامی که دانش‌آموزی درگیر فعالیت و

موضوعی جدید می‌گردد، بهتر است که محتوا و یا فعالیت‌ها بصورت بنیانی صورت گیرد. بهر حال، در موردی که دانش آموز پیشاپیش به اصول و مهارت‌های کلیدی آشنا شده و بر آنها تسلط دارد، آمادگی دارد که با اصلاح توانمندی‌های بدست آورده خود آنها را در مجموعه‌ای دیگر بکار بندد، در این صورت دانش آموز نیاز دارد که درخصوص اطلاعات، ایده‌ها، موضوعات و کاربردها فعالیت نماید تا از این طریق بتواند هر چه سریع‌تر به دگرگونی و تغییر شکل دست یابد تا ادراکات و مهارت‌های خود را نسبت به محتوای جدید قابل انطباق سازد. برای مثال در یک کلاس درس که حقایق مختلف جنگ داخلی\* مورد بررسی قرار می‌گیرد، تمام دانش‌آموزان متن کتاب را مطالعه نموده و فیلم ویدئویی که در آن دو سرباز هم‌سن که نظرات کاملاً متفاوتی را در مورد جنگ داخلی اظهار می‌کردند تماشا می‌کردند. هر دو سرباز با یک زن و یک مرد که در جنگ داخلی شرکت کرده بودند مصاحبه‌ای انجام دادند. گروهی از دانش‌آموزان کلاس با جمع‌آوری مدارک و دلایل و منابع مختلف بر حقوق استانیها تأکید داشتند و در ضمن دیدگاه اقتصادی مربوط به زمان جنگ داخلی را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. و در نهایت دیدگاههای متفاوت دو سرباز را با توجه به دلایل و نشانه‌های بدست آمده حاصل از تحلیل و بررسی خود را در تابلویی ارائه کردند. گروه دیگر از دانش‌آموزان منابع و دلایل تکمیلی دیگری از جمله نسخه‌هایی از روزنامه‌های مربوط به دوره جنگ داخلی (شامل سرمقاله‌ها و کاریکاتورهای سیاسی) را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. دانش‌آموزان گروه دوم نیز مانند گروه اول سعی می‌کردند به تعلیم دو دیدگاه متفاوت مربوط به جنگ داخلی پردازند و این فعالیت را در قالب دو کاریکاتور سیاسی که نشانگر هر دو دیدگاه بود ارائه کردند. بنظر می‌رسد موضوعات و مواد بکار گرفته شده در نحوه ارائه فعالیت گروه دوم در مقایسه با گروه اول تا حد بیشتری دارای دگرگونی است هر چند که هر دو گروه با اصول ادراکات مشابهی سر و کار داشته و هر دو در سطح بالایی از تفکر فعالیت داشتند.

\* منظور مؤلف جنگهای داخلی امریکاست.

۲- از «عینی»<sup>۳۵</sup> تا «انتزاع»<sup>۳۶</sup>. هنگامی که برای فراگیر مفهوم یک ایده روشن نیست ضروری است تجربه‌های یادگیری بصورت «عینی» ارائه شوند. این تجربه‌ها می‌تواند در قالب ارائه چیزهای قابل مشاهده، نمونه‌هایی از زندگی واقعی، کاربردهای روشن و صریح ارائه شوند و یا با استفاده از شیوه‌هایی که از طریق آنها بتوان به دانش آموز یاری رساند تا با فعالیت ذهنی و فکری خود به مفهوم مورد نظر دست یابد. دانش آموزانی که پیشاپیش به مفاهیم مورد نظر دست یافته‌اند آمادگی دارند تا در زمینه استنباط یا بسط ایده‌های مورد نظر فعالیت نمایند. برای مثال، برخی دانش آموزان که به مطالعه اصول نافذ در موضوع درسی «باد و آب جاری» مشغول هستند از طریق شرکت در مجموعه‌ای از تجربه‌های طراحی شده (عینی، در دسترس)، به آنها کمک شود تا خودشان را با موضوع درسی درگیر نموده و به کشف و ارائه دقیق اصول موضوع درسی بپردازند. دیگر دانش آموزان در کلاس درس ممکن است با فعالیت براساس فهرستی از اصول (انتزاعی) و بکارگیری آنها به نتایج مشابهی دست یابند.

۳- از «ساده»<sup>۳۷</sup> تا «پیچیده»<sup>۳۸</sup>. در موضوعاتی که نیازمند بهره‌گیری از میزان آمادگی و مهارت دانش آموز است. بهتر است این نکته در نظر گرفته شود که هنگامی که فراگیران از میزان آمادگی بالایی برخوردار نیستند و یا دارای مهارت‌های پیشرفته‌ای نمی‌باشند؛ به عبارت دیگر در مورد فراگیران معمولی، بهتر است فعالیت آنها در حیطه‌های مختلف از جمله منابع، تکالیف تحقیقی، مسائل، مهارت‌ها و اهداف در ابتدا با ماهیتی ساده همراه باشد. بدین معنی که با مفاهیم، استنباطات و بسط‌دهی کمتری سر و کار داشته باشند. در مقابل فراگیران پیشرفته، با وظایفی درگیر می‌شوند که در حیطه‌های منابع، تکالیف تحقیقاتی، مسائل، مهارت‌ها یا اهداف با ماهیتی پیچیده (یعنی تعامل با مفاهیم، استنباطات و بسط‌دهی چندگانه) همراه است. برای مثال، در یک کلاس مقطع ابتدایی که فراگیران با توجه به امکانات عملی موجود در کلاس به یادگیری ارزش پول مشغول هستند، دانش آموزی ممکن است با مبادله پول در یک معامله به ارزش پول پی ببرد. دیگری می‌تواند به دفتری که ارزش پول و سود آوری آن در طول زمان در آن ثبت شده مراجعه کند. بطور مشابه، در کلاس درس «زبان» از برخی دانش آموزان خواسته می‌شود تا به تکمیل جملات ناقص که واژه‌های کلیدی همچون اسامی، افعال

یا صفات در آنها حذف شده‌اند پردازند. از برخی دیگر از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که به خلق جملات معناداری در قالب یک مقاله اقدام کنند. ابتدا مقاله با یک جمله معنادار شروع شود و بدنبال آن جمله‌ای با دو صفت توصیفی و یک اسم نوشته شود، سپس عبارتی فعلی که با یک قید منقطع گردد ارائه شده و در خاتمه عبارتی با یک حرف اضافه معینی نوشته شود.

۴- از «جنبه‌های محدود»<sup>۳۹</sup> تا «جنبه‌های متعدد». فعالیت چند جنبه‌ای در حیطه آموزشی بدین معنی است که در فعالیت مزبور تعداد تعاملات و ارتباطات بین نظام‌ها در حد زیادی است و گام‌ها و مراحل که مستلزم بررسی و نیازمند تکمیل هستند موجب می‌شوند که یک فراگیر دارای درک پیشرفته، احساس نشاط و انبساط خاطر کند زیرا که او علاقه‌مند درک و مهارت‌های چندگانه است. سایر فعالیت‌ها بر مفاهیم مشابهی تأکید داشته با این تفاوت که جهت‌گیری، ارتباطات یا گام‌ها نیازمند ادراک در سطح پائین و اندکی هستند. اینگونه فعالیت‌ها مناسب فراگیرانی است که مجموعه ادراکی و مهارتی آنان غیر پیشرفته و محدود به اصول است. برای مثال، برخی از دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی ممکن است برای لغات مشکل (۳ یا ۴ بخشی) آمادگی یادگیری داشته باشند در حالیکه هم‌کلاسی‌های آنها که از پیشرفت مشابه دوستان خود برخوردار نیستند تنها آمادگی یادگیری لغات مشکل (حداکثر ۲ بخشی) را دارند. به همین ترتیب، تمام دانش‌آموزان پایه ۹ (کلاس سوم راهنمایی) قادر هستند بر اساس یک شخصیت داستانی با خود مناظره‌ای را خلق کنند لکن این مناظره تنها به صورت سخنرانی یک طرفه، یعنی بدون بحث مطرح می‌شود. در حالیکه تعداد اندکی از دانش‌آموزان که دارای مهارت‌های نوشتاری، کلامی و ارائه مطلب بطور شفاهی هستند قادرند علاوه بر ارائه مطلب به تفسیر و تحلیل و بحث در کلاس اقدام کنند.

۵- از «جهش کوچک»<sup>۴۰</sup> تا «جهش بزرگ». از هیچ دانش‌آموزی بدون ارائه «جهش‌های ذهنی» قابل قبول نباید تقاضای تکلیف و کار شود. تمام فراگیران در ارائه نتیجه‌گیری، پیشگویی نتایج، ایجاد ارتباطات و مانند آن بایستی مورد حمایت و یاری قرار گیرند. با وجود این یک فراگیر تلاش‌گر در مقایسه با فراگیر پیشرفته بهتر است که ابتدا در



راستای جهش‌های ذهنی نسبتاً کوچک در حیطه‌های انتقال، بینش یا بکار بستن تشویق شود. برای مثال در یک کلاس ابتدایی، داستانی بازگو می‌شود که در آن شخصیت اصلی به علت عدم تدبیر و بینش و توجه به نشانه‌های جزئی اما مهم در معرض خطر قرار گرفته است. در این مورد از دانش‌آموزان کلاس خواسته می‌شود تا به مقایسه زندگی خود و یا دوستانشان پرداخته و در مواردی که آنها به نشانه‌های مهم رویدادهای زندگی توجه داشته‌اند چه پیامدهائی بدنبال داشته است و در نهایت به تحلیل داستان و حوادث زندگی خود یا دوستانشان پردازند. از فراگیران پیشرفته خواسته می‌شود که از کتاب یا داستان مورد علاقه خود شخصیتی را انتخاب نموده و ویژگیهای شخصیتی فرد انتخابی را با توجه به نشانه‌ها و علائم حوادث مطرح شده در داستان یا کتاب با زندگی خود بررسی و مقایسه کنند. سپس از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با این فرض که چنانچه شخصیت انتخاب شده توسط آنها در داستان جایگزین شخصیت داستان شود توضیح دهند که چه اتفاقی ممکن است رخ دهد. دانش‌آموزان نباید صرفاً به خلاصه کردن حوادث داستان بپردازند، بلکه تمام دانش‌آموزان موظفند بین موضوع داستان و زندگی فراتر از داستان ارتباط برقرار نمایند. گروه دیگر دانش‌آموزان (فراگیران پیشرفته) بایستی جهش ذهنی وسیع‌تری را با توجه به کاربرد و بینش در جهت تکمیل تکالیف محوله ارائه نمایند.

۶- از «ساختاری»<sup>۴۱</sup> تا «فاقد ساختاری». اگر چه تمام فراگیران نیاز دارند بطور پایداری نسبت به تکالیف «بدون پایان»<sup>۴۲</sup> احساس راحتی و تحول و تقویت نمایند ولی فراگیران پیشرفته - در مقایسه با همسالان خود که هنوز از گام زدن در حیطه ارائه شده از خود اطمینان خاطر ندارند - بطور ویژه قادرند بدون درنگ با دیدگاههای بدون ساختار و باز سر و کار داشته باشند. برای مثال از یک دانش‌آموز دبیرستانی می‌توان خواست که با توجه به فرآیند نقد شعر که در قالب نوشتار راهنما در اختیار او قرار دارد به نقد شعر و تکمیل لوحه ذریبط اقدام کند و به سؤالات پاسخ دهد. در مقابل یک دانش‌آموز پیشرفته در حیطه مهارت ادبیات، ممکن است تنها از او خواسته شود به نقد و منطق نقد خود اقدام کند بدون اینکه از نوشتار راهنما سود ببرد. در این حالت، دانش‌آموز دوم در مقایسه با دانش‌آموز اول با تکالیف فاقد ساختار و بازتری به فعالیت پرداخته

است.

۷- از «تعریف مشخص»<sup>۴۳</sup> تا «مبهم»<sup>۴۴</sup>. مسائل و موضوعات فاقد وضوح در حیطه تعریف و تبیین در مقایسه با موضوعاتی که عناصر، پارامترها، «عصاره‌ها»<sup>۴۵</sup> یا گام‌های موضوع مشخص هستند بیشتر نیازمند واریسی می‌باشند. بطور کلی، دانش‌آموزان از مسائل و موضوعاتی بیشتر سود می‌برند که کمی فراتر از کشش و توانایی آنها باشد. در حالیکه برای فراگیران پیشرفته موضوع موردنظر بیشتر بهم آشفته یا دارای تعریف مبهمی است و نیازمند تحلیل‌های پیچیده‌تر، دست‌کاری‌های چند راهه، فعالیت در حیطه‌های شناسایی نشده موضوع و به آزمایش گذاشتن جدی راه‌های انتخاب شده می‌باشد. فراگیران دارای پیشرفت کم در موضوعات و مسائلی که دارای ابهام کمتری هستند می‌توانند بهترین فعالیت را ارائه دهند. برای مثال، دانش‌آموزان پایه ۷ (معادل اول راهنمایی) موضوع تغییر بافت و ساختار خانه‌های مجاور مدرسه خود را مورد بررسی قرار می‌دهند. فراگیران دارای پیشرفت کم ممکن است دو فرضیه را در مورد خانه‌های قدیمی در ناحیه موردنظر در ذهن خود متبادر سازند. ارزیابی مناسب و منطقی بودن هر یک از فرضیه‌های ارائه شده توسط دانش‌آموزان می‌تواند براساس معیارهای زیباسازی و یا اقتصادی از پیش طراحی شده در ذهن دانش‌آموزان مطرح شوند که در نهایت به توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاران در این موضوع منجر گردد. در مقابل، گروه فراگیران پیشرفته اثرات و پیامدهای خانه‌های موردنظر را با توجه به تغییر بافت جمعیتی در آینده که می‌تواند با الگوی مسکونی در شهر موردنظر، الگوهای مربوط به دیگر شهرها یا پیش‌بینی‌های متخصصین مورد بررسی قرار می‌دهند و در پایان در جهت ارائه طرح مناسب در مورد تغییر جامعه به دفاع از نظریه تدوین شده خود می‌پردازند.

۸- از «استقلال»<sup>۴۶</sup> کم تا «استقلال زیاد». هیچگونه همبستگی بین «استعداد» و «استقلال» وجود ندارد. تعداد زیادی از فراگیران پیشرفته در مقایسه با همسالان خود فراگیرانی مستقل هستند در حالیکه دیگر فراگیران پیشرفته چنین نیستند. هنگامی که دانش‌آموز با کمک جزئی یا بدون کمک گرفتن از مربی قادر به ارائه طرح، تنظیم اهداف، تعیین

پیشرفت زمانی و ارزیابی پیشرفت است برای او بایستی فرصت‌هایی در قالب ارائه و اجرای طرح‌های مستقل به منظور رشد دانش آموز در نظر گرفت. چنین فردی نیازمند راهنمایی‌هایی می‌باشد که مهارت‌های مستقل بیشتری را بکار بندد زیرا به کمک دیگران نیاز چندانی ندارد. برای دانش آموزی که احتمال دارد بدون دریافت کمک و یاری در تنظیم اهداف، تعیین برنامه زمانی و امثال آن دچار مشکل جدی شده و یا شکست را تجربه کند مناسب است که فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای او از استقلال کمتری برخوردار باشد و تنظیم فعالیت او بایستی در حرکت از وابستگی به حمایت ساختاری عناصر بیرونی به سوی وابستگی به ساختارهای درونی یاری و هدایت شود. برای مثال گروهی از دانش آموزان پایه ۸ (معادل دوم راهنمایی) در پروژه‌ای فعالیت داشتند. معیارهای کلی و کیفی نتایج پروژه توسط دانش آموزان و معلم مشخص گردیدند. این امکان برای تمامی دانش آموزان مهیا بود که علاوه بر دسترسی به معیارهایی که بطور اختصاصی متناسب با «استعداد» و «نیاز» آنها بود، به مذاکره با معلم بپردازد. دانش آموزان همچنین پیشرفت زمانی فعالیت خود را تعیین کردند. برای آن دسته از فراگیران که دارای میزان مهارت بالایی از استقلال بودند، معلم تنها برنامه زمانی را مشخص کرده و به آنها یادآور شد که جلسه بررسی و نقد توسط همسالان حداقل یک هفته قبل از تاریخ مورد نظر تشکیل خواهد شد. در مورد فراگیران دارای میزان مهارت کمتری از استقلال، معلم یادآور شد که در تاریخ‌های متعددی با شرکت دانش آموزان و معلم به بررسی نتایج و اهداف اختصاصی پرداخته خواهد شد.

۹- از «آهستگی» تا «سرعت». فعالیت یک دانش آموز کوشا در حیطه‌ای خاص در مواقعی ضرورت دارد از سرعت مناسبی برخوردار باشد، بدین معنی که دانش آموز نکات اساسی را در مجموعه‌ای موضوعی بررسی نموده و سپس فعالیت خود را به حیطه دیگری که در چشم‌انداز یادگیری بنیانی‌تر است انتقال دهد. در مواقع دیگر، یک دانش آموز کوشا قادر است در صورت داشتن زمان اضافی در موضوعات پیچیده و فشرده به نتیجه خوبی دست یابد، در این حالت سرعت به عنوان عامل ضروری در فعالیت دانش آموز در نظر گرفته نمی‌شود و او می‌تواند به آهستگی

فعالیت خود را ادامه دهد. بطور مشابه، فراگیران پیشرفته در مقایسه با دیگر دانش‌آموزان، اغلب می‌توانند از مجموعه مطالعاتی که نیازمند چالاکی هستند سود ببرند و استعدادهای خود را بکار گیرند. به‌رحال این نکته حائز اهمیت است که برخی از دانش‌آموزان پیشرفته به منظور ارضاء نیازهای خود در جهت اندیشه عمیق‌تر و گستره موضوع به تاخیر و درنگ نیاز دارند. برای مثال در یک کلاس پایه اول، دانش‌آموزان به مدت دو هفته خارج از کلاس به مطالعه موضوع پرداختند. در پایان زمان در نظر گرفته شده، تنها ۲ دانش‌آموز برای پاسخ به سوالات مطرح شده در مورد موضوع هنوز به وقت اضافی نیاز داشتند در حالیکه اکثر دانش‌آموزان کلاس آماده مطالعه موضوعات بعدی شده بودند. در مورد دو دانش‌آموز فوق، معلم فرصت مطالعاتی بیشتری در نظر گرفته و به آنها با انتخاب کتاب و انجام تکالیفی در مرکز یادگیری علوم یاری رساند. این دو دانش‌آموز نمونه‌هایی از فراگیران پیشرفته هستند که در مقایسه با همسالان خود نیاز دارند که در حیطه موضوع اکتشافی آهسته‌تر به فعالیت پردازند.

#### بررسی یک مورد تفضیلی

یک گروه نامتجانس متشکل از دانش‌آموزان پایه سوم به جمع‌آوری داده و تحلیل آنها پرداختند. معلم کلاس از دانش‌آموزان خواست که بطور موثر در مورد موضوع انتخابی خود هدایت لازم را انجام داده و در انجام بررسی موضوع خود، بر مجموعه‌های مناسب پاسخ، توجه نمایند، داده‌های جمع‌آوری شده را بطور مناسب دسته‌بندی کرده و یافته‌های خود را گزارش نمایند.

در این بررسی برخی از دانش‌آموزان دارای مهارت‌های پیشرفته در حیطه ریاضی بطور بنیانی آمار توصیفی در مقوله‌های میانگین، میانه و نما را یاد خواهند گرفت. بررسی این گروه از دانش‌آموزان با کمک مجموعه‌های چندگانه پاسخ صورت می‌گیرد و بر اساس آن آمار توصیفی بطور متناسب در تحلیل داده‌ها بکار گرفته می‌شود. تعداد دیگری از دانش‌آموزان دارای مهارت پیشرفته در حیطه زبان و ادبیات، پاسخ‌های «بدون پایان»<sup>۲۲</sup> را در بررسی خود بکار می‌گیرند و لذا اصول «رمزگذاری»<sup>۲۷</sup> را بطور بنیانی از تحقیق کیفی فرا می‌گیرند.

تمامی دانش‌آموزان کلاس بررسی خود را با توجه به مطالعه مبتنی بر مفهوم و اصول پرداختند. در بخشی از مطالعه و تحلیل، دانش‌آموزان به تنهایی به کار می‌پرداختند. در دیگر موارد، آنها با توجه به گروه‌های شکل گرفته و سازمان یافته بر اساس علایق به فعالیت ادامه دادند. همچنین آنها به طور گروهی با دانش‌آموزان دارای آمادگی‌های مشابه فعالیت مشارکتی داشتند. در اغلب موارد، دانش‌آموزان کلاس همگی به منظور یادگیری مهارت‌های جدید و یا مشارکت در پیشرفت در کارهایشان به فعالیت مشغول بودند. گاهی اوقات (مثلاً در مورد یادگیری «میانگین»، «میانه» و «نما») دانش‌آموزان به منظور آموزش در گروه‌های کوچک در مورد موضوعاتی که متناسب با توانمندی و علاقه آنها بود با معلم خود گفتگو و بحث می‌کردند. تمام دانش‌آموزان از فراگیران فعال بوده و پیشرفت زمینه بکارگیری مهارت‌ها و ایجاد بصیرت در آنها می‌شد. تمام دانش‌آموزان در سطوح تفکر از کنش پایدار و باثباتی برخوردار بودند، تمام دانش‌آموزان در فرآیند مطالعه و بررسی، مهارت‌های مربوط به یک تخصص و حرفه را می‌آموختند، تمام دانش‌آموزان فرصت فعالیت و مطالعه داشته و می‌توانستند بر حیطه‌های مورد علاقه خود تمرکز داشته باشند. به‌رحال، تکالیف (بررسی وظایف) رای فراگیران پیشرفته بیشتر دارای ویژگی‌های «انتزاعی» (مانند مفهوم میانگین، میانه و نما و یا اصول رمزبندی تحقیق کیفی)، در هم تنیده بودن و «فشرده‌گی» (مانند ریاضیات پیشرفته، ادبیات پیشرفته)، «بدون - پایان» (مانند پاسخ‌های بدون پایان که منجر به نتایج با اطمینان کمتر می‌گردد) و «چندوجهی» (به علت نیاز به دامنه و ارسای وسیع ریاضی یا ادبیات) است. چنین وضعیتی نه ناشی از محیط یادگیری و نه ناشی از راهبردهای آموزشی ویژه است یعنی حاصل «محتوا» هدایت اصول، فرآیند یا محصول نیست. بطور نسبی، ویژگی‌های فوق - یعنی سطح بالایی از «انتزاع»، «فشرده‌گی»، «ابهام مسئله»، «ساختار»، «بینش» و دیگر عوامل، موجب می‌شوند که یک برنامه درسی و آموزش برای تیزهوشان در حیطه خاصی از همگنی مناسب و خوبی برخوردار شوند.

#### داستان دو مجموعه

«تیا»<sup>۴۸</sup> و «جیمز»<sup>۴۹</sup> از دانش‌آموزان پایه چهارم هستند که از آمادگی پیشرفته‌ای در

حیطه‌های ادبیات، هنر و علوم برخوردارند و هر دو نیز با هم‌کلاسی‌های خود در مورد بررسی موجودات زنده به کار و مطالعه مشغول هستند. اخیراً هر دو به این کشف دست یافته‌اند که موجودات زنده برای ادامه حیات نیازمند آب هستند. در طی ۲ یا ۳ روز آینده، هر دو دانش آموز به جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد علل و چگونگی نیاز به آب و نحوه استفاده از آن توسط موجودات اقدام می‌کنند؛ هر دو دانش آموز فرصت دارند تا راه‌های دستیابی به اطلاعات و اکتشافات مربوط به مطالعه خود را هدایت نموده و به بیان یافته‌های خود پردازند، و هر دو ادراکات جدید بدست آمده را با توجه اطلاعات جمع‌آوری شده در جلسه‌ای با شرکت دانش‌آموزان کلاس مطرح نموده و آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. بر این اساس، «تیا» و «جیمز» هر دو در محیطی فعال کار می‌کردند و الگوهای گروه‌بندی انعطاف‌پذیری را بکار می‌گرفتند. هر دو به ویژگی‌های «محتوا»، فرآیند و ایده‌های مبتنی بر «مفهوم»، «تعمیم‌پذیری»، «قابل انتقال» و برجسته بودن توجه داشتند. فعالیت آنها بطور شدیدی بر «مفهوم» و اصول در دسترس تمرکز یافته بود. هر دو از داده‌ها در سطوح تحلیلی و ترکیبی آنها سود می‌جستند. در حقیقت هر دو دانش‌آموز قادر بودند واحد درسی مورد نظر را فراتر از چارچوب متن در نظر گرفته شده واری کرده و آن را به مرزهای وسیع‌تری توسعه دهند و هر دو با توجه به زمان باقیمانده سعی و تلاش می‌کردند تا به کشف دیگر مطالب دست یابند.

به نظر می‌رسد که «تیا» و «جیمز» بطور نسبی در این هفته با تجارب یادگیری متغیر و نوسان‌پذیری درگیر بوده‌اند. نگاهی به تکالیف خاص این دو دانش‌آموز تفاوت‌های مهمی را آشکار می‌سازد.

تکالیف انجام شده توسط «جیمز» بشرح زیر بود؛ از کتاب اصلی بطور جنبی استفاده کرده و با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای به جستجوی حداقل ۳ دلیل متفاوت که چرا یک قورباغه در خلال هر مرحله از چرخه زندگی خود نیاز به آب دارد پرداخته است. آنگاه به خلق یک نمودار که مراحل چرخه زندگی و نحوه استفاده از آب را در هر مرحله نشان دهد اقدام کرده است. اطمینان یافتن از اینکه تصویر و نمودار ارائه شده بطور مناسب و صحیح نامگذاری شده به گونه‌ای که هر فردی که با تحقیق و موضوع

فوق آشنایی نداشته باشد بتواند اطلاعات مناسب را از نمودار در مورد تغییرات مراحل در چرخه زندگی قورباغه و نیز نحوه استفاده او از آب در طی زمان دریافت کند از دیگر اقدامات «جیمز» بود. «جیمز» در هنگام ارائه موضوع، نمودار خود را با فرد ثالثی که تکالیف مشابهی داشته است مورد بررسی و مقایسه قرار داده تا اطمینان یابد آیا موضوع را در حد لازم درک نموده است تا در صورتی که نمودار نیازمند بازبینی و تجدید نظر است تغییرات لازم انجام گیرد.

تکالیف و وظایف «تیا» بشرح زیر بود؛ از رایانه، چاپگر و منابع درسی و اطلاعات افراد بهره‌مند شده و در مورد لاک‌پشت‌های کویری و موش کانگورویی به بررسی و مطالعه پرداخته است. آنگاه به تدوین فرضیه مبنی بر اینکه چرا حیوانات صحرائی نیازمند آب هستند و چگونه از آب استفاده می‌کنند اقدام کرده است. فرضیه خود را با یکی از دانش‌آموزان و سپس با معلم و یا فرد بزرگسال دیگری که در تحلیل، توانایی کمک به او را داشته باشد مطرح نمود و فرضیه خود را در حد ضرورت اصلاح کرده و سپس فرضیه تجدید نظر شده را با توجه به یافته‌های جمع‌آوری شده در مورد دو حیوان صحرائی مورد آزمون قرار داده است. در صورت ضرورت مجدداً فرضیه خود را تجدید نظر کرده (و چنانچه نیاز به آزمون آن باشد به آن اقدام نموده است)، و فرآیند تفکر و افکار خود را همانگونه که دستخوش تغییرات شده‌اند ثبت و ضبط نموده به خلق تصویر و نموداری که نشان‌دهنده مشابتهای و تفاوت‌های نیازمندی به آب در حیوانات صحرائی و غیر صحرائی باشد و اینکه چگونه این موجودات از آب استفاده می‌کنند اقدام نموده است. او در تصویر و نمودار ارائه شده خود توضیحات لازم را همراه نمود به گونه‌ای که منعکس‌کننده فرضیه تدوین شده باشد. در نهایت به تناقضات احتمالی در مورد نیاز به آب در مکان‌های بدون آب پرداخته و از حل منطقی آنان در تدوین و ارائه تحقیق اطمینان پیدا کرده است.

علیرغم مشابتهای موجود، تکالیف «تیا» بنظر انتزاعی‌تر از تکالیف «جیمز» هستند به گونه‌ای که این تکالیف به ارزیابی چندگانه افکار در سطح نظریه‌ای و تدوین فرضیه پرداخته است. به عبارت دیگر تکالیف «تیا» در دامنه منابع قابل دسترس و ماهیت مسائلی که به آنها رجوع کرده بیشتر و پیچیده و دارای فشردگی می‌باشند. این تکالیف

گام‌های بیشتر یا جنبه‌های بیشتری را در سیر تحول به‌مراه دارد. احتمالاً این تکالیف نیازمند بینش‌های متعدد و گسترده‌تری است بویژه در ارتباط با ماهیت دوگانه و متناقض تلاش حیوانات صحرایی در جستجوی آب و سازگاری در چنین موقعیتی، این نیاز بیشتر محسوس بود. وظایف «تیا» همچنین با توجه به تصمیمات مربوط به منابع، بیشتر «باز» بود و مسائلی که «تیا» با آن سروکار داشت دارای «ابهام» بیشتری بودند و در مقایسه با تکالیف «جیمز» کمتر تعریف شده و مشخص بودند.

مهم این است که آیا «تیا» در کلاس ویژه فراگیران تیزهوش فعالیت می‌کند و یا در یک مجموعه نامتجانس به درس مشغول است، تکالیف «تیا» بطور آشکار نسبت به تکالیف «جیمز» پیشرفته‌تر بنظر می‌رسند. هر دو دانش‌آموز در محیط فعال به مطالعه می‌پرداختند، هر دو با محتوایی سروکار داشتند که مبتنی بر متن یا مفاهیم استوار بود و هر دو سطحی بالا از تفکر را بکار می‌گرفتند. آنچه تکالیف «تیا» را در مقایسه با تکالیف «جیمز» به عنوان فراگیر تیزهوش متناسب‌تر جلوه می‌دهد این است که در حیطه‌های علوم و ادبیات تحقیق و بالاخره ارائه نتایج و تحلیل و گزارش کار تکالیف «تیا» در مقایسه با تکالیف «جیمز» بیشتر «انتزاعی»، «فشرده»، «باز» و «چند جنبه‌ای» بوده است.

#### استنتاجاتی برای تمرین و تحقیق

نتایج بدست آمده نه تنها از شرایط محیطی یعنی اصول یادگیری، محتوای غنی، فرآیند، و یا محصول کار ناشی نمی‌شود بلکه کاربرد راهبردهای آموزشی بطور مجزا نیز (یا مجموعه‌ای از راهبردهای آموزشی) چنین نتیجه‌ای را بار نمی‌آورد. بنابراین با توجه به شرایط محیط یادگیری و یا راهبردهای آموزشی نمی‌توان برنامه‌داری مناسب فراگیران تیزهوش را تعریف و مشخص نمود. ترجیحاً می‌توان چنین اظهار داشت که عوامل و راهبردهای آموزشی می‌توانند در شدت بخشی به منزله عوامل و عناصر تلقی شوند که در تجارب یادگیری و آماده‌سازی پاسخ یک دانش‌آموز به منظور ایجاد علاقه در او و یا نیمرخ یادگیری بکار گرفته می‌شوند. معلمین دانش‌آموزان تیزهوش در بررسی فعالیت‌های آموزشی می‌توانند از دو شیوه



زیر بهره‌مند شوند :

۱) آزمون نمودن الگوی زوجهای پیوستاری (که به آن اشاره شد) به منظور ارزیابی آموزشی فراگیران پیشرفته، و؛  
۲) بکار بستن چنین الگویی به منظور هدایت اطلاعات و بررسی تاثیرات آن بر تحول و رشد استعدادها در فراگیران دارای توانمندی بالا با توجه به برنامه‌های آموزشی که بصورت الگوی نه‌گانه زوج‌های پیوستاری شرح داده شد. به عبارت دیگر جهت‌گیری برنامه‌های آموزشی در هر یک از جهات پیوستاری نه‌گانه می‌تواند برنامه آموزشی را مناسب فراگیران تیزهوش یا فراگیران بطور کلی ارائه سازد.

برخی استنتاجات برای ارزیابی عملی

معلمین و متصدیان برنامه‌داری و آموزش فراگیران تیزهوش اغلب در دفاع از فعالیت‌های عملی خود بر ویژگی‌هایی همچون «شرایط ویژه محیطی» (یادگیری فراتر از کلاس درسی، یادگیری فعال)، «اصول برنامه‌ریزی» (آموزش مبتنی بر مفاهیم و متون، بکارگیری تفکر در سطح بالا، نتایج واقعی)، «دیدگاه‌های آموزشی» (فشرده‌سازی و بهم مرتبط کردن، مطالعه مستقل، کاربرد هوش چندگانه) یا ترکیبی از سه اصل فوق تاکید می‌ورزند.

چنین تبیین‌هایی در مقابل بحث‌های ارائه شده توسط اصلاح‌گرایان آموزشی کافی بنظر نمی‌رسد. دانش موجود و کنونی ما در زمینه آموزش و یادگیری، بیشتر متخصصین در این امر را با این اعتقاد همراه می‌سازد که دانش‌آموزان باید از کاربرد این اصول و نتایج بهره‌مند گردند. این نتایج از مشاهدات مؤلف نشأت گرفته است و براساس چنین توصیفاتی به خود اجازه می‌دهد اصول برنامه‌ریزی درسی که فاقد زمینه‌سازی در بحث و درگیری فراگیران هستند و نیز تناسب زمان بطور منطقی در آن در نظر گرفته نشده است و دارای پیچ و خم‌های گمراه‌کننده‌ای است که در نهایت باعث تاخیر و توقف حرکت فراگیران در امر یادگیری می‌شود را، با وارد کردن یک شوک مورد بازبینی و تجدید نظر قرارداد و اصول برنامه‌ریزی مناسبی را تدوین نماید. این اقدام اصلاحی در اغلب موارد بدون همراهی هم‌کلاسی‌ها و یا حمایت

معلم از طریق یافته‌های منفصل صورت می‌گیرد. دیدگاه‌های هوش چندگانه را نیز نمی‌توان چیزی بیشتر از تجدید حیات نظریه‌های روش یادگیری تلقی نمود. دیدگاه‌های مزبور به جای اینکه یک توانمندی بالقوه و نبوغ را در مسیر رشد پیشرفته‌ای همراهی نمایند بر مزیت‌های حرکت به هنگام یادگیری تاکید دارند یا اینکه دیدگاه‌های هوش چندگانه به جای اینکه استعداد‌های بصری - فضایی را بطور نظام‌دار تغذیه نمایند به فرآیند تفکر به هنگام انجام پیش‌نویس‌های فعالیت و تکالیف یادگیری تاکید دارند.

کاربرد الگویی همانند الگوی ارائه‌شده در شکل یک می‌تواند یک معیار قابل دفاع را به منظور ارزیابی آموزش و برنامه ریزی درسی مناسب تیزهوشان فراهم آورد و بطور دقیق به توصیف عناصر و عوامل موثر در آن پردازد. تکالیف مناسب فراگیران پیشرفته، تکالیفی هستند که در سطحی مناسب از «قابلیت انتقال بودن»، «انتزاعی بودن»، «فشردگی»، «چند جنبه‌ای بودن»، «جهش‌های ذهنی»، «باز بودن» و «ابهام» برخوردار هستند. چنین ویژگی‌هایی موجب می‌شود فراگیران به آهستگی فراتر از منطقه آرامش گام بردارند و در سطح برانگیختگی مناسب جهت فعالیت‌های یادگیری قرار گیرند. گام زدن در مسیر فعالیت آموزشی و فرآیند یادگیری و توجه به استقلال مناسب بایستی با ماهیت و وظیفه محوله و همچنین ویژگی‌های فردی فراگیر سازگار باشد. با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین اظهار داشت که ویژگی‌های فوق به علت نیاز به توانمندی زیاد، مناسب فراگیران کمتر پیشرفته نیست.

#### برخی استنتاجات برای تحقیق

بکار بستن الگوی مشابه آنچه در این مقاله ارائه گردیده، می‌تواند خطوط هدایت کننده اطلاعات را با توجه به مزیت‌ها و کاستی‌های آموزش متجانس یا نامتجانس برای فراگیران تیزهوش فراهم آورد. بطور مثال دانش‌آموزان پایه هفتم (اول راهنمایی) که دارای توانمندی و آمادگی‌های پیشرفته یکسان و یا مختلف با یکدیگر هستند از چه روش‌هایی می‌توان آنها را در کلاس‌های متجانس و یا نامتجانس به نتایج مطلوب رساند متخصصین قادر هستند نتایج و محصولات بدست آمده در برنامه ریزی درسی آموزش تیزهوشان را با توجه به میزان «قابلیت انتقال»، «انتزاعی بودن»، «استقلال»،

«جهش‌های ذهنی» و غیره ارزیابی نمایند، و با هدایت دانش‌آموزان در سرتاسر فعالیت آموزشی و نیز با انجام مصاحبه‌های تنظیم شده می‌توان آنها را در دستیابی به نتایج و ارائه و گزارش تحقیق یاری نمود.

با توجه آموزش فراگیران پیشرفته در مجموعه‌های نامتجانس، الگوی ارائه شده می‌توان تبیین و سمت‌گیری را به منظور بررسی مسائل مهم فراهم آورد. بطور مثال کیفیت آموزش تجربه شده توسط فراگیران مختلف (که در برگیرنده تیزهوشان نیز می‌باشد) در کلاس‌های درسی با توانمندیهای مختلف از طریق شیوه‌هایی توسط معلمین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. معلمین از طریق این شیوه‌ها، به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دارای توانمندی مختلف در مجموعه‌های نامتجانس پی برده و به آنها پاسخ مناسب می‌دهند؛ به علاوه شیوه‌های مناسب فراگیران تیزهوش که با استفاده از ابتکارات در قالب پیشرفت مستمر، آموزش بین نظام‌ها، و ارزیابی‌های اعمال شده از طریق وزارت آموزش و پرورش و نیز توسط معلمین بکار گرفته می‌شود؛ و اینکه چگونه و از طریق چه شیوه‌هایی معلمین در مجموعه‌های نامتجانس می‌توانند، داده‌ها، مسائل و نتایج را در سطحی تخصصی و نیمرخ یادگیری مناسبی را برای دانش‌آموزان دارای توانمندی خوب که به طبقات اقتصادی و یا گروه‌های اقلیت در جامعه تعلق دارند انطباق دهند به گونه‌ای که در جهت رشد و بهره‌مندی این افراد در یادگیری قرار گیرد. و در نهایت اینکه از طریق چه شیوه‌هایی معلمین می‌توانند نتایج و پیامدهای موثر ناشی از طراحی‌های مفید آموزشی را با توجه به ویژگیهای افتراقی مجموعه‌های متجانس با گروه دانش‌آموزان سازمان دهی شده در یک کلاس خاص و ویژه مورد مقایسه قرار دهند.

### نتیجه‌گیری

بطور کلی هیچ اصلاح محیطی از جمله «اصول»، «محتوا»، «فرآیند» یا نتایج و یا «راهبردهای آموزشی خاص» برای فراگیران تیزهوش وجود ندارد. برنامه‌ریزی درسی و آموزشی برای فراگیران تیزهوش بطور اختصاصی و با توجه به ویژگیهای آموزش و یادگیری در سطحی از «قابلیت انتقال»، «انتزاعی»، «افشردگی»، «چند جنبه‌ای»، «جهش‌های

ذهنی»، «باز و بدون پایان بودن»، «مبهم بودن مسأله» و «استقلال» به گونه‌ای بایستی طراحی شوند که با ظرفیت یادگیری فراگیران پیشرفته مناسبت و انطباق داشته باشد. رشد و تبیین تجارب یادگیری فراگیران پیشرفته در این الگو و قالب، بهتر قابل دفاع می‌باشد و بعلاوه چنین الگویی بطور بالقوه می‌تواند تمرینات و فعالیت‌های آموزشی را هدایت نموده و اطلاعات مناسبی را جهت تحقیقات آموزشی مهیا سازد.

○ ○ ○

یادداشتهها:

- |                                 |                            |
|---------------------------------|----------------------------|
| 1- Present                      | 2- Recall                  |
| 3- Drill                        | 4- Practic                 |
| 5- Reward                       | 6- Punishment              |
| 7- Pedagogy                     | 8- Student-centered        |
| 9- Talents                      | 10- Content                |
| 11- Relevant                    | 12- Coherent               |
| 13- Powerful                    | 14- Transferable           |
| 15- Challenging                 | 16- Interesting            |
| 17- Accumulation                | 18- Isolated               |
| 19- Disjointed                  | 20- Critical thinking      |
| 21- Creative thinking           | 22- Product                |
| 23- Synectics                   | 24- Morphological analysis |
| 25- Brainstorm                  | 26- Debate                 |
| 27- Graphic organizers          | 28- Mind mapping           |
| 29- Subject matter acceleration | 30- Compacting             |
| 31- Learning profile            | 32- Arousal                |
| 33- Foundational                | 34- Transformational       |
| 35- Concrete                    | 36- Abstract               |
| 37- Simple                      | 38- Complex                |
| 39- Facet                       | 40- Leap                   |
| 41- Structured                  | 42- Open - ended tasks     |
| 43- Cleary defined              | 44- Fuzzy                  |
| 45- Canstraint                  | 46- Independence           |
| 47- Coding                      | 48- Tia                    |
| 49- James                       |                            |

○ ○ ○

منابع:

- Bruner, J. (1966).** *Toward a theory of instruction.* Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Callahan, C. (1996).** *A critical self-study of gifted education: Healthy practice, necessary evil, or sedition?* *Journal for the Education of the Gifted*, 19, 148-163
- Clark, D. (1991).** *My incomplete agenda for education.* In D. Burlison, (Ed.), *Reflections: Personal essays by 33 distinguished educators* (pp. 52-61). Bloomington, IN: Phi Delta Kappa Educational Foundation.
- Csikszentmihalyi, M., Rathunde, K. & Whalen, S. (1993).** *Talented teenagers: The roots of success and failure.* New York: Cambridge University Press.
- Kaplan, S. (1979).** *Inservice training manual for developing curriculum for the gifted/talented.* Ventura, CA: National/State Leadership Training Institute on the Gifted and Talented.
- Kulik, J. & Kulik, C. (1991).** *Ability grouping and gifted students.* In N. Colangelo & G. Davis (Eds.), *Handbook of gifted education* (pp. 178-196). Boston: Allyn & Bacon.
- Levin, H. (1990, November).** *Accelerating the progress of ALL students.* Paper presented at the Nelson A. Rockefeller Institute of Government Educational Policy Seminar, Albany, NY.
- Maker, C. J. (1982).** *Curriculum development for the gifted.* Austin, TX: PRO-ED.
- Maker, C. J., Nielson, A., & Rogers, J. (1994).** *Giftedness, diversity, and problem-solving.* *Teaching Exceptional Children*, 27(1), 4-19.
- Passow, H. (1982).** *Differentiated curricula for the gifted/talented: A point of view.* In *Curricula For The Gifted: Selected proceedings of the First National Conference On Curricula For The Gifted And Talented* (pp. 4-19). Ventura, CA: National/State Leadership Training Institute on the Gifted and Talented.
- Phenix, P. (1986).** *Realms of meaning: A philosophy of the curriculum for general education.* Ventura, CA: National/State Leadership Training Institute on the Gifted and Talented.
- Renzulli, J. (1988).** *The multiple menu model for developing differentiated curriculum for the gifted and talented.* *Gifted Child Quarterly*, 32, 298-309.
- Renzulli, J. (1994).** *Schools for Talent Development: A Practical Plan for Total School Improvement.* Mansfield Center, CT: Creative Learning Press.
- Shulman, J. (1987).** *Knowledge and teaching: Foundations of the new reform.* *Harvard Educational Review*, 19(2), 4-14.
- Sylwester, R. (1995).** *A celebration of neurons: An educator's guide to the human brain.* Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development.
- VanTassel-Baska, J. (1994).** *Comprehensive curriculum for the gifted.* Boston: Allyn & Bacon.
- Ward, V. (1980).** *Differential education for the gifted.* Ventura, CA: National/State Leadership Training Institute on the Gifted and Talented.

## در جمع از آب گذشته‌ها

محمد ناصرزاده

«پاسخ مثبت» گروه دانش‌آموختگان برق و کامپیوتر سمپاد» به درخواست مصاحبه ما بسیار لذت‌بخش بود. اینان سالهاست بی‌سروصدا عهده‌دار کارهای بزرگ و شایسته‌ای هستند که ثمرات آن حلاوت را به مذاق مردم عزیزمان بارها چشانده است. اگر دوران جنگ بود، بسیجیان بی‌مانندی می‌شدند. حضور «رضا صدیق» فارغ‌التحصیل دوره اول و الگوی نظم آهنگین و کارهایی که همیشه به پایان می‌رساند و مطالب بسیار مفیدی که می‌دانستم خواهد گفت - و گفت - به همراه جوانی از دوره‌های بعد - یعنی مهدی فولادگر - طراوت دیگری به مصاحبه داد با توجه به مصاحبه‌ای که در سالهای قبل با او داشتیم از گروه خواستیم فرد دیگری را معرفی کنند ولی نظم معروف «رضا صدیق‌ای» بود و ..... قرار شد نماینده دوم گروه حرفهای خوب گروه را هم بزند و این «مهدی» نه همان مهدی نوجوانی باشد که در هیاهوی المپیاد لب به سخن باز کرده بود.»

آقای «مهندس صدیق» قبل از هر سوالی چرا «رشته برق»؟ فقط محض شاگرد اولی و سطح

درس بالا یا علاقه‌ای هم بود؟

صدیق: بنام خدا، اولاً تا «دکتر علی رجائی» هست، عنوان شاگرد اولی برازنده اوست! ولی ماجرای علاقمندی، به برق جالب است. در سال اول راهنمایی آقای «فریپور» معلم فیزیک ما بودند و همگی فکر می‌کردیم برای فیزیک ساخته شده‌ایم. در سال دوم راهنمایی مواجه با تدریس ریاضی بسیار جذاب یکی دیگر از فارغ‌التحصیلان بودیم که سال ریاضی همگی بود! و

خدای را شکر می‌کردیم که راه درست را یافته‌ایم و دردام فیزیک نیفتاده‌ایم! در دبیرستان با کامپیوتر آشنا شدیم، گرایش بدان سو تا سالهای آخر دبیرستان ادامه یافت که علاقه و شناخت خاصی نسبت به رشته برق پیدا کردیم و الآن که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم انتخاب کاملی داشتیم. ۸ برق نسبت به کامپیوتر و کامپیوتر نسبت به ریاضی.

فولادگر: آقای صدیق، کامپیوتر را درست نشناختید، وگرنه حتماً می‌رفتید!!

صدیق: قصد جسارت نبود، همه رشته‌ها خوب هستند.

فولادگر: ولی من به اجبار رفتم! هرچند به ریاضیات خیلی علاقمند بودم ولی امان از المپیاد! مارا حسابی کامپیوتری کرد. الآن کاملاً به رشته‌ام علاقمندم و به یک حقیقت روشن هم رسیده‌ام.

می‌توانی حقیقت را برای خوانندگان خوب ما هم بگوئی؟

فولادگر: بله، آنچه در المپیاد کامپیوتر به ما گفتند ربطی به مهندسی کامپیوتر نداشت و احتمالاً در سایر المپیادها نیز چنین است و نکته مهم دیگر اینکه هیچکس را ندیدم در رشته تحصیلی‌اش موفق باشد و از ادامه آن رشته پشیمان شده باشد.

البته این دو تا حقیقت شد ولی هر دو جای تأمل برای بچه‌های سمپاد دارد. مخصوصاً تلقی آنها از «کامپیوتر»، «شیمی» و «فیزیک» در دوره دبیرستان و المپیاد با آنچه در این علوم می‌گذرد بسیار متفاوت است. کاش می‌شد سؤال و جواب بالا را چندبار پشت سرهم چاپ می‌کردیم تا همگان خوب متوجه آن شوند، بگذریم. همیشه برای من این سوال پیش آمده که چرا باید همه بچه‌های خوب به «برق» و «کامپیوتر» علاقمند شوند، مگر مقرر گردیده یا قانون است؟ نظر شما چیست؟

صدیق: در حقیقت بی‌خود همه به برق و کامپیوتر علاقمندند! سیاست انتخاب رشته تحصیلی هنوز یادگار دوران استعمار است. مگر چقدر صنایع برق و کامپیوتر و سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها است که هر ساله بهترین استعدادهایمان داخل این رشته‌ها می‌شوند؟ نتیجه اینکه با انبوه بچه‌ها پس از فارغ‌التحصیلان مواجه می‌شویم که کار زیاد واقعی ندارند و جذب کارهای حاشیه‌ای می‌شوند. از طرفی مگر ما در سایر زمینه‌ها، امکان پرورش استعداد را نداریم و یا این رشته‌ها کاستی و افت نسبت به برق دارند که از نظر دانش‌آموزان خوب سمپاد پنهان مانده است؟ بچه‌های ما باید بدانند، وقتی، استعدادهایمان در زمینه‌های مختلف توزیع نشود خلاصه نیروی مستعد در بعضی زمینه‌ها محسوس می‌شود. نتیجه‌اش، آنورآبی‌ها از هر دو طرف

بهره می‌برند و نیروهای خوب را جذب می‌کنند و هم اینکه خلاء سایر رشته‌ها را با حضور منحوس خود پر می‌کنند. پس همه چیز، همه رشته‌های خوب تحصیلی، همه آینده خوب و ممتاز و همه موفقیتها و پیشرفت‌ها در رفتن به برق و کامپیوتر خلاصه نمی‌شود. این را صادقانه بچه‌ها از من قبول کنند.

فولادگر: بچه‌های دانشکده برق و کامپیوتر را انباشتی از دانشجویان خیلی خوب و خوب می‌دانند و این خود عاملی برای انتخاب این دو رشته است ولی پس از یکی دو سال دانشجویی، اگر دقیق بررسی کنیم کاملاً روشن می‌گردد دانشجویان ممتاز و قدر فلان رشته مهندسی، خیلی از متوسط دانشجویان برق بالاتر هستند در حالیکه حتی در کنکور ورودی متوسط برقی‌ها بالاتر از آنها بوده‌اند. عواملی مثل محیط دانشگاهی، پویایی دانشجویی و اعتماد به نفس باعث رشد بچه‌ها در رشته‌های دیگر می‌شود. لذا انرژی زیاد گذاشتن برای ورود به برق و کامپیوتر در سالهای آخر دبیرستان و بعد تبدیل به یک دانشجوی متوسط شدن - باز دست دادن موقعیت یک دانشجوی ممتاز در رشته‌های دیگر - بدترین فاجعه‌ای است که هیاهوی رشته‌های برق برای بچه‌های سمپاد به بار می‌آورد.

دهها مثال می‌توانم برای این تذکر شما بیاورم. خیلی متشکرم که با شجاعت کافی این مهم را به بچه‌های خوب ما تذکر دادید. تدریس کامپیوتر در دوره راهنمایی بصورت ساماندهی شده و منظم بانام شما آقای «صدیق» گره خورده است. شاید برای خوانندگان خوب، جالب باشد بدانند شما از دوران دانش آموزی خود در کلاسهای متعددی تدریس کامپیوتر داشتید و طرح تدریس مرکز «علامه حلی» از زحمات شما در این سالها است. سوال اساسی من اینست، آموزش کامپیوتر از کی و کجا؟ راهنمایی یا دبیرستان؟ برنامه نویسی یا چیز دیگر؟ خود آموز مقدور است یا فقط با دبیر و تشکیلات نتیجه می‌دهد؟

صدیق: تردیدی نیست، در سمپاد، آموزش کامپیوتر از دوره راهنمایی باید آغاز شود. اگر مدارس برنامه دارند چه بهتر، اگر نه خود بچه‌ها دست بالا بزنند. کامپیوتر، ریاضیات نیست که بگوئیم یک کتاب بردارید و بخوانید و یا شیوه آموزش قبل از دانشگاهیش تدوین شده باشد. فولادگر: آیا به نظر شما شیوه آموزش دانشگاهیش تدوین شده است!؟

صدیق: بگذاریم. با کمبود امکانات کار شما بچه‌های خوب و خونگرم سمپاد کمی سخت می‌شود اما مطلقاً به این معنی نیست که نمی‌توان کاری کرد. کما اینکه کار آموزش کامپیوتر در مرکز علامه حلی تهران بدون کامپیوتر آغاز شد!! یک تجربه خوب و علمی آنکه در مرکز، این



وسيله نبود ولی من به اتفاق یکی از دوستان - آقای مهندس سرکاراتی - برنامه می نوشتیم بعد از آنکه بصورت دستی چندبار درستی آنرا آزمایش می کردیم یعنی با خودمان آنرا اجرا می کردیم! به یکی از شرکتهای آشنا مراجعه و آنرا دوباره با کامپیوتر تست می کردیم، می بینید! راه اصلاً بسته نیست. امروز با یک ۲۸۶ ساده هم می توان کارهای بسیاری انجام داد. بچهها وقتشان را با دستگاه صرف جنگولک بازی نکنند، کار شده است فقط الگوریتم سازی، الگوریتم سازی و الگوریتم سازی!

یک تفکر غلط در برخی مدیران ما در دوره راهنمایی به چشم می خورد که باید تصحیح شود. مثالی می زنم، قلم را در نظر بگیرید، بچه از موقع به راه افتادن قلم را می بیند، چه استفاده ای می کند؟ روی کاغذ و دیوار را خط خطی می کند! اما ما بدین دلیل تمام قلمها را از جلوی بچهها جمع نمی کنیم و نمی گوئیم تا مدرسه نرفتی حق نداری دست به قلم بزنی؟! خوب این خیلی بد است. این ماجرائی است که مورد کامپیوتر هم پیش می آید موقعیکه وارد دانشگاه می شوند تازه می شنوند این رایانه است! در حالیکه با «هست بودن» کامپیوتر در مدارس، این مطلب مرتفع می گردد.

فولادگر: الآن وضعیت کامپیوتر در جامعه ما مثل مداد است، ولی فرهنگ رشد نیافته کامپیوتر باعث شده مداد فراوان به بچهها داده شده ولی کاغذ در دسترس نیست! خلاصه همه به دیوار کشی و مداد خوری! و مداد شکنی افتاده اند و آشنائی کاذب بوجود آمده که مهمترین جلوه آن game است! در مورد اصل سوال، نرسید راهنمایی یا دبیرستان باید پرسید دبستان یا راهنمایی. تاخیر در آموزش باعث عقب افتادگی است. یعنی کسانی سراغ کامپیوتر می آیند که اولاً در رشته های مهندسی هستند - آشنائی سایر رشته ها با کامپیوتر فوق العاده کم است - و بعد هم عمده آشنائی در دانشگاه پیش می آید - که انصافاً خیلی دیر است - و جبران سخت تر می شود. خوب باید بهتر بسنجیم، به بچه های راهنمایی خیلی خیلی توصیه می کنم فرصت را غنیمت دانسته علیرغم نبود سیاستهای آموزشی خاص که بهرحال ضربه زنده و باعث کندی است به خودآموزی کامپیوتر پردازند. می دانید همه اش همین جمله است کسی منتظر آموزش نباشد، زنده باد خودآموزی!

خوب، به نظرم مناسب است اینک در مورد یکی از مجله های مبارک و حرکت های خیلی ارزشمند فارغ التحصیلان سمپاد در یعنی «گروه دانش آموختگان برق و کامپیوتر سمپاد» صحبت کنیم.

صدیق: از تاریخچه شروع کنیم یا اهداف؟

قاطی باشد بهتر است!

صدیق: بسیار خوب، همه قصه از اینجا شروع می‌شود که ما بچه‌های سمپاد بین سبک درس خواندنمان در دبیرستان و دانشگاه گسستگی خاصی را حس می‌کنیم. شما بچه‌های دانش‌آموز عجله نکنید، زود می‌آئید دانشگاه اینرامی فهمید. در جریان یک نمایشگاه «دانشگاهی - دانش‌آموزی» که بچه‌های دانش‌آموز سمپاد در آن غرفه داشتند و حضور بسیار موثر و فعالی از خود نشان دادند یکی از مسئولین دانشگاهی با غبطه به آنها می‌گفت شما بچه‌ها از یک دانشگاه کوچک به یک مدرسه بزرگ خواهید رفت!

همین‌جا باید قدردانی از مسئولین سمپاد داشته باشم که با همت خود چنین مجموعه‌ای را گرد آورده‌اند، خلاصه دغدغه خاطر این مسئله کار دست همگیان می‌داد. فارغ‌التحصیلان سمپاد خصایص جالبی دارند، عده‌ای حوصله می‌کنند تا به استادی برسند و بعد شروع کنند مثل آنچه «مهدی عسگری» در مصاحبه‌اش گفته بود، عده‌ای هم خوره کار دارند و صبرشان زود لبریز می‌شود، تشکیل گروه در واقع مفتری بود برای این سرریز و حل مشکل تا آقایان به بالا بالاها برسند و خودشان را به قافله برسانند. لااقل تا آن موقع هم مشکل بچه‌ها تخفیف یابد، هم دست رفقای جوانترمان را بتوانیم بگیریم.

فولادگر: گسستگی راست است. مهمترین عاملش هم دانشگاه نبودن برخی دانشگاههاست، که به تمام جنبه‌های دانشگاه بودن نمی‌پردازند و آموزش تنها جنبه آنها شده است. هر چند این جنبه مهمترین بخش فعالیت دانشگاه می‌باشد ولی بدون جنبه‌های دیگر دانشگاهی این جنبه هم هویت درستی ندارد. این جنبه‌ها تحقیقات و پژوهشهای دانشجویی هستند.

صدیق: امام علی (ع) علم را به دو قسمت تقسیم فرموده‌اند: «علم مطبوع» و «علم مسموع» و می‌فرمایند «علم مسموع» مفید واقع نمی‌شود مگر اینکه «مطبوع» واقع شود. این حدیث در آداب تربیت مورد اشاره استاد شهید مطهری هم بوده است. علم باید به سرشت آدمی دریابد، همه ما تجربه علمی را که از خودمان بجوشد و جزو سرشتمان شده باشد را در برخی دروس دبیرستانی و مطالب علمی ساده داشته‌ایم. لذا آن چیزی نافع می‌شود که درونی شود. سعی مان اینست که درسهای دانشگاهی که به ذات خوب و قشنگ هستند و شاید در سبک خواندن آن مشکل وجود داشته باشد به جای مسموع شدن تبدیل به مطبوع بگردد. با افتتاح «پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد»، این صحبت‌های دوستانه به نوعی محلی برای جلوه کردن پیدا

نمود. جانی تأسیس گردید که تعلق به دانشگاهی خاص نداشت و بچه‌ها می‌توانستند آزادانه در آن به ایده‌آل‌های خود نظری داشته باشند، با گوشه چشمی به موفقیت بچه‌های «عصب‌شناسی» که پیشقدم در کارهای تحقیقات دانشجویی سمپاد بودند در خرداد ماه ۷۶ گروه کار خود را آغاز نمود. وظیفه می‌بینم از برخی تشکیل‌دهندگان گروه که جایشان در این مصاحبه خالی است، دو دانشجوی خیلی خوب مقطع دکترای برق و کامپیوتر آقایان «ساجدی» و «رزازی» و دیگر برادر ارجمندمان آقای «جوانمردی» و «گنجعلی» هم اینجا یاد کنیم که ادامه این حرکت با بودن این نیروهای قوی و کیفی جلوه یافته است.

#### گروه چه فعالیت‌هایی را انجام داده، انجام می‌دهد، انجام خواهد داد؟

صدیق: شروع فعالیت گروه با برگزاری سمینارهای دو هفته‌گی در محل پژوهشگاه شهید بهشتی بود این سمینارها با استقبال خوب و دور از انتظار دوستان مواجه شد و تاکنون ادامه داشته است. از مهرماه جاری دو زیرگروه زیر نظر هسته اصلی گروه شروع به فعالیت نمود؛ زیرگروه «مجله» و زیرگروه «بنیان»، زیرگروه مجله وظیفه انتشار ضمیمه برق و کامپیوتر مجله استعداد‌های درخشان را برعهده دارد. هدف هم این است که دوستانی که به هر دلیلی مثلاً شهرستانی بودن، شاغل بودن یا ... توانایی حضور در جلسات سمینارها را ندارند بتوانند از این طریق فعالیت کنند. زیرگروه «بنیان» هم که مسئولیت آن برعهده آقای فولادگر است و چون خودشان حضور دارند توضیح می‌دهند.

فولادگر: این زیرگروه با هدف برقراری هر چه بیشتر ارتباط دانشجویان سال اولی با گروه ایجاد گردید به هر حال آنها هنوز با برنامه‌های دانشگاهی آشنایی نداشته و نیازمند برنامه‌های خاصی می‌باشند. از برنامه‌هایی که زیرگروه «بنیان» برگزار می‌کند مجموعه سخنرانی‌های کوچک است ویژگی این مجموعه سخنرانی‌ها آن است که باید نیازمند هیچ‌گونه پیش‌نیاز دانشگاهی نباشد. به این ترتیب خیلی اوقات درصد خوبی از این سخنرانی‌ها حتی برای دبیرستانی‌ها هم قابل استفاده می‌باشد. نکته جالب برای خود ما این بود که استقبالی که از مجموعه سخنرانی‌های کوچک به عمل آمد بسیار قابل توجه بوده و حتی دانشجویان سال‌های بالاتر نیز برای شنیدن آنها می‌آیند. سخنرانی‌های کوچک شاید محیط مناسبی برای سخنرانی دوستان جوان تر باشد تا بعد با اتکاء به آن بتوانند در مجموعه سخنرانی‌های اصلی گروه نیز پیشنهاد سخنرانی بدهند. فعالیت دیگری که هرچند از ناحیه زیرگروه بنیان نبوده است اما در

راستای اهداف تعریف شده آن بوده برگزاری «همایش ۷۷» می‌باشد این برنامه یک اردوی ۷۵/۰ روزه بود که برای دانشجویان برق و کامپیوتر ورودی ۷۷ دانشگاه‌های تهران در محل پژوهشگاه شهید بهشتی در مهرماه امسال برگزار شد.

### و فعالیت‌های آتی؟!

صدیق: البته پیشنهادهایی هست که تا قطعی نشده بهتر است مطرح نشود اما، ذکر یک مورد خیلی اساسی و هم خالی از لطف نیست. یکی از اهداف راه‌اندازی «پژوهشگاه شهید بهشتی»، اجرای پروژه بوده است و گروه برق و کامپیوتر هم به عنوان یکی از زیرگروه‌های پژوهشگاه این را به عنوان یکی از برنامه‌های خود در نظر دارد. به هر حال امیدواریم در آینده با رفع مشکلات موجود در این راه امکان اجرای پروژه‌ها نیز فراهم شود. چرا که تا در پژوهشگاه پروژه اجرا نشود پژوهشگاه حسابی نمی‌شود.

طیف مخاطبین شما چه کسانی هستند و چگونه می‌توانند با گروه ارتباط برقرار کنند؟

صدیق: همه کسانی که دانشجوی برق و کامپیوتر هستند یا نیستند ولی برق و کامپیوتر را دوست دارند مخاطب این برنامه هستند البته طبعاً کار یک کار دانشجویی است، اما خلاصه هر کسی تشریف بیاورد قدمش روی چشم.

فولادگر: به بیان دوستان کامپیوتری ما، گروه یک سیستم عامل است که هر کس می‌تواند برنامه خود را تحت آن بنویسد و البته برنامه‌های کاربردی خوبی هم تحت آن وجود دارد مثل نشست‌ها، سخنرانی‌های کوچک و ضمیمه مجله که می‌توان از آنها استفاده کرد. خلاصه اینکه این گروه متعلق به همه بچه‌های سمپاد می‌باشد و در واقع مثل همه کارهای دیگر سمپاد به حضور و کمک آنها زنده است. اما برای شروع می‌توان با حضور در سخنرانی‌ها یا سخنرانی‌های کوچک شروع کرد که پنج‌شنبه‌ها برگزار می‌شود و زمانبندی آن طی اطلاعیه‌هایی در دانشگاه‌های تهران و نیز ضمیمه برق و کامپیوتر سمپاد اعلام می‌شود.

صدیق: همچنین دوستان شهرستانی (و البته تهرانی) می‌توانند از طریق نامه نیز با ما تماس بگیرند و با هم صحبت کنیم و با نظراتشان گروه را راهنمایی کنند، آدرس هم که صندوق پستی مجله استعداد‌های درخشان است و فقط پشت پاکت ذکر کنند «گروه برق و کامپیوتر سمپاد».

آیا مشابه این حرکت در قالب انجمن‌های علمی و گروه‌های آموزشی در دبیرستانها قابل پی‌گیری و

اجراست؟

فولادگر: قابل اجراست ولی با حضور فارغ‌التحصیلان.

مشابه آنچه در کارسوقهای ریاضیات اصفهان انجام می‌پذیرد؟

فولادگر: هر چند همکاری محدودی با مدارس سمپاد داشته‌ام ولی نمونه خیلی خوبی را مثال زدید، با رعایت این نکته مهم که دانشجویان باید به خودشان بطور اساسی از لحاظ علمی برسند! و این خیلی مهم است.

بچه‌های سمپاد به زمینه‌های مهندسی در دوره دبیرستان علاقه نشان می‌دهند، آیا بجز زمینه‌های علوم پایه پرداختن به رشته‌های مهندسی در دبیرستان کار درستی است؟

صدیق: واقعیت این است مقوله برق مطلبی دانشگاهی است. اما تجربه نشان داده است که خیلی از مطالب برق، الکترونیک و مخبرات قابل مطرح شدن بصورت خوبی در دبیرستان است. محسنات عمده آن در داشتن مهندسی است که «علم مطبوع» خواهند داشت، عیب قضیه هم مسائلی مانند کنکور و ... است، باکم شدن ظرفیت‌های دانشگاهی ورود به رشته‌های برق کمی سخت شده و حیف است کسی در دبیرستان کلی برق بخواند ولی موفق به راهیابی به این رشته نشود.

فولادگر: در دبیرستانها نباید تخصصی به مهندسیها نگاه کرد. عناوینی مثل برق، مکانیک و ... کمتر باید مطرح گردد. دنبال راهکارهای دیگری باید گشت. مثلاً تقویت انگیزه‌های تحقیقاتی و کاری.

صدیق: ولی بدون موضوع، سخت و غیر عملی است. راهکار بدون هدف به نتیجه نمی‌رسد.

فولادگر: تجربه دانش‌آموزی در هر موضوعی برای رشته‌ای که پذیرفته خواهد شد مفید است. مهم در آمیختن و ممارست و تجربه کردن علوم است که برای دانش‌آموز نتیجه‌بخش است.

صدیق: کارهای دبیرستانی که به دوران دانشجویی هم می‌رسد و ادامه می‌یابد واقعاً می‌گیرد! مثالی بزنم، تقریباً تنها مطلب دسترس دانشگاهی در دوره دبیرستان آموزش کامپیوتر است. آن کسی که در دبیرستان کامپیوتر می‌داند در دانشگاه تأثیر فوق‌العاده آنرا خواهد دید.

فولادگر: کامپیوتر به خاطر فراگیری‌اش بسیار مؤثر است و سایر رشته‌های مهندسی این

خاصیت را ندارند.

صدیق: خطر در اینجاست که همه فقط سراغ یک رشته در دبیرستان بروند و با آن مانوس شوند، بچه‌ها باید زمینه‌های مختلف را تجربه کنند همه را به موازات هم ولی تجربه اینکار از دبیرستان شروع شود.

فولادگر: اگر من بگویم تجربه ریاضی خواندنم برایم مانده ولی از ریاضیاتی که خواندم در دوره دانشگاه بهره‌ای نبردم، واقعیت است. به نظرم موضوعات علمی در جهش از دبیرستان به دانشگاه بشدت تغییر می‌یابد و پیوستگی موضوعی نداریم.

بحث مفیدی بود، نظر «حوزه فوق برنامه» هم آشنائی با زمینه‌های مختلف مهندسی در دبیرستان است، این آشنائی انصافاً مهندسی بسیار علاقمند در زمینه کاری پرورش می‌دهد، سؤالی خاص از آقای فولادگر دارم، از ما در مورد المپیاد بسیار می‌پرسند کمی راهنمایی معقول بفرمائید.

فولادگر: جا دارد اول صحبت یک تشکر گرم و خالصانه از طرف خودم و همگی بچه‌های المپیاد از مقام معظم رهبری و در حله بعد از آقای دکتر اژه‌ای بواسطه عنایت خاص معظم‌له و پیگیری و دقت نظر راهگشای آقای دکتر تقدیم نمایم. البته چند سالی است از المپیاد دور هستم ولی توصیه مهم من اشاره به این موضوع است که بچه‌ها! مدیران! علاوه بر کار کردن برای المپیاد اهداف واقعی المپیادها یادتان باشد. زنده کردن روح علمی در دبیرستانها نباید با یکدسته دیگر کلاسهای کنکور برای ورود به المپیاد جایگزین شود.

آقای صدیق، سؤال خاصی برای بچه‌های دبیرستانی دارم، چه طرحهایی مناسب بیشتری برای ارائه به «جشنواره خوارزمی» دارد؟ با توجه به مجموعه طرحهای سخت افزاری و نرم افزاری بچه‌های سمپاد. صدیق: بدیهی است، طرحهای مناسب‌تر قابلیت ارائه بهتری دارند! بچه‌ها به مهمترین مزیت «جشنواره خوارزمی» حتی نسبت به المپیاد - هر چند موقعیت جشنواره نازلتر از المپیادها است - یعنی به نقش بیشتر خلاقیت نسبت به محفوظات توجه کنند. علیرغم بی‌مهری موضعی برخی داورهای جشنواره نسبت به پروژه‌های خلاق در مجموعه فضا برای ارائه طرحهای خلاق در جشنواره بسیار فراهم است. خاصیت «خلاق بودن» ویژگی پروژه‌های سمپاد است که حفظ آن نسل به نسل واجب و ضروری است.

بیش از چهار هزار دانش آموز سمپاد امسال درگیر انتخاب رشته هستند، انتخاب رشته بر چه اساسی باید صورت پذیرد و زمان تصمیم‌گیری در مورد آن کی می‌باشد؟

صدیق: اولین توصیه معمولی که به همه می‌شود علاقه است که در واقع چیز بی‌ربطی است. علاقه، یک امر ذاتی نیست بلکه با ممارست و دمخور بودن؛ قابل زیاد و کم شدن، بوجود آمدن و از بین رفتن است، حیف است بچه‌ها خام این حرفها شوند. در تاریخ مرکز علامه حلی تهران - که شاید پرافتخارترین مدرسه ایران اسلامی باشد - چه در بین هم دوره‌ای‌ها و چه شاگردهایم، خوب بودن یک دبیر و یا رفتن او باعث کم و زیاد شدن علاقه بچه‌ها می‌شد! لذا این جمله که بروید دنبال علاقه اول‌مان، کمی بی‌ربط است. خلاصه شاید استعداد شما ذاتی باشد ولی ربطی به علاقه ندارد. علاقه ذاتی نسبت و در اثر برخورد بوجود می‌آید. برای برخی بچه‌ها هم دید مقطعی به نیازهای کشور و بازارهای کاری مطرح در هنگام انتخاب رشته مشکل‌زاست. باید دانست بسیاری از این هیجان‌ات، مقطعی و زودگذر است. نیاز کشور باید توسط استعدادهای ما برطرف شود ولی شاید نیازمندترین جا پرفائده‌ترین جا برای عرضه استعداد ما نباشد. از طرفی رونق چند روزه برخی رشته‌ها قابل تعمیم به یک‌دوره طولانی نیست بچه‌ها بی‌خود غفلت نکنند!

در مورد شناخت رشته‌های دانشگاهی هم یک اهمال‌کلی وجود دارد. دانش‌آموزان سمپاد از همان سالهای اولیه دبیرستان بقول معروف رشته‌های مختلف را نوک بزیند! و از هر چیزی سر در آورید.

خلاصه کلام، فریب علاقه اولیه و کاذب را نخورید، به استعدادهای خود خوب نگاه کنید حسابی رشته‌ها را نوک بزیند و برای رشته بالاتر دانشگاهی خود را به هلاکت نیندازید. زمان مناسب شناخت رشته‌ها مثل مخروط است. قاعده مخروط در سالهای اولیه دبیرستان و رأس آن در پیش‌دانشگاهی است.

فولادگر: چه صحبت‌های خوبی، من احتمالاً باید برگردم گذشته و براساس صحبت‌های آقای صدیق دوباره انتخاب رشته کنم!!

چند معیار دیگر را هم برای بچه‌ها مفید می‌دانم که اضافه می‌کنم؛ در بهترین رشته‌ها هم بعضی دانشگاه‌ها قابل تحمل نیستند. چه دوری محیط و شرائط زندگی در شهرستان یا تهران، چه محیط و کیفیت دانشگاه. معیار بعدی سطح قرار گرفتن دانشجو است. با یک کوشش فوق‌العاده در سال آخر و راهیابی به رشته‌ای خاص و بعد هم عدم ادامه آن تلاش و کوشش و تبدیل شدن به یک دانشجوی متوسط و حتی ضعیف بسیار نامطلوب است. انتخاب رشته باید

براساس متوسط دوران دبیرستان برای هر فرد صورت پذیرد نه حالت فوق تلاش سال آخر. به نظرم در نظر گرفتن همه این مسائل نتیجه مطلوبی را به بار خواهد آورد. و کلام آخر، پس از تشکر و قدردانی از حضور در این مصاحبه؛

صدیق: خوب از این حرفها کمتر بلدیم، نکته‌ای است هر چند مرتبط با حرفهای بالا نیست ولی خودم بسیار آنرا حس کرده‌ام، یا کاری را شروع نکنید یا کامل و خوب انجامش دهید. باید این فرهنگ ما شود. عادت کار نصفه را رها کنیم.

فولادگر: در دنیا کنار استعداد نه، بلکه بسیار بالاتر از آن تلاش و کوشش و پشتکار معنی می‌دهد. این مطلب حالی همه ما سمپادیها بشود.

صدیق: حرف درستی است، اینرا بنویسید تا همگان بدانند، در دوره اول ورودیهای استعدادهای درخشان از «دکتر علی رجائی» مستعدتر خیلی‌ها بودند، خیلی‌ها بودند، ولی ....



## پرسشهای شما

فعالیت ندارد.

○ چرا ضوابط تربیتی و پرورشی در تهران و شهرستانها یکسان نیست؟ ما باید حتماً به تهران بیاییم تا از بعضی سختی‌ها رها باشیم؟

● دستورات دینی در شرع مقدس، تهران و شهرستان ندارد. امام(ره) و مقام معظم رهبری هم بر این امر تأکید داشته‌اند. متنها «سمپاد» در هر شهر تابع تصمیمات پرورشی آموزش و پرورش همان شهر است تا عامل تشتت در تصمیم‌گیریها معرفی نگردد.

○ سازمان به حرفهای دانش آموزان بیش از ما اهمیت می‌دهد و ما دبیران را آدم حساب نمی‌کند.

○ چرا به حرفهای ما دانش آموزان گوش

○ من دانش‌آموزی از مدارس سازمان

نیستم، چه شرایطی برای مشترک شدن مجله لازم است؟

● هیچ شرطی لازم نیست. فقط چون برای غیر از دانش‌آموزان و دانشجویان مجله پنجاه درصد گرانتر است دانش‌آموزان و دانشجویان باید همراه با مبلغ واریز شده کپی کارت تحصیلی یا گواهی اشتغال به تحصیل را ضمیمه قبض مبلغ واریز شده بنمایند و البته آدرس خود را هم خیلی دقیق و خوانا بنویسند.

○ بنده کتابی را در سطح پایه پنجم ابتدایی

با نام «بانک سئوالات هوش» نوشته‌ام آیا نشر سمپاد این کتاب را چاپ می‌کند؟

● متأسفانه نشر سمپاد در این حوزه

نمی دهید، مگر ما داخل آدم نیستیم؟

● دو اعتراض با یک نحوه نگرش و پاسخ ما: ما آنچه را که منطقی، عملی و متناسب با امکانات خود بیابیم از سوی هر کسی طرح شود، پذیرائیم. تردیدی نیست اگر فرصت توضیح و بیان تصمیمات خود را برای همکاران و دانش آموزان داشته باشیم، بخش عمده‌ای از اینگونه تفسیرها این چنین یکسویه نخواهد بود.

○ ما دانش آموزان سمپاد چقدر خوشحال می شویم که در این مجله بسیار خوب «طنز» نیز چاپ شود؛ نه طنزی، نه کاریکاتوری، نه شعر جالبی، همش حرفهای گنده گنده و تیزهوشانه!

● قبول داریم طنز و کاریکاتور لازم است ولی با این تنوع سلیقه‌ها، بگذارید مجله همین راه را طی کند، «گل آقا» را هم که داریم.

○ با افراد موفق سازمان چگونه می توانیم مکاتبه نماییم؟

● نامه‌هایتان را به نشانی «معاون تربیتی» سازمان ارسال نمایید، از این طریق نامه‌ها را ارسال خواهیم کرد.

○ در مجله قسمت زیادی به المپیادها و مدال‌آوران داده شده ولی در مورد کنکور مطلبی ندارد. بهتر است قسمتی از مجله به بررسی نحوه ورود به دانشگاهها و رشته‌های

دانشگاهی و مصاحبه با نفرات اول کنکور و آخرین تصمیمات سازمان سنجش اختصاص یابد.

● در مورد المپیادها ما جز اطلاعات کلی و گزارش نتایج مطلب دیگری نداریم، در ارتباط با تصمیمات «سازمان سنجش» هم اطلاعات ما در همان حد است که در مطبوعات منعکس می‌گردد لذا مطلب اضافی نداریم، اما در مورد رشته‌های تحصیلی، در همین شماره دیدگاه دو تن از فارغ‌التحصیلان را از زاویه‌ای که می‌پسندیم مطرح نموده‌ایم.

○ چرا فقط دانش آموزان تهرانی حق استفاده از تحقیقات ارسالی «پژوهشگران جوان» را دارند در شماره ۲۵ مجله چنین مطلبی آمده است.

● ما نوشته‌ایم در صورت ساماندهی پژوهشها در جنب کتابخانه مرکزی سازمان، افراد عضو می‌توانند از آنها استفاده کنند.

○ نظر من اینست که به احتمال قوی در انتخاب استعدادهای درخشان دقت کافی نشده است، دلیل اینهم عدم راهیابی دانش آموزان با استعدادهای بالا در مرکز ما می‌باشد.

● کسی که توان لازم را نداشته باشد، امکان ادامه تحصیل در مرکز سمپاد را ندارد، اما افراد با توان در مواردی تنبل هستند، در

دیگر نیست.

○ اگر برایتان مقدور است کمی برخی از مقالات «پژوهشگران جوان» را برای من ارسال کنید.

● متأسفانه این امر برایمان مقدور نیست.

○ برای بچه‌هایی که در انتخاب رشته مردد هستند یک راهنمایی کنید تا بتوانند تصمیم بگیرند در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دهند؟

● قبل از هر چیز علاقه خود دانش آموز باید مورد عنایت قرار گیرد. اگر دانش آموز تحت تأثیر «جو»، «درآمدزا بودن» رشته تحصیلی و یا «هدایت غیرمنطقی» والدین رشته‌ای را انتخاب کند قطعاً ضایعات جبران‌ناپذیری در مسیر راه بر او وارد خواهد شد. علاوه بر این دانش آموزان باید «توانمندی» ادامه تحصیل در آن رشته تا بالاترین سطح را در نظر بگیرند تا بتوانند «پژوهشگری» با فکر مستقل در آن حوزه علمی گردند در غیر اینصورت صرفاً یک پایان تحصیل و آموزش خواهند داشت و به دریای بیکران «مدرک یافتگان» و رهاشدگان از تحصیل متصل خواهند شد.

○ در یک گفتگو با اولیا، رئیس سازمان مطرح نمودند که: دانش آموزان مراکز «سمپاد» تافته جدا بافته نیستند، آیا هنوز هم این مقدار

مواردی هم پیشرفت تحصیلی افراد خارج از سمپاد ملاک داوری قرار می‌گیرد. تازه ما مدعی نیستیم آنکه گزینش نشده ناتوان است و هر که گزینش شده همتا ندارد.

○ برای ورود به راهنمایی بهتر است شرط معدل را از ۱۹ به ۱۸/۵ کاهش دهید. جهت ورود به دبیرستان هم از ۱۸/۵ به ۱۸ یا ۱۷؛ این امر خداپسندانه تر است.

● ما با همین معدل هم پاسخگوی ۱۷۰ هزار داوطلب ورود به راهنمایی نیستیم. مگر برای گزینش حداکثر ۵۰۰۰ نفر چه تعداد دانش آموز را باید به میدان بکشانیم؟ از طرفی براساس بررسیهای به عمل آمده، شانس قبولی در اطراف معدل‌های ۱۹/۲۰ به بالا دور می‌زند در مورد دبیرستان این امر پیچیده تر است، چون ما فقط جهت تکمیل ظرفیت و جایگزینی، دانش آموز انتخاب می‌نماییم.

○ چرادر مرکز به رشته علوم تجربی توجهی نمی‌شود در آزمون ورودی به دبیرستان حتی یک سؤال زیست‌شناسی داده نشده بود؟

● محور حرکت علمی سازمان توجه به رشته «ریاضی - فیزیک» است قبلاً هم دبیرستانهای پسرانه سمپاد فقط این رشته را داشت ولی این امر مانع از توجه به رشته‌های

### مورد عنایت هستند؟

● قطعاً، مراکز سمپاد، مراکزی است که در صورت داشتن حداقل امکانات در «آسان‌سازی» روند آموزش و پرورش کمک می‌کند، محدودیتها، ما را در بعضی از شهرها قادر به جذب دیگر دانش‌آموزان مستعد نمی‌کند. لذا چگونه باید به اعتقاد برسیم که دانش‌آموزان مراکز «سمپاد» تافته جدا بافته هستند بخصوص اگر در این مسیر بجای «مناعت طبع» و «فروتی» چهره کثیف «غرور»، «تکبر» و «خودخواهی» و انحصارطلبی را ببینیم.

○ اگر مدارس استعدادهای درخشان جای برتری دارد، چرا در کنکور سال ۷۷ عده‌ای رد شدند و به دانشگاه راه نیافتند؟ اگر قرار است از این مدارس هم عده‌ای «رد» بشوند دیگر به کجا امیدوار باشیم؟

● از سال ۶۹-۶۸ که فارغ‌التحصیل داشته‌ایم (با ۸۴/۰۸ درصد قبولی در

دانشگاهها) در سال جاری بالاترین رقم را که ۸۸/۹۸ درصد قبولی باشد در طول ۹ سال داشته‌ایم. اما نکته مهم اینکه قبولی در کنکور بستگی به عوامل متعدد دارد که یکی از آنها حضور در یک مرکز آموزشی مناسب است. لذا اگر به عوامل دیگر از جمله آنها «تلاش منسجم» و «پیگیری» دانش‌آموز، «انتخاب رشته متناسب با توان»، در نظر داشتن «شرایط عاطفی - محیطی» در «خانواده» و «مدرسه» و ... عنایتی نشود، مسأله همانگونه جمع‌بندی می‌شود که شما جمع‌بندی نموده‌اید. این در حالی است که هفت سال قبل وقتی فرزندان به مرکز مورد نظر آمد با همین درصدهای ذکر شده دو سال بود که نتایج کنکور مرکز مشخص شده بود و در سالهای بعد هم با یکی دو درصد کم و زیاد شدن این روند ادامه داشت. البته با احتساب قبولی سالهای بعد بالای ۹۴ درصد دانش‌آموختگان سمپاد دانشجو شده‌اند.

## پرنده‌ای که خانه را دوست داشت

یک گزارش کوتاه و یک نامه

چند ماه اخیر، شاهد یکی دیگر از موقع سنجیهای الهی و تصمیم‌گیریهای بی‌مانند مقام معظم رهبری بودیم. رهبر فرزانه‌ای که با بلند نظری شگرف خویش اساس مجموعه استعدادهای درخشان را پی افکند و اکنون یکی از معضلات مهم و سدهای راه این عزیزان را به دست با برکت خویش رفع نمود. سپاس تمامی دست‌اندرکاران آموزش سمپاد را به این وجود عزیز تقدیم می‌نمائیم. جای بسی افتخار است که سمپاد با همت و پی‌گیری سرپرست خویش، جناب آقای دکتر اژه‌ای در این فرآیند نیز نقش قابل توجه و مهمی را به خود اختصاص داده و بی شک تا سالیان طولانی این تلاش و همت جاودانه خواهد ماند. علیرغم رسم «فصلنامه سمپاد» در چاپ نامه‌ها در جای خود، این بار این گزارش به همراه نامه ضمیمه یکجا عرضه می‌گردد. «جمعی از فارغ‌التحصیلان سمپاد»

در تاریخ ۷۷/۵/۶ طی بخشنامه‌ای از سوی ستاد فرماندهی کل قوا اعلام شد افرادی که در المپیادهای علمی جهانی موفق به کسب رتبه‌های اول، دوم یا سوم شده‌اند، با عنایت مقام معظم رهبری، از خدمت نظام وظیفه معاف هستند. این موضوع برای المپیادی‌ها شادی‌آفرین بود، چرا که بسیاری از اینها برای شرکت در کنفرانس‌ها، دوره‌های علمی و شرکت در امتحانات بین‌المللی نیازمند خروج از کشور بودند و از طرفی ضوابط سخت و دشوار برای خروج از کشور باعث می‌شد تا غالب نیروی این عزیزان به جای اینکه صرف مطالعات مربوط و تقویت بنیه علمی لازم شود، درگیر راست و ریس کردن گرفتاری‌ها، مکاتبات و پی‌گیری‌های اداری شود، به گونه‌ای که تجربه‌ی قدیمی‌ترها در روش‌های بهینه‌گذار از این خوان‌ها و هزار توها

همیشه به حلاوت گنجینه‌ای سینه به سینه منتقل می‌شد. نسخه‌های متفاوت از راهنمایی‌ها جمع‌آوری می‌شد تا با مطابقت آنها با آئین‌نامه‌ها و مقررات، گزیر راهی پیدا شود، فلذا دانشجویی که قرار بود در یک کنفرانس علمی-تخصصی شرکت کند، بیش از زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی خروج از کشور تخصص پیدا می‌کرد و در مواردی از این طریق بهره می‌جست و گاهی ادامه تحصیل را با تاوانی سنگین - که سنگین‌ترین آن عدم امکان حضور تابستانها در ایران بود - می‌پرداخت. بنابراین نباید تعجب نمود که در روز اعلام این خبر تا پاسی از نیمه شب تلفن المپیدای‌ها اشغال بود و آنها به انتقال خبر و ارائه تفسیر از آن مشغول بودند. منتها آنچه در ابتدا مشخص شد آن بود که تا تهیه آئین‌نامه اجرایی همه باید منتظر بمانند. موارد پیشنهادی طی نامه مورخ ۷۷/۶/۲۱ به شماره ۱۴۰/۱۴۲۳۷ (نامه شماره ۱) از سوی وزیر محترم آموزش و پرورش به ستاد کل نیروهای مسلح اعلام شد که در تاریخ ۷۷/۷/۶ (نامه شماره ۲) از سوی معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح پاسخ ارسال می‌گردد. همانگونه که در نامه ملاحظه می‌شود با اضافه‌شدن بند ۳ مکتوب ارسالی از سوی سرتیپ خوشنویسان «کسانی که مشغول تحصیل هستند واجد شرایط اعزام نیستند، فلذا پس از پایان تحصیلات می‌توانند جهت دریافت کارت معافیت مراجعه نمایند» وضعیت افراد دانشجویان بن بست روبرو می‌شود در این پاسخ همچنین آمده است: «باتوجه به موارد مطروحه، خواسته‌های آن وزارت عملاً در دستورالعمل ابلاغی پیش‌بینی شده است». از سوی دیگر جهت تعیین افراد اول، دوم و سوم در هیأت امنای باشگاه دانش‌پژوهان جوان در جلسه ۷۷/۷/۲۷ موضوع مطرح و تصویب می‌شود که باشگاه دارندگان مدال‌های طلا و نقره و برنز المپیدای جهانی را به اداره نظام وظیفه جهت دریافت معافیت دائم معرفی کند. این مسأله طی نامه مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱ وزیر محترم آموزش و پرورش به ستاد کل نیروهای مسلح ارسال می‌گردد (نامه شماره ۳). نتیجه این نامه را المپیدای‌ها با ناراحتی و نگرانی به یکدیگر اطلاع دادند: «فقط مشمولین، واجد شرایط معرفی خواهند بود». این خبر بدین معنی بود که در زمان دانشجویی و تا موقع فارغ‌التحصیلی، امکان استفاده از «هدیه رهبر عزیزمان» وجود نداشت و اگر دانشجویی می‌خواست به خارج از کشور برود باز همان آتش بود و همان کاسه. مسئولان ذیربط هم توضیحی در این مورد نمی‌دادند، همه علی‌الخصوص گروهی که برای خروج از کشور و شرکت در چند امتحان برنامه‌ریزی کرده بودند، سردرگم شدند تا این که بالاخره جمعی از المپیدایها تصمیم می‌گیرند مشکل خود را با ریاست سازمان در میان بگذارند. مسأله به اطلاع دفتر ایشان می‌رسد، با پیگیری سرپرست سازمان و گفتگو با سرلشکر فیروزآبادی و ارسال

کپی مکاتبات، بند ۳ نامه مورخ ۷۷/۷/۶ اصلاح می‌گردد (نامه شماره ۴). عصر چهارشنبه همان هفته کپی نامه مورخ ۱۳۷۷/۸/۵ ستاد کل نیروهای مسلح در تابلوی پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد به چشم می‌خورد که در آن تأکید شده است: «کلیه کسانی که در تاریخ ۷۷/۴/۳۱ مشمول قانون نظام وظیفه شناخته شده یا شوند می‌توانند از تسهیلات فوق برخوردار شوند». علی‌القاعده دیگر مشکلی وجود نباید داشته باشد اما باشگاه هنوز از معرفی افراد خودداری می‌کند تا این که در آغاز هفته بعد باشگاه اعلام می‌کند که در اساس ماجرا شک دارد و طی نامه‌ای توضیح خواسته و تا پاسخ نامه نیاید باشگاه هیچ معرفی‌نامه‌ای صادر نخواهد کرد. این خبر در روزی اعلام می‌شود که تعدادی از المپیادی‌ها قرار گذاشته‌اند تا حضوری مراتب تشکر خود را به اطلاع آقای دکتر اژه‌ای برسانند، منتهی به جای تشکر مراتب مشکلات! خود را به اطلاع ایشان می‌رسانند.

شماره: ۱۴۰/۱۴۲۳۷

تاریخ: ۷۷/۶/۲۱

برادر گرامی سرلشگر بسیجی دکتر فیروزآبادی  
رئیس محترم ستاد کل نیروهای مسلح

با تقدیم سلام و تحیت

به دنبال انعکاس خبر تصویب اعطای امتیازات ویژه به مشمولانی که در مسابقات علمی جهانی مقام کسب می‌کنند که توسط معاونت محترم فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح از طریق رسانه‌های گروهی اعلام گردید نقطه‌نظر این وزارت که توسط کمیته‌های تخصصی و همچنین شورای باشگاه دانش‌پژوهان جوان و افراد ذینفع در جلسات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است ارسال می‌گردد.

متمنی است به منظور ایجاد تسهیلات برای این عزیزان و همچنین تشویق و ترغیب بیش از پیش جوانان مستعد کشور در جهت ارتقاء سطح علمی مراکز پژوهشی کشور موافقت و دستور فرمایید موارد ذیل در آیین‌نامه اجرایی مصوبه مزبور گنجانده شود:

۱- این مصوبه شامل تمام کسانی که در سالهای گذشته عضو تیم المپیاد بوده و در مسابقات علمی جهانی موفق به کسب مدال شده‌اند و تاکنون به سربازی نرفته‌اند و یا در حال انجام خدمت سربازی هستند، می‌شود.

۲- دریافت‌کنندگان مدالهای طلا، نقره و برنز از المپیادهای علمی جهانی که مشمول بند ۴ مصوبه مذکور، می‌باشند، توسط باشگاه دانش‌پژوهان جوان (سازمان مجری المپیادهای علمی در کشور) معرفی می‌شوند.

۳- این معافیت منوط به عدم استفاده از معافیت‌های دیگر (نظیر معافیت تحصیلی و معافیت موقت کفالت) نیست.

حسین مظفر

وزیر آموزش و پرورش و

رئیس هیأت امنای باشگاه دانش‌پژوهان جوان

( نامه شماره ۱ )

از: ستاد کل ن.م - معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح فرماندهی کل قوا

به: وزیر محترم آموزش و پرورش

شماره: ۱۳۳/۱۴/۲۰۱۴/م/۴ن

تاریخ: ۱۳۷۷/۷/۶

موضوع: مقررات اعطاء امتیازات ویژه به ایثارگران و مشمولان دارای شرایط خاص

جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.

«امام راحل (ره)»

سلام علیکم

بازگشت بشماره ۱۴۰/۱۴۲۳۷ مورخ ۷۷/۶/۲۱

پیرو بشماره ۷۷/۶/۳ مورخ ۷۷/۶/۳ مورخ ۴/م/۲۰۱/۱۴/۹۹

۱- احتراماً بموجب تبصره ۲ ماده ۵ دستورالعمل ابلاغی به شماره پیروی بالا، احراز مقامهای اول یا دوم یا سوم در مسابقات علمی جهانی قبل از سن مشمولیت یا در سن مشمولیت جهت برخورداری از معافیت بلامانع است فلذا کلیه کسانی که در سالهای گذشته موفق به کسب مقامهای فوق شده‌اند و یا در آینده موفق شوند در شمول مصوبه قرار می‌گیرند.

۲- طبق تبصره یک ماده مورد اشاره معرفی افراد واجد شرایط به وزارت آموزش و پرورش محول شده است فلذا با توجه به اینکه باشگاه دانش پژوهان جوان وابسته به وزارت آموزش و پرورش می‌باشد فلذا معرفی افراد واجد شرایط توسط آن باشگاه بلامانع است.

۳- مقررات فوق از تاریخ ۷۷/۴/۳۱ لازم‌الاجرا است فلذا کلیه کسانی که از تاریخ مذکور واجد شرایط اعزام بخدمت باشند می‌توانند از تسهیلات فوق برخوردار شوند. ولی کسانی که مشغول تحصیل هستند واجد شرایط اعزام نیستند فلذا پس از تا پایان تحصیلات می‌توانند جهت دریافت کارت معافیت مراجعه نمایند.

باتوجه به موارد مطروحه خواسته‌های آن وزارت عملاً در دستورالعمل ابلاغی پیش بینی شده است خواهشمند است دستور فرمائید باشگاه مورد اشاره افراد واجد شرایط را مطابق فرمی که با هماهنگی اداره کل وظیفه عمومی ناجا تهیه میگردد جهت دریافت کارت معافیت به اداره مذکور معرفی نمایند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: سرلشکر بسیجی دکتر سید حسین فیروزآبادی

از طرف: سرتیپ محمد باقر خوشنویسان

معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح



برادر گرامی سردار بسیجی آقای دکتر فیروزآبادی

شماره: ۱۰۴/۱۸۳۸۱

رئیس محترم ستاد کل نیروهای مسلح

تاریخ: ۱۳۷۷/۸/۱۱

سلام علیکم

همانگونه که استحضار دارید طبق تبصره ۱ ماده ۵ دستورالعمل اجرایی مقررات اعطای امتیازات ویژه به خانواده ایتارگران و مشمولان دارای شرایط خاص (به شماره ۱۴/۹۹/۲۰۱/م/۴ مورخ ۳/۶/۷۷) معرفی اعضای واجد شرایط تیم‌های اعزامی به مسابقات علمی جهانی جهت بهره‌مند شدن از معافیت انجام خدمت دوره ضرورت توسط وزارت آموزش و پرورش انجام می‌گیرد.

ضمناً در ماده ۵ دستورالعمل فوق به مشمولانی که در مسابقات علمی جهانی به یکی از مقام‌های اول، دوم یا سوم نایل گردند، اشاره شده است.

شایان توجه است اعطای مدال‌های المپیادهای بین‌المللی برخلاف مسابقات ورزشی به این صورت است که پس از برگزاری مسابقه و رده‌بندی امتیازات شرکت‌کنندگان، با توجه به مقررات خاص هر المپیاد، کلیه کسانی که امتیاز آنان از مرز مشخصی بیشتر است مدال طلا و جایزه اول، نفرات بعد تا یک امتیاز مشخص مدال نقره و جایزه دوم و نفرات بعد از آنها تا مرز مشخص دیگری مدال برنز و جایزه سوم دریافت می‌کنند. از این رو تعداد کسانی که در المپیادهای علمی به مدال طلا، نقره و یا برنز دست یابند بیش از یک نفر است و در یک سال ممکن است چند نفر از اعضای تیم به مدال طلا، نقره و یا برنز دست یابند، لذا در جلسه مورخ ۲۷/۷/۷۷ هیئت امنای باشگاه دانش‌پژوهان جوان، موضوع نحوه معرفی اعضای تیم‌های المپیادهای علمی جهت برخورداری از معافیت مورد اشاره، مورد بررسی همه جانبه قرار گرفت. مصوبه هیئت امنای باشگاه در این خصوص به شرح زیر است:

«اعضای تیم‌های المپیادهای علمی کشور که به ترتیب به مدال طلا، نقره و برنز مسابقات جهانی این المپیادها دست می‌یابند به عنوان احرازکنندگان مقام‌های اول، دوم و سوم این المپیادها به نظام وظیفه معرفی گردند تا از مزایای بند ۵ دستورالعمل شماره ۱۴/۹۹/۲۰۱/م/۴ مورخ ۳/۶/۷۷ بهره‌مند شوند»

این مصوبه مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش است و باشگاه دانش‌پژوهان جوان براساس این مصوبه افراد واجد شرایط را معرفی خواهد کرد. لذا متمنی است دستور فرمائید نظر آن ستاد محترم را درباره مصوبه هیئت امنای باشگاه دانش‌پژوهان جوان به این وزارت اعلام نمایند.

حسین مظفر

وزیر آموزش و پرورش و

رئیس هیأت امنای باشگاه دانش‌پژوهان جوان

شماره: ۴/م/۲۰۱/۱۴/۱۴۰

تاریخ: ۱۳۷۷/۸/۵

از: ستاد کل نیروهای مسلح - معاونت نیروی انسانی

به: وزیر محترم آموزش و پرورش

موضوع: اصلاحیه

سلام علیکم

پیرو بشماره ۷۷/۷/۶ مورخ ۲۰۱/۱۴/۱۲۲/م/۴/ن مورخ ۷۷/۷/۶

احتراماً بدینوسیله بند ۳ پیروی بالا بشرح ذیل اصلاح میگردد:

«۳ - مقررات فوق از تاریخ ۷۷/۴/۳۱ لازم‌الاجرا است فلذا کلیه کسانی که در تاریخ مذکور مشمول قانون نظام وظیفه شناخته شده یا شوند می‌توانند از تسهیلات فوق برخوردار شوند».

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح - سرلشکر بسیجی دکتر سید حسین فیروزآبادی

از طرف معاون نیروی انسانی - سرتیپ محمد باقر خوشنویسان

گیرنده:

- معاونت محترم وظیفه عمومی ناجا در مورد این گروه از مشمولان داشتن معافیت موقت (تحصیلی، کفالت و ...) مانع دریافت کارت معافیت از خدمت نمی‌گردد.

رونوشت:

۱ - مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان جهت استحضار.

۲ - ریاست محترم دفتر رس ک ن م جهت استحضار مقام ایشان.

(نامه شماره ۴)

ساعتی نگذشته است که پاسخ نامه باشگاه که مرکب امضای آن هنوز خشک نشده است از طریق ریاست سازمان در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد و همان شب نامه به صورت تلفنی برای رئیس باشگاه خوانده می‌شود تا اگر هنوز محلی برای شک و شبهه باقی مانده حل و فصل شود. باشگاه - براساس ضوابط - اعلام می‌نماید باید از طریق مافوق خود یعنی وزارتخانه این نامه را دریافت کند که حرف صحیحی بود.

به هر حال ماجرا خاتمه می‌یابد، و در تاریخ ۷۷/۸/۲۳ نیز در پاسخ به مصوبه هیئت

امناء باشگاه طی نامه‌ای مدال طلا، نقره و برنز بعنوان اول، دوم و سوم تلقی می‌گردد (نامه شماره ۵) نامه‌ای را هم جمعی از المپیادها ارسال کرده‌اند که در نهایت این گزارش می‌خوانید. تلاش و پیگیری‌های ریاست سازمان باعث شد تا آئین نامه‌ای که نزدیک بود فاقد هر گونه فایده و امتیاز خاصی شود، با تغییر به عمل آمده راه حضور دانشجویان المپیادی را در مجامع بین‌المللی هموار کرد تا این عزیزان بدون دغدغه‌های سنگین و غیر لازم گام در راه پیشرفت علمی خود و آبادانی ایران اسلامی بردارند. ان شاء الله

شماره: ۱۴/۱۴/۱۶۷/۲۰/م/۴/ن

از: ستاد کل نیروهای مسلح - معاونت نیروی انسانی

تاریخ: ۱۳۷۷/۸/۲۳

به: وزیر محترم آموزش و پرورش

موضوع: مقررات اعطاء امتیازات ویژه به ایثارگران و مشمولان دارای شرایط خاص

سلام علیکم

بازگشت به شماره ۱۴۰/۱۸۳۸۱ مورخ ۷۷/۸/۱۱

احتراماً با عنایت به اینکه برابر مصوبات، کلیه مشمولانیکه در مسابقات علمی جهانی به مقامهای اول، دوم یا سوم نایل گردیده‌اند از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌باشند، فلذا مشمولانیکه در المپیادهای علمی جهانی به مدال طلا، نقره و برنز دست می‌یابند به ترتیب به عنوان احراز کنندگان مقامهای اول، دوم، سوم تلقی و از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌باشند.

در نتیجه اجرای مصوبه جلسه ۷۷/۷/۲۷ هیئت امنای باشگاه دانش پژوهان جوان در خصوص معرفی افراد واجد شرایط به نظام وظیفه بلامانع می‌باشد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح - سرلشکر بسیجی دکتر سید حسین فیروزآبادی

گیرنده

- تیمسار ریاست محترم وظیفه عمومی ناجا جهت آگهی و اقدام لازم.

به نام خدا

جناب آقای دکتر اژه‌ای

ریاست توانای سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

با سلام و آرزوی توفیق روزافزون

دیگر بار به عادت گذشته، مشکل خود را با شما در میان گذاشتیم و دیگر بار و به رسم معمول از کوچکترین تلاشی برای حل آن دریغ نفرمودید. اول بار که قرار شد تنها مشمولان (فارغ‌التحصیلان) بتوانند از عنایت مقام معظم رهبری در اعطای معافیت از خدمت دوره ضرورت نظام استفاده نمایند، نمی‌دانیم چرا همه به یک راه اندیشیدند: «به دکتر اژه‌ای می‌گوئیم» نه لفافه‌ای برای کلام لازم است و نه مقدمه‌ای، نه مؤخره‌ای. همیشه آسان‌ترین راه این بوده است. حتی غیر سمپادی‌ها هم این راه را به خوبی از بر هستند. مدت زمانی نیست که رجایی و رستگار بازگشته‌اند. دکتر رستگار سمپادی نبود. همه می‌دانند که چگونه با تلاش و مساعدت شما رفتند و چگونه با اشتیاق با کسب عالیترین مدارج علمی به ایران عزیز بازگشتند. دیگران هم که باز گردند هر یک حکایتی جدا را بازخوانی می‌کنند. به دفتر شما که آمدیم به جمله‌ای قناعت کردیم. توضیح بیشتری هم ندادیم. این یکی هم به عادت گذشته که می‌دانستیم از ما برای ما دل نگران‌تر خواهید بود. زمانی که پیچیده‌ترین محاسبات برای به دست آوردن ضریب منفعت شخصی و گروهی و عمیق‌ترین تحلیل‌های منطقی در بررسی روابط (برخلاف ضوابط) در انجام جزئی‌ترین وظایف در محافل ذریبط باب روز است، آنچه را شما کردید، هرگز فراموش نخواهیم کرد. لذا از جنابعالی به عنوان نماینده مقام معظم رهبری درخواست می‌کنیم که صمیمانه‌ترین تشکرات ما را به خاطر بذل عنایت و حسن تدبیر به استحضار مبارک‌شان برسانید و بگوئید که قدر این توجه را خواهیم دانست و استوارتر از قبل برای عزت و آبادانی ایران عزیز تلاش خواهیم کرد. بی‌گمان زمانی اگر احساس خستگی کنیم، راه رفته را به یاد می‌آوریم، دست‌هایی که یاری‌مان کردند و راهمان بردند.

جناب آقای دکتر اژه‌ای، تشکر و سپاس ما نیز چون درخواست‌مان بی‌آرایه و بی‌پیرایه است. همیشه سپاسگزار محبت‌های شما هستیم.

جمعی از المیادیه‌ها

## ..... شکرستانم آرزوست

گزارش مرحله مقدماتی هشتمین دوره مسابقات سراسری  
«حفظ»، «قرائت» و «مفاهیم» قرآن کریم  
«یادواره شهدای سمپاد»

محمد ناصرزاده



**بچه‌ها! فقط شما می‌توانید این گزارش را بخوانید.**

کمتر و شاید هم اصلاً پیش نیاید که در یک فصلنامه تخصصی و آموزشی مسائل پشت پرده اداری مطرح گردد. هر چند معمولاً ناگفته‌ها جذاب‌تر و شنیدنی‌تر از گفته‌ها است! گزارش مسابقات مرحله مقدماتی و آنچه در پی اجرای طرح مسابقات امسال در ستاد تهران واقع گردید بیش از همه برای خود بچه‌های قرآنی سمپاد شنیدنی و مثمر‌تر است. بیان دقت و نکته‌سنجی و حساسیت کاری فوق‌العاده از افرادی که مشغله‌های متعدد آنها کمتر مجال برای رسیدن به این امور می‌دهد ولی عشق و علاقه مفرط آنان به احیاء فرهنگ قرآنی و ارزش خاصی که برای کار مسابقات قرآن کریم قائلند آنان را وامی‌دارد که با حرارت و پی‌گیری تمام وارد این امور شوند. این گزارش را می‌نویسیم تا پرده درخشانی از این اعتقاد را به بچه‌ها منتقل سازیم. اگر کسی غیر از بچه‌ها یا فارغ‌التحصیلان این گزارش را بخواند نفرینش می‌کنیم که کارش به ریاست سازمان و معاون تربیتی‌اش دکتر آشتیانی بخورد و به صعوبت و سختی نظم کاری حوزه ریاست سمپاد گرفتار شود!

## تا شهریور

بخشنامه مسابقات قرآن کریم دوره هشتم تقریباً در اواخر مردادماه تایپ شده و آماده بود. متن اولیه آن در اوایل شهریور به استحضار آقای دکتر اژه‌ای ریاست سازمان رسید. تفکر قدیمی حوزه تربیتی در بخشنامه تا حدود زیادی دچار تحول گردیده بود. مناطق میزبان به شانزده مورد افزایش و مسابقات، «دبیرستانی - راهنمایی» شده بود.

اما هنوز دو نکته مهم دست نخورده باقیمانده بود. یکی اصرار بر حفظ تفسیر موضوعی قرآن کریم از حضرت آیت الله جوادی آملی برای مسابقات مفاهیم دوره دبیرستان که تقریباً همگان اتفاق دارند بسیار پیچیده و سخت می‌باشد و کمتر دانش آموز سی ساله تحصیلکرده‌ای هم! پیدا می‌شود که این مطالب را درک کند. این نکته بعلاوه کمیاب بودن فوق‌العاده کتاب باعث شد که حتی قدیمی‌ترین و صبورترین و ارزشی‌ترین مدیر سمپاد (که خود روزگاری تولید معاونت تربیتی را برعهده داشت) یعنی استاد ارجمندمان حاج محمد آقا اژه‌ای رئیس دبیرستان شهید اژه‌ای اصفهان هم از این انتخاب لب به شکوه و گلایه باز کند! تو خود حدیث مفصل بخوان از این انتخاب !!

نکته دیگر اعتقاد به فاصله کم میان ارسال بخشنامه و مسابقات بود. مفاد «حفظ و قرائت» در مسابقات قرآن کریم در واقع فاقد هرگونه نوآوری یا تغییری می‌باشد و در مورد مفاهیم هم - بین خودمان باشد - بچه‌های مراکز کار را به روزهای آخر واگذار می‌کنند و طولانی شدن این فاصله هم به کاری نمی‌آید ولی خوب این یک روی سکه است روی دیگر سکه اینست که اگر فرصت کافی باشد مراکز متن را تکثیر می‌کنند، همه را دعوت به کلاسهای مناسب می‌نمایند و خلاصه مسابقات بهتر برگزار می‌شود.

## شورا

مجموعه فارغ‌التحصیلانی که عهده‌دار برگزاری «مسابقات فارغ‌التحصیلی» بودند در قالب شورایی، مسئولیت مسابقات قرآن کریم را پذیرا شدند. قصد تنظیم تقویم اجرایی مسابقات برای جلوگیری از تاخیرها و بدقولیهای بعدی بود. سرپرست محترم سازمان موکداً خواستار شدند فرهنگ ارسال با «پست پیشتاز» از برنامه اجرایی حذف گردد تا تنظیم کارها روال بهتر و معقولتری بیابد. شورا مصمم شد برای بهبود آزمون مفاهیم ساماندهی آزمونها را خود بر عهده گرفته و برنامه ریزی دقیقی برای اجرای آن ارائه نماید. جلسات اولیه با خوبی و خوشی سپری شد! و شورا توانست سر و شکلی به فعالیت های خود دهد.

## بحران

در واقع نمی‌توان اسم این مرحله را «بحران» گذاشت هر چند در واقع بحرانی و حاد به نظر

می‌رسید، بدقولی بچه‌های طراح در ارائه به موقع سوالات مفاهیم کاسه صبر آقای دکتر را لبریز ساخت و ایشان ضمن گله‌مندی و ترک جلسه طرح سوالات (باورتان بشود، ایشان در این جلسات پایه پای بچه‌های فارغ‌التحصیل می‌نشینند و حوصله می‌کنند) نامه تندی به آقای دکتر آشتیانی، معاون خوب و توانای تربیتی سمپاد نوشتند که بسیار اثرگذار شد.

### ورود آقای آشتیانی

دکتر آشتیانی، فارغ‌التحصیل قدیمی و مرد میدانهای سخت سمپاد، هم برای بهبود اوضاع! وارد جریانات شد. برای اولین بار واکنش تند و قهر سرپرست سازمان متوجه نیروهای فارغ‌التحصیل حوزه تربیتی و فوق برنامه شد و دلیل آن دهن به دهن میان بچه‌های حوزه می‌چرخید و زود بود که ماجرا به تمامی یازده هزار فارغ‌التحصیل سمپاد (هی بچه‌ها! باورتان می‌شود ما بیش از یازده هزار فارغ‌التحصیل داریم!) منتقل شود، دلیلش در یک کلمه بود: «بی‌نظمی».

احمد آقا (همان آقای دکتر آشتیانی هستند) در صدد تلطیف اوضاع برآمدند. تقویم کاری به روز شد و کارها نظم و سیاق تازه‌ای یافت شورا با جدیت و حوصله فراوان - و دلتنگ از محیط قهرآلود - طرح سوالات و انتخاب آنرا براساس معیارها و ضوابطی که خود از قبل بدان پرداخته بود طراحی نمود، غلط‌گیری و اجرای نمونه سوالات بخوبی انجام پذیرفت و با فرصت کافی نمونه‌ها به مراکز ارسال گردید. در واقع امسال سوالات در زمانی به دست مدیران مدارس رسید که در سالهای قبل در چنین موقعی تازه طرح سوالات آغاز می‌شد!

### خواهران

شاید ورود خواهران به شورا این همه دردسر را آفرید ولی منظم، خوب و زحمتکش بودند و به دیگران نیز نظم دادند. همگی از بچه‌های مفاهیم دوره‌های قبل، صاحب عنوان و رتبه که علاوه بر مشارکت فعال در طرح سوالات، در عملیات تصحیح مفاهیم و اعلام نتایج هم کمک بودند. تقریباً تمام مطالب بروی تقویم اجرایی پیش رفت و یکی از دلایل آنهم شاید وقت‌شناسی اینها بود. (قابل توجه مراکز «فرزانگان» در سراسر کشور).

### برادران

تقریباً بدبخت شدند. مجبور بودند صبح زود بیایند، بعدازظهرها زود کار را شروع کنند، مرتب و جمع و جور و سروقت کار کنند. یعنی تقریباً تمام بلاهای دنیا که فقط بخاطر اجرای خوب مسابقات قرآن کریم، آدم حسابی حوصله‌اش را می‌کند، بر سر اینها آمد!!

### بچه‌ها

سوالات، اسامی برگزیدگان و پاسخ‌نامه‌ها به موقع بدستشان رسید. بی‌نظمی و شیرتوشیری

- لااقل نسبت به سالهای قبل - بسیار بسیار کم تر بود. نظام یکپارچه‌ای هم برای پی‌گیری وجود داشت.

### مراکز آموزشی

مراکز هم بدون آنکه دغدغه یافتن «مدیریت خیلی محترم فوق‌برنامه!» را داشته باشند توانستند اطلاعات مربوط به مسابقات قرآن کریم را از بچه‌های خوب دفتر معاونت تربیتی بدست آورند. سیستم، تا حدود بسیاری پاسخگوی مراکز بود. وجود مرحله تکمیلی چراغ پرفروغ مسابقات قرآن کریم را در بسیاری مراکز آموزشی تا مدتی پرتراوت نگه داشت.

### مفاهیم

بیش از پنج هزار پاسخ نامه بدست ما رسید که باتوجه به حذف طبیعی پایه سوم دبیرستان بعثت درگیری با امتحانات دیپلم و عدم حضور پیشدانشگاهی‌ها یعنی عدم حضور دو هفتم دانش‌آموزان مراکز برایمان بسیار ارزشمند و قابل توجه بود. بچه‌های اول راهنمایی هم نگران نباشند، برای آنها هم فکری کرده‌ایم که به موقع اعلام خواهیم کرد. برای دبیرستان چاره‌جویی در حد ارائه یک جزوه تشریح و توضیح است تا بتواند مشکل گشای پیچیدگی متن مسابقات باشد. در مجموع باتوجه به متن و پیچیدگی آن و امتیاز نفرات اول و ممتاز، تعداد آنها قابل توجه و چشمگیر بود. دست همه درد نکند.

### حفظ و قرائت

طرح «دبیرستانی - راهنمایی» بودن میزبانی مسابقات منطقه‌ای بدون شک ادامه خواهد یافت. فقط مانده چگونه دو شهر بودن آن برای مدارس مشکل آفرینی کمتری داشته باشد. این سؤال را باید در طی مسابقات نهایی با مدیران در میان بگذاریم. سطح مسابقات «حفظ ویژه» هم رشد خیلی خوبی داشته که افتخار آفرین و امیدوارکننده است. امیدواریم تعداد بچه‌هایی که در طی دوران تحصیلات خود در سمپاد به «حفظ کل» دست می‌یابند افزون‌تر شود.

### تشکر و اعتذار

شانزده مرکز سمپاد با همت و تلاش بی‌مانند خود میزبانی مناطق ۱۶ گانه را عهده‌دار بودند که جای تحسین و تقدیر فراوان دارد. گزارش نمایندگان اعزامی ما به مراکز حاکی است که نهایت همت در حُسن اجرای مسابقات از سوی مسئولین مراکز بکار گرفته شده بود. اگر از بی‌وفایی دفتر «شاهرو» بگذریم که بی‌عنایت از کنار میزبانی خود گذشتند و سوابق خوب خود را در فوق برنامه به باد دادند و بی‌جهت کاروان راهنمایی خود را از مسابقات منطقه‌ای و راهیابی به مرحله نهایی محروم ساختند، یک نمره عالی و درخشان به همه میزبانان خوب سمپاد در مسابقات منطقه‌ای می‌دهیم و برای همه این زحمتکش‌ان از درگاه ایزد منان توفیق مسئلت می‌نمائیم.

دفاتر میزبان راهنمایی: مشهد، یزد، شیراز، دزفول، همدان، زنجان، شهرری.



دفتر میزبان دبیرستان: تبریز، رشت، بیرجند، لار، اصفهان، خرم آباد، سندج و تهران.

دفتر بی وفا: شاهرود!

### درسی برای همه

خوب تندی آقای دکتر اژه‌ای برای همه تلخ است. اینرا می‌توانید از مدیرتان پرسید! زیرا ایشان همیشه برای شما بچه‌ها گرم و پرحوصله‌اند و نمی‌توانید تا دانش آموز هستید حرف ماها را بفهمید! ولی ریشه‌اش و آنچه حساسیت ایشان را برانگیخت و البته نتایج مبارکی هم بدنبال داشت «نظم» است. حتی امثال ما گاه گولها هم - اینک بیش از هر زمان - نظم‌پذیری و سیستم داشتن در کار و نقش غیرقابل انکار و اساسی آنرا درک کرده‌ایم. قبلاً مسابقات بدون این حساسیتها هم برگزار می‌شد، شاید هم به خوبی. ولی این حساسیتها درسی بود برای همه ما. شاید قبل از اینکه بیاید و در مسابقات قرآن کریم سمپاد عهده‌دار کاری بشوید، منظم تر شوید، برای همین اینها را نوشتم.

### خصوصی

«هادی» دستت درد نکند. اگر چه کسی حالی از تو نپرسید ولی زحمت کشیدی با تمام بچه‌های خیلی خوب و قدر: رضا، حسین، مهدی، مهدی، محسن و سعید. سید، بارک‌الله اینها یادگاری تو‌اند. آقای دکتر آشتیانی هم بی سر و صدا، همه را جمع و جور کرد خیلی با حال، خیلی عشق، خودی‌ها فهمیدند. نوشتیم شما‌ها هم یاد بگیرید، سر و صدا در کار بدرد نمی‌خورد.

### شایعات

می‌گویند در مسابقات نهایی پلاک و چفیه می‌دهند با آرم مسابقات و خیلی زیباست! بخصوص که پیشنهاد از خواهرها بوده است. می‌گویند همه می‌رویم «شلمچه»، بعد می‌رویم موقعیت شهید اتابک سپهری ببینیم بچه‌های فارغ‌التحصیل سمپاد آنجا چه کرده‌اند. می‌گویند میزبانی سال بعد روی کرمان دور می‌زند، صحبت روی تبریز هم هست و ..... اضطراب چند رئیس دفتر را موقتاً زیاد کنیم تا ببینیم پرندۀ خوشبختی روی شانه چه کسی برای نهمین سال خواهد نشست.

«هشت» سال دفاع مقدس، «هشتمین» دوره مسابقات قرآن، یادواره شهدای سمپاد اهواز منتظر

است.



## گزارش و خبر

### مراکز سمپاد و نتایج چهار المپیاد برای سال ۱۳۷۸

تابستان به انتها رسید و از بین ۱۵۶ نفر که به مرحله کشوری چهار المپیاد فیزیک، شیمی، ریاضی و کامپیوتر راه یافته بودند ۳۰ نفر موفق به کسب مدال طلا شدند. از بین این سی نفر ۱۹ نفر در آوردگاههای جهانی سال ۱۳۷۸ حضور خواهند یافت. دوسوم طلائی‌ها را فرزندان سمپاد بخود اختصاص داده‌اند که مازندران با دو طلای ساری (کامپیوتر) و بابل (شیمی)، اراک با دو طلا در «شیمی»، ارومیه با سه طلا در «فیزیک»، «ریاضی» و «کامپیوتر» شگفتی سازان امسال بودند ضمن آنکه علامه حلی تهران نیز با ۹ مدال طلا در هر چهار تیم نماینده دارد و رکورد خود را قدرتمندانه حفظ نموده است.

تنها دختر طلائی امسال از فرزندان امین اصفهان در «فیزیک» است هر چند در شیمی دختران «یزد»، «تبریز» و «سبزوار» مدال نقره کشوری کسب نمودند و در فیزیک دختران فرزندان تهران و کرج به کسب مدال نقره موفق شدند. در ریاضی نیز فرزندان مشهد و در کامپیوتر فرزندان تهران برنده نقره کشوری داشتند. نکته قابل توجه اینکه در مرحله کشوری صد در صد راه‌یافتگان دختر به این مرحله از مراکز سمپاد بودند.

برندگان مدال طلای کشوری فیزیک برای سال ۱۳۷۸

شماره	نام و نام خانوادگی	استان	شهر	دبیرستان
۱	آیدین باباخانی	آذربایجان غربی	ارومیه	شهید بهشتی *
۲	محمدحسین تقوی نصرآبادی	تهران	تهران	علامه حلی *
۳	علی سعادت ملی	تهران	تهران	علامه حلی *
۴	شروان فشنندی	تهران	تهران	علامه حلی *
۵	صادق دبیری سطری	شهرستانهای تهران	شهریار	شهید رجائی
۶	آریا فلاحی	تهران	تهران ۶	دکتر حنان
۷	آرزو متولی زاده	اصفهان	اصفهان	فرزانگان امین *

\* دانش آموز از مراکز سمپاد می باشد.

برندگان مدال طلای کشوری شیمی برای سال ۱۳۷۸

شماره	نام و نام خانوادگی	استان	شهر	دبیرستان
۱	عرفان امینی	مرکزی	اراک	علامه حلی *
۲	محمد نجم زاده	مرکزی	اراک	علامه حلی *
۳	پویا ساجدی کنفی	گیلان	لاهیجان	کاشف
۴	رضا کلانتری	تهران	تهران	علامه حلی *
۵	بابک گرایلی	مازندران	بابل	شهید بهشتی *
۶	مهدی کهرم	خراسان	مشهد	شهید هاشمی نژاد *

\* دانش آموز از مراکز سمپاد می باشد.

برندگان مدال طلای کشوری ریاضی برای سال ۱۳۷۸

شماره	نام و نام خانوادگی	استان	شهر	دبیرستان	کلاس
۱	امیر آجرلو	تهران	تهران ۱۶	رشد	سوم
۲	جواد ابراهیمی	چهارمحال و بختیاری	بروجن	امام خمینی	سوم
۳	پیمان افشانی	آذربایجان غربی	ارومیه	شهید بهشتی *	سوم
۴	مسعود شادنام	تهران	تهران	علامه حلی *	سوم
۵	علی شوریده	تهران	تهران	علامه حلی *	دوم
۶	مهدی صفا	تهران	تهران ۱۶	رشد	سوم
۷	سیدماجد طاهری	تهران	تهران ۱۲	نور	سوم
۸	سعید کاویانی	تهران	تهران ۱	نیکان	سوم
۹	جواد لوایی	تهران	تهران ۹	امام صادق (ع)	سوم
۱۰	حمید محبویی	یزد	یزد	شهید صدوقی *	سوم
۱۱	مازیار میررحیمی	شهرستانهای تهران	کرج	شهید سلطانی *	سوم

\* دانش آموز از مراکز سمپاد می باشد.

برندگان مدال طلای کشوری کامپیوتر برای سال ۱۳۷۸

شماره	نام و نام خانوادگی	استان	شهر	دبیرستان	کلاس
۱	سیدبهبزاد اسفهد میرحسین زاده	مازندران	ساری	شهید بهشتی *	دوم
۲	سید امیر اعتصامی	تهران	تهران	علامه حلی *	دوم
۳	محمدحسین فرداد	تهران	تهران	علامه حلی *	سوم
۴	احسان فروغی	تهران	تهران	علامه حلی *	سوم
۵	حامد حاتمی	آذربایجان غربی	ارومیه	شهید بهشتی *	سوم
۶	محمود قندی	تهران	تهران ۱	نیکان	سوم

\* دانش آموز از مراکز سمپاد می باشد.

○ همانطور که در چهار جدول مربوط به برندگان طلای کشوری چهار المپیاد برای سال ۱۳۷۸ دیده می شود در المپیاد فیزیک و شیمی صرفاً دانش آموزان پایه سوم حق شرکت داشته اند، لذا از پایه دوم کسی قبول نشده است ولی در دو المپیاد ریاضی و کامپیوتر که امکان شرکت و رقابت برای پایه دوم دبیرستان هم وجود دارد از ۱۷ پذیرفته شده ۳ نفر دانش آموز پایه دوم دبیرستان هستند و جالب تر اینکه از این سه نفر دو نفر در کامپیوتر هستند که سال قبل بزحمت کمیته ذریبط احتساب امتیاز این عزیزان را آنهم براساس مصوبه هیئت امناء باشگاه و به پیشنهاد سرپرست سازمان پذیرفت.

○ امیر آجرلو از رشد منطقه ۱۶ تنها طلائی است که سال قبل جزئی تیم ملی ریاضی بوده است.

○ در مرحله کشوری در ریاضی ۱۲ نفر در پایه دوم دبیرستان بودند که ۱۰ نفر آنها از مراکز سمپاد بودند و یکنفر از آنها موفق به کسب طلاگردید.

○ در مرحله کشوری کامپیوتر ۹ نفر در پایه دوم دبیرستان از مراکز سمپاد بودند که ۲ نفر از آنها موفق به کسب طلای کشوری شدند.

○ از نظر تعداد در سال ۱۳۷۷ برای سال ۷۸ دانش آموزان ۳۰ مرکز سمپاد موفق به حضور در مرحله کشوری شده اند. (سال قبل ۲۵ مرکز حضور داشتند و در سال ۱۳۷۵ این تعداد به ۲۳ مرکز می رسید) در این جمع، ۵ مرکز که سال قبل مدال کشوری داشتند از گردونه خارج و بجای آنها ده مرکز جدید به کسب کنندگان طلای کشوری پیوسته اند. ۲۰ مرکز آموزشی سمپاد هم چون سال قبل، در مرحله کشوری نماینده دارند.

نتایج مراکز آموزشی سمپاد در المپیادهای چهارگانه فیزیک، شیمی، ریاضی و کامپیوتر برای سال ۱۳۷۸  
به تفکیک مدال، شهر و مرکز

شهر	مرکز آموزشی	فیزیک			شیمی			ریاضی			کامپیوتر		
		طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز
آبادان	شهید بهشتی	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
اراک	علامه حلی	-	-	۱	۲	-	۱	-	-	-	-	-	-
ارومیه	شهید بهشتی	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱	۱	-
اصفهان	فرزانگان امین	۱	-	۱	-	-	۱	-	-	-	-	-	-
	شهید ازهای	-	۱	۲	-	-	-	-	-	-	۱	۲	-
اهواز	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-
بابل	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	۲	۱	-
بروجرد	شهید بهشتی	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
بیرجند	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
تبریز	شهید مدنی	-	-	۱	-	۱	۱	-	۱	-	-	-	-
	فرزانگان	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-
تهران	علامه حلی	۳	۴	۲	۱	-	۱	-	۱	۲	۲	۳	۲
	فرزانگان	-	-	۱	-	-	۱	-	-	۱	-	-	۱
ری	شهید بهشتی	-	-	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-
دزفول	فرزانگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
رشت	میرزا کوچک خان	-	-	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	-	۲
زنجان	شهید بهشتی	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ساری	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
	فرزانگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
سبزوار	فرزانگان	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-
شاهرود	شهید بهشتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
شیراز	شهید دستغیب	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-	-	-
کرج	شهید سلطانی	-	-	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	۴
	فرزانگان	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
کرمان	علامه حلی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مشهد	شهید هاشمی نژاد	-	-	۲	-	۴	-	۱	-	۲	-	-	۱
	فرزانگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
همدان	علامه حلی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
یزد	شهید صدوقی	-	-	۱	-	۱	-	-	۱	-	-	-	۱
	فرزانگان	-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-
جمع مدالهای سمپاد		۵	۱۱	۱۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱۵	۱۱	۵	۸
جمع کل مدالهای چهار المپیاد		۷	۱۷	۱۸	۶	۱۳	۲۱	۱۱	۱۸	۱۷	۱۱	۶	۱۳

### حضور دهم در المپیاد جهانی کامپیوتر

نفرات نهایی برگزیده تیم ملی المپیاد کامپیوتر ایران، شهاب اویس قرن (شهید اژه‌ای اصفهان)، بهشاد بهزادی (شهید بهشتی اهواز)، ناصر فرامرزی‌پور (علامه حلی تهران) و پویان خواجه‌پور (شهید سلطانی کرج) در المپیاد جهانی کامپیوتر که در شهر لیسبون پرتغال برگزار شد با کسب ۴ مدال نقره در بین ۶۶ کشور پس از کشورهای اسلواک، چین، لهستان، کره جنوبی و روسیه موفق به کسب رتبه ششم جهانی شدند با این تذکره که محل برگزاری مسابقات در تصویر صفحه ۳ جلد شماره ۲۶ مجله، افریقای جنوبی آمده است که اشتباه از ما می‌باشد.

هفت حضور در المپیاد جهانی کامپیوتر از دوره چهارم تا دهم (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷)

شماره المپیاد	محل برگزاری	کشورهای شرکت‌کننده	مقام ایران	مدالهای ایران		
				طلا	نقره	برنز
۴	آلمان	۴۶	چهاردهم	-	۲	۲
۵	آرژانتین	۴۷	چهارم	۱	۲	۱
۶	سوئد	۵۲	سیزدهم	-	۱	۲
۷	هلند	۵۱	پنجم	-	۲	۳
۸	مجارستان	۵۶	هشتم	۱	۲	۱
۹	افریقای جنوبی	۵۶	ششم	-	۳	۱
۱۰	پرتغال	۶۶	ششم	-	۴	-

### افتتاح مراکز دخترانه سمنان و شاهرود

در آستانه میلاد با سعادت حضرت زهرا سلام الله علیها دو مرکز آموزشی فرزنانگان سمنان و شاهرود در روز ۱۶ مهرماه افتتاح گردید.

در این مراسم که با حضور مسئولین محلی برگزار شد سرپرست سازمان در جمع دانش‌آموزان و اولیاء دو مرکز صحبت نمود. در این دو مراسم فرزندان فرزنانگانی سمپاد با اجرای توشیح و سرود بر طراوت جلسات افزودند.

در حاشیه حضور در سمنان سرپرست سازمان گفتگوی کوتاهی نیز با دانش‌آموزان مرکز شهید بهشتی سمنان داشت. در مهرماه ۱۳۷۷ علاوه بر مراکز فوق مرکز فرزنانگان سنندج، مرکز راهنمایی شهید دستغیب شیراز و مرکز لار و در آبان ماه مرکز راهنمایی فرزنانگان ارومیه افتتاح گردیدند.

### جمع‌بندی حضور در چهار المپیاد جهانی در سال ۱۳۷۷

همانگونه که در جدول مشاهده می‌کنید فرزندان ایران اسلامی در آوردگاههای جهانی چهار المپیاد در سال ۱۳۷۷ موفق به کسب ۶ مدال طلا، ۹ مدال نقره و ۴ مدال برنز شدند که از این تعداد ۴ طلا، ۹ نقره و ۴ برنز (از ۱۹ مدال ۱۷ مدال) به فرزندان سمپاد اختصاص داشت.

در چهار المپیاد سال ۱۳۷۷ «علامه حلی تهران» ۷ نفر عضو تیمهای ملی داشت و با ۲ طلا، ۴ نقره و ۱ برنز رکورد دار بی‌رقیب مدارس ایران باقی ماند. مدارس دیگر عبارت بودند از شهید اژه‌ای اصفهان با ۱ طلا و دو نقره، شهید سلطانی کرج با ۲ نقره، شهید هاشمی نژاد مشهد با ۲ برنز، شهید بهشتی شهرری با ۱ طلا، شهید بهشتی اهواز با ۱ نقره و شهید مدنی تبریز با ۱ برنز، به همراه نمونه دولتی رشد تهران که دو طلا کسب نمود ۸ دبیرستانی بودند که اعضاء تیمها از آن مراکز تشکیل شده بود.

#### نتایج اعضاء تیمهای ملی المپیاد کامپیوتر، شیمی، فیزیک و ریاضی در مسابقات جهانی ۱۳۷۷

المپیاد کامپیوتر	ناصر فرامرزیپور (نقره)	شهاب اویس قرن (نقره)	بهشاد بهزادی (نقره)	پویان خواجه‌پور (نقره)	
	علامه حلی تهران	شهید اژه‌ای اصفهان	شهید بهشتی اهواز	شهید سلطانی کرج	
المپیاد شیمی	مهدی نجفی (نقره)	امیر مسلم قاسمی (برنز)	رضا شرقی (برنز)	پدرام انصاری (برنز)	
	علامه حلی تهران	علامه حلی تهران	شهید مدنی تبریز	شهید هاشمی نژاد مشهد	
المپیاد فیزیک	باشا احمدیان تهرانی (طلا)	محمد حافظی (نقره)	سروش محقق‌زاده (نقره)	حسین رخساری آذر (نقره)	ایمان عقیلیان (برنز)
	علامه حلی تهران	علامه حلی تهران	شهید اژه‌ای اصفهان	شهید سلطانی کرج	شهید هاشمی نژاد مشهد
المپیاد ریاضی	امید امینی (طلا)	سهند حاجی‌علی احمد (طلا)	کسری علیشاهی (طلا)	علیرضا کشاورزجدا (طلا)	امیر آجرلو (طلا)
	شهید بهشتی شهرری	علامه حلی تهران	شهید اژه‌ای اصفهان	نمونه دولتی رشد	نمونه دولتی رشد
					فرهاد فراهانی (نقره)
					علامه حلی تهران

\* دانش‌آموز از مراکز استعدادهای درخشان می‌باشد.

### مصوبات جدید هیئت امناء باشگاه دانش پژوهان جوان

- در جلسه مورخ ۷۷/۷/۲۷ هیئت امناء «باشگاه دانش پژوهان جوان» ضوابط شرکت‌کنندگان در المپیادها جهت سال تحصیلی جاری بررسی و تغییراتی بدینصورت مورد تصویب قرار گرفت:
- در «المپیاد ریاضی» جهت داوطلبان پایه دوم دبیرستان معدل دروس ریاضی ۱، ۲ و هندسه ۱ از ۱۸ به ۱۷ و در پایه سوم دبیرستان معدل دروس ریاضی ۳ و ۴ و هندسه ۲ از ۱۷ به ۱۶ کاهش یافت.

□ در «المپیاد کامپیوتر»، کمیته کامپیوتر باشگاه دانش پژوهان پیشنهاد نموده بود تمایزی بین دانش آموزان هنرستانها و دبیرستانها از نظر معدل در نظر گرفته شود که این امر مورد تصویب هیئت امناء قرار نگرفت و در پایه دوم دبیرستان شرط معدل ترم اول و دوم نیز از سوی هیئت امناء حذف گردید. در پایه سوم دبیرستان ضمن حذف شرط معدل دروس داوطلب در ترم سوم و چهارم، معدل دروس ریاضی ۳ و ۴ و هندسه ۲ از ۱۷ به ۱۶ کاهش یافت.

□ در المپیاد شیمی با کاهش معدل دروس شیمی ۱ و ۲، معدل ریاضی ۱، ۲، ۳ و ۴ و معدل فیزیک ۱ و ۲ از ۱۷ به ۱۶ موافقت گردید.

□ شرایط شرکت داوطلبان دو المپیاد «ادبی» و «فیزیک» همانند سال قبل تعیین شد.  
□ در ضمن مقرر شد باشگاه جهت «المپیاد زیست» کمیته تخصصی این رشته را تشکیل دهد و تلاش پیگیر داشته باشد که در سال ۱۳۷۸ «تیم ملی المپیاد زیست» در مسابقات جهانی این رشته شرکت نماید. اعضاء تیم ملی المپیاد زیست ۴ نفر خواهد بود که از بین ۶ طلای کشوری این رشته انتخاب خواهند شد.

□ قرار شد رئیس هیئت امناء معافیت ۶ نفر اول المپیاد ادبی را از کنکور ورود به رشته ادبیات فارسی و همینطور معافیت برندگان طلای کشوری المپیاد زیست را که در این جلسه به تصویب رسیده بود از شورای عالی انقلاب فرهنگی درخواست نماید.

#### ضوابط شرکت کنندگان نظام جدید در المپیادها

نام المپیاد	سال تحصیلی و رشته تحصیلی شرکت کنندگان در مرحله اول	شرایطی که باید احراز کنند
ریاضی	دوم ریاضی فیزیک سوم ریاضی فیزیک	معدل دروس ریاضی ۱، ریاضی ۲، و هندسه ۱ داوطلب کمتر از ۱۷ نباشد. معدل دروس ریاضی ۳، ریاضی ۴ و هندسه ۲ داوطلب کمتر از ۱۶ نباشد.
کامپیوتر	دوم ریاضی فیزیک سوم ریاضی فیزیک	معدل دروس ریاضی ۱، ریاضی ۲ و هندسه ۱ داوطلب کمتر از ۱۷ نباشد. معدل دروس ریاضی ۳، ریاضی ۴ و هندسه ۲ داوطلب کمتر از ۱۶ نباشد.
فیزیک	سوم ریاضی فیزیک	داوطلب باید درس فیزیک ۳ را گذرانده باشد و نمراتش شرط زیر را برآورده کنند: $۱۶ - ۲ \times (نمره آزمایشگاه فیزیک) + ۳ \times (جمع نمرات فیزیک ۱ و ۲) + ۲ \times (جمع نمرات ریاضی ۳ و ۴)$
شیمی	سوم ریاضی فیزیک یا علوم تجربی	۱- معدل دروس شیمی ۱ و شیمی ۲ داوطلب کمتر از ۱۶ نباشد. ۲- معدل دروس ریاضی ۳، ۲، ۱ و ۴ داوطلب کمتر از ۱۶ نباشد. ۳- معدل دروس فیزیک ۱ و فیزیک ۲ داوطلب کمتر از ۱۶ نباشد.
ادبی	سوم ادبیات و علوم انسانی	معدل دروسی که داوطلب در ترم سوم و چهارم گذرانده با اعمال ضرب تعداد واحد برای نمره هر درس، کمتر از ۱۶ نباشد.



### نه سال فارغ التحصیلی مراکز سمپاد

براساس گزینش سال ۱۳۶۲ جهت دو مرکز تهران، سمپاد از سال تحصیلی ۶۹-۶۸ فارغ التحصیلی داشته است. اضافه شدن مدارس جدید و شکل گیری سازمان در سال ۱۳۶۶ از سال تحصیلی ۷۱-۷۰ به بعد، فارغ التحصیلان مراکز شهرستانی نیز به مجموع فارغ التحصیلان اضافه گردیدند. در طول ۹ دوره فارغ التحصیلی، از بین ۱۱۱۸۴ نفر فارغ التحصیل ۸۸/۹۸ درصد (۹۹۵۲ نفر) وارد دانشگاهها و مراکز عالی شده‌اند. از کل فارغ التحصیلان سمپاد (براساس جدول) تا سال ۱۳۷۶ از بین ۸۰۰۶ نفر فارغ التحصیل ۹۳/۴۴ درصد آنها وارد مراکز آموزش عالی شده‌اند و تنها ۴۹۳ نفر از این عده وضعیت مشخصی در سال ۱۳۷۷ از نظر حضور در دانشگاه نداشته‌اند.

فارغ التحصیلان مراکز «سمپاد» در طول نه سال تحصیلی و تعداد قبولی

سال تحصیلی	تعداد مرکز	تعداد فارغ التحصیل	قبولی هر سال	درصد قبولی هر سال	قبولی سالهای قبل	کل فارغ التحصیل	کل قبولی‌ها	درصد کل قبولی
۶۸-۶۹	۲	۱۴۶	۱۲۴	٪۸۵	-	۱۴۶	۱۲۴	٪۸۵
۶۹-۷۰	۲	۱۸۷	۱۴۶	٪۷۸/۰۷	۱۰	۳۳۳	۲۸۰	٪۸۴/۰۸
۷۰-۷۱	۲	۱۶۴	۱۳۴	٪۸۱/۷	۱۵	۴۹۷	۴۲۹	٪۸۶/۳۱
۷۱-۷۲	۶	۳۲۳	۲۶۷	٪۸۲/۶۶	۱۹	۸۲۰	۷۱۵	٪۸۷/۱۹
۷۲-۷۳	۱۶	۷۸۰	۶۱۳	٪۷۸/۸۹	۶۵	۱۶۰۰	۱۳۹۳	٪۸۷/۰۶
۷۳-۷۴	۳۰	۱۵۶۷	۱۱۶۵	٪۷۴/۳۵	۱۲۹	۳۱۶۷	۲۶۸۶	٪۸۴/۸۱
۷۴-۷۵	۴۰	۲۱۸۲	۱۶۵۸	٪۷۶	۳۱۷	۵۳۴۹	۴۶۶۲	٪۸۷/۱۶
۷۵-۷۶	۴۸	۲۶۵۷	۲۰۶۹	٪۷۷/۸۷	۲۳۰	۸۰۰۶	۶۹۶۱	٪۸۶/۹۵
۷۶-۷۷	۵۴	۳۱۷۸	۲۴۳۹	٪۷۶/۷۴	۵۵۲	۱۱۱۸۴	۹۹۵۲	٪۸۸/۹۸*
جمع کل		۱۱۱۸۴	۸۶۱۵	٪۷۷/۰۲	۱۳۳۷			

\* باتوجه به قبولی قبول‌نشدگان سالهای قبل از سال ۱۳۷۷ (۵۵۲ نفر)، از فارغ التحصیلان سمپاد تا سال ۱۳۷۶ جمعاً ۹۳/۴۴ درصد به مراکز آموزش عالی راه یافته‌اند.

برندگان مدالهای جهانی المپیادها از انجام خدمت نظام وظیفه در دوره ضرورت معاف شدند  
 ○ براساس توجه خاص مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به منظور بسط و گسترش دانش و ارتقاء سطح علمی جوانان، کلیه مشمولانی که در مسابقات علمی جهانی (شیمی، ریاضی، فیزیک و ...)

به مقامهای اول، دوم یا سوم نایل می‌شوند از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌گردند. این مصوبه از تاریخ ۷۷/۴/۳۱ برای مدت سه سال لازم الاجراء است و به شماره ۱۴/۸۱/۲۰۱/م/۴۸ در تاریخ ۱۳۷۷/۵/۶ از سوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ گردیده است.

○ در همین راستا هیئت امناء باشگاه دانش‌پژوهان جوان در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۷ خود تصویب نمود تفسیر مقامهای اول، دوم و سوم به ترتیب کسب مدال طلا، نقره و برنز در مسابقات جهانی است.

○ لازم بتذکر است براساس دستورالعمل ابلاغی ستاد کل نیروهای مسلح (۱۳۷۷/۷/۶) کلیه کسانی که در سالهای گذشته موفق به کسب مقامهای فوق شده‌اند و یا در آینده موفق شوند در شمول این مصوبه قرار می‌گیرند.

### مقدم علوم انسانی به مراکز مبارک

بالاخره سد رشته «علوم انسانی» شکسته شد و دو مرکز «علامه حلی» و «فرزانگان تهران» در پایه دوم دبیرستان هر کدام صاحب یک کلاس جمع و جور «علوم انسانی» شدند. براساس اطلاعیه سازمان که در تابستان امسال بین دبیرستانهای شهر تهران توزیع شد از بین مراجعه کنندگان تعداد بسیار محدودی واجد شرط شناخته شده و در کنار داوطلبان رشته علوم انسانی از دو مرکز فوق آغازگر راهی تازه در «سمپاد» شدند. این تجربه را مراکز مشهد، اصفهان، شیراز، اهواز و تبریز نیز می‌توانند جهت سال آینده داشته باشند.

### بیچاره بچه‌ها ???

برای اولین بار مدیریت مرکز علامه حلی راهنمایی از میان فارغ‌التحصیلان استعدادهای درخشان انتخاب شد. مهندس «محمد مهدی جعفری همدانی» فارغ‌التحصیل دوره اول مرکز علامه حلی تهران و از پیشگامان فعالیتهای فوق برنامه و آموزشی در حوزه ستادی به عنوان سرپرست مرکز علامه حلی ۲ از طرف سرپرست سازمان منصوب گردید. این حُسن انتصاب را به فال نیک گرفته امیدواریم در طی سالهای آینده با رشد و حضور فعال فارغ‌التحصیلان سمپاد در حوزه‌های مدیریتی، همان بلایی که بر سر قبلی‌ها آوردند، بر سر خودشان بیاید!!

### مواظب فکنتان باشید !!!

اولین رزیدنت از بین فارغ‌التحصیلان مراکز استعدادهای درخشان کار خویش را آغاز نمود. دکتر

«فرزین سرکارات»، فارغ‌التحصیل دوره اول مرکز «علامه حلی تهران» با کسب رتبه اول در آزمون ورودی جراحی «فک»، دوره رزیدنتی خویش را آغاز نمود. امید می‌رود با حضور پرتعداد فارغ‌التحصیلان سمپاد در دانشکده‌های پزشکی شاهد حضور پرتعداد بچه‌هایمان در ایندوره‌ها باشیم.

### گردهمایی دانشجویی با اعصاب آرام

«گروه عصب‌شناسی سمپاد» اولین گردهمایی دانشجویی علوم اعصاب سمپاد را در فروردین ماه ۷۸ در پژوهشگاه شهید بهشتی تهران برگزار می‌نماید. مقالات ارسالی با عناوین: «نوروفیزیولوژی مدارهای عصبی»، «پردازش اطلاعات در مغز»، «اثرات شناختی آسیب‌های مغزی»، «پردازش عالی اطلاعات بینایی»، «مبانی ریاضی عملکرد دستگاه عصبی»، «شبکه‌های عصبی مصنوعی ساده و ترکیبی»، «بینایی مصنوعی»، «دستگاه عصبی موجودات ابتدایی و تکامل دستگاه عصبی»، «آگاهی و مسأله فلسفی ذهن - مغز» و «نقش دانشمندان اسلامی در علوم اعصاب و شناخت ادراک»، تا تاریخ ۳۰/۱۱/۷۷ از طریق پست یا پست الکترونیکی پذیرفته می‌شوند.

گروه عصب‌شناسی از گروه‌های قدیمی فعال در پژوهشگاه بوده و در طی این سالها حضور چشمگیر و قابل توجهی در حوزه‌های علمی ذیربط داخل و خارج از کشور داشته است.

### تشکیل جلسات شورای هدایت استعدادهای درخشان

«شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی» طی سه جلسه در پاییز ۱۳۷۷ (۶/۷/۷۷، ۷/۸/۷۷ و ۲/۹/۷۷) به بررسی و تصویب چندین آیین‌نامه پرداخت منجمله «دستورالعمل چگونگی تحصیل همزمان دانشجویان ممتاز در دو رشته تحصیلی»، «آیین‌نامه تسهیلات آموزشی ویژه دانشجویان ممتاز» و «آیین‌نامه ضرورت ایجاد تشکیلاتی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی برای حمایت از استعدادهای درخشان» همراه با چند پیشنهاد دیگر.

از آنجا که در بعضی از موارد احتیاج به بررسی بیشتری وجود داشت، شورا موافقت نمود پس از بررسی‌های لازم نسبت به ابلاغ آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های فوق اقدام شود که در شماره آینده مجله در صورت ابلاغ رسمی آنها را منعکس می‌نمائیم.

### جشن فارغ‌التحصیلی

اغلب مراکز سمپاد که فارغ‌التحصیل دارند پس از آغاز سال تحصیلی در فرصت‌های مناسب اقدام

به برگزاری مراسم فارغ‌التحصیلی خود می‌نمایند که در برخی از این مراسم سرپرست سازمان نیز حضور می‌یابد.

○ پنجشنبه سی‌ام مهرماه ۱۳۷۷ «فرزانگان تهران» نهمین دوره فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزان خود را جشن گرفت، این مراسم طبق معمول با حضور پرشور اولیاء، مربیان و فارغ‌التحصیلان برگزار شد. در این مراسم سرپرست سازمان طی سخنانی به دست‌آوردهای علمی مرکز فرزانگان در طول چند سال گذشته پرداخت.

○ در نیمه شعبان (۱۴ آذر ۱۳۷۷) جشن فارغ‌التحصیلی دو دوره از فارغ‌التحصیلان دبیرستان شهید اژه‌ای اصفهان (دوره‌های چهارم و پنجم) یکجا برگزار گردید. در این مراسم سرپرست سازمان در صحبت خود با اشاره به موفقیت‌های علمی دانش‌آموزان مرکز، به هدیه مقام معظم رهبری به برندگان مدال در المپیادهای جهانی مبنی بر معافیت دائم از خدمت نظام و وظیفه اشاره کرد و همین‌طور مصوبات «شورای هدایت استعداد‌های درخشان در آموزش عالی کشور» را مطرح نمود.

### در جمع اولیا دبیرستانی علامه حلی

چهارشنبه ۲۹ مهرماه اولین گفتگو بین سرپرست سازمان و اولیاء دانش‌آموزان سال اول دبیرستان علامه حلی تهران صورت گرفت. در این جمع صمیمی سرپرست سازمان به بیان مشکلات و سختی‌هایی که سازمان با آن درگیر است پرداخت و ضمن توضیح نگرش‌های غیر واقعی از بیرون و از سوی افراد مدعی اطلاع، از اینکه سمپاد نتوانسته است امکانات مناسبتری جهت فرزندانش بوجود آورد اظهار تأسف و از مشارکت اولیاء در هرچه بهتر شدن روند امور مرکز تشکر نمود. در این جلسه که بیش از دو ساعت طول کشید کلیه سوالات مکتوب و شفاهی شرکت‌کنندگان توسط ایشان پاسخ گفته شد و بعد انتخابات انجمن اولیاء و مربیان سال اول برگزار شد.

### گفتگو در جمع آغازگران

سرپرست سازمان در ۸ آذرماه ۱۳۷۷ در دیدار سرزده به دبیرستان فرزانگان تهران در جمع اولین گروه از دانش‌آموزان «رشته علوم انسانی» دخترانه مراکز سمپاد در این دبیرستان حضور یافت و با آنها به گفتگو نشست. قبل از این گفتگوی نسبتاً طولانی؛ در جمع دبیران این گروه؛ مشکلات، موانع و انگیزه‌های جدید برای علوم انسانی طرح و مورد بحث قرار گرفت.

لازم‌بتذکر است هر سال برخی از دانش‌آموزان مستعد مراکز بخاطر علاقه به رشته علوم انسانی مجبور به ترک مرکز دلخواه خود می‌شوند.

## نامه‌های رسیده

«بنام خدا و باسلام!»

غرض از نوشتن این چندسطر، ابراز تشکری است خالصانه و صمیمانه جهت برگزاری اولین دوره مسابقات قرآن فارغ التحصیلی سمپاد؛ و نیز عرض یک «خسته نباشید» از ته دل به تک تک عزیزانی که باتمام توان و شور خود سعی داشتند تا بزمی نورانی بر سرخوان گسترده قرآن برگزار کنند؛ سعی داشتند تا راهی بگشایند برای بازهم باهم بودن و در کنار یکدیگر از کمالات هم بهره گرفتن، شادی‌ها، غم‌ها، دلهره‌ها، دغدغه‌ها، مشغله‌ها، دانسته‌ها، ندانسته‌ها و البته محتویات جیبهای خود را روی هم ریختن و دوباره باهم تقسیم کردن!! و نیز برای تجربه لحظاتی نورانی، قرآنی، لحظاتی که کلام قرآن، صوت قرآن و مفاهیم قرآن در آنها جاری بود؛ برای کشف یک حقیقت زیبا و آن اینکه، ما هرکه هستیم، هر کجا هستیم، فرزندان سمپادیم، ما سمپادی هستیم! مهمتر از آن، ما قرآنی هستیم، و آیا این دو کافی نیست که باور کنیم تنها نیستیم، باور کنیم خواهران و برادران ما در جای جای این سرزمین زیبا، همچون ما، دل‌هایشان برای تعالی ایران عزیز می‌تپد، به آن می‌اندیشند و برای تحقق آن تلاش می‌کنند و چه زیبا راه خویش را برای رسیدن به آن هدف مقدس با معارف نورانی قرآن روشن می‌کنند. با تمسک به قرآن، با دین محوری و دین باوری عمیق، با عزم راسخ، با وجودی سرشار از عشق و امید به آینده، دست‌در دست هم پیش می‌روند تا تکلیف الهی خویش را به کمک هم هرچه بهتر و شایسته‌تر ادا کنند. این مسابقات فرصتی بود برای آشنائی‌هایی جدید، دوستی‌های جدید، برای همفکری بیشتر و نزدیکتر، برای تجدیدقوا و مسابقات آتی فرصتی خواهد بود. برای تجدید این آشنائی‌ها و دوستی‌ها و برای استمرار همفکری‌ها.

اولین دوره مسابقات قرآن فارغ‌التحصیلی سمپاد، همچون مسابقات دانش‌آموزی ارومیه در خاطر جاودانه خواهد ماند؛

خاطره‌ای «سبز» و شیرین، به شیرینی یک «پسته»  
حتی اگر سر بسته باشد! .

و در آخر باز هم تشکر می‌کنم، از خدا می‌خواهم توفیق دهد در دوره‌های بعدی نیز شرکت کنم.  
فرزانه برزگر فارغ‌التحصیل مرکز آموزشی زینب (س) - شهری

۷۷/۶/۵

#### «به نام خدا»

با عرض سلام خدمت شما دست‌اندرکاران مجله دوست داشتنی استعداد‌های درخشان .  
مدتها بود که بفکر نوشتن نامه‌ای برای شما بودم اما نمی‌دانستم چگونه و از کجا باید شروع کنم تا اینکه به خاطر نگرانی و دلهره و اضطرابی که از آغاز سال جدید برایم پیش آمده تنها راه چاره را نوشتن این نامه برای شما دیدم خواهش می‌کنم .....هرچه زودتر..... جوابم را بدهید تا با فکر آسوده بتوانم درسهایم را بخوانم و امتحاناتم را بدهم.

مدیر مرکز ما با پدر و مادر من اختلاف دارند و چون من باید دوباره در کلاس سوم راهنمایی امتحان بدهم نگرانم که نکند به طریقی مانع ادامه تحصیل من در این مرکز بشود آیا امکان چنین کاری وجود دارد چگونه؟ در چه شرایطی مدیر می‌تواند از ادامه تحصیل ما جلوگیری کند؟ و آیا اختلاف با والدین باید سر اولادش پیاده شود؟ چون من درسم خوب است و مشکل درسی و اخلاقی ندارم پس چرا باید چنین کاری صورت بگیرد؟ این فکر دائم مانع درس خواندن من می‌شود شما را به خدا زودتر جواب من را بدهید و من را خلاص کنید تا صبح از فکر و خیال خواب ندارم. آیا واقعاً ممکن است سر من تلافی کند؟ آخر مگر من چه گناهی کرده‌ام؟ اگر چنین کاری بکند من چگونه می‌توانم دنبال کارم را بگیریم و ثابت کنیم که ما مقصر نیستیم لطفاً هرچه زودتر جواب مرا بدهید تا با فکر آسوده درسهایم را مطالعه کنم لطفاً جواب مرا در بخش (پرسشهای شما) بدهید منتظر جواب شما هستم خواهش می‌کنم زودتر جواب مرا بدهید.

گ - ف - دانش‌آموز مرکز استعداد‌های درخشان

استعداد‌های درخشان: اگر قرار باشد بخاطر اختلاف سلیقه مدیر با پدر و مادر شما، شما را از مرکز بدون هیچگونه گناهی اخراج کنند، باید خیلی‌های دیگر را اخراج می‌کردند شما ضوابط آموزشی و تربیتی

مرکز را رعایت کنید، اختلاف سلیقه پدر و مادران اثری در ماندن یا نماندن شما در مرکز ندارد. البته پدر و مادران هم اختلاف خود را با دخالت در امور مرکز نباید قاطی کنند، متأسفانه در شهر شما از این نوع والدین کم نداشته‌ایم.

### «به نام خداوند یکتا»

حضور محترم آنانکه به پیشرفت می‌اندیشند.

چندی پیش با مطالعه مجله شماره بیست و چهارم شما که در آن در مورد جشنواره خوارزمی و برندگان آن مطالبی درج شده بود (که این نیز قابل تقدیر است)، به فکر چند پیشنهاد افتادم که در عین سادگی؛ در نظر من در صورت برطرف کردن نقص‌ها و اجرای صحیح آن می‌تواند بسیار سازنده باشد. چه در مورد شکوفایی استعداد‌های ناشناخته کشور که عده کمی از آنها در مراکز سمپاد تحصیل می‌کنند و تعداد بیشمار در سایر مناطق و مدارس کشور و چه در راه تسریع در پیشرفت این مجله نسبتاً پرمحتوی.

اول در مورد درج اسامی افراد برگزیده این جشنواره و نیز طرحهایی که آنان ارائه داده بودند است؛ اگرچه شما یک توضیح سه خطی در مورد این طرحها ارائه داده‌اید اما آیا از نظر شما این توضیح کافی است؟ به نظر من که نه تنها کافی نیست بلکه ایجاد هزاران سؤال می‌کند. و شما می‌توانید با چند صفحه ناقابل جوابگوی هزاران ذهن کنجکاو باشید شاید دانستن و بررسی هر یک از این طرحها خود آغازگر طرح نوین دیگری باشد.

دومین مسأله در مورد جوایز نسبتاً اندک این مسابقات بود. (اگرچه مسئول برگزاری آنها نیستید اما نظرتان بی تأثیر هم نخواهد بود.) هرچند مسائل مادی از مسائل معنوی و اهداف غالب شرکت کنندگان محترم جداست؛ و شاید آنها هیچ‌گونه انتظاری نداشته باشند اما در هنگامی که مبلغی بیش از اینها در مسابقات بی‌محتوی و مسخره‌ای چون مسابقه بزرگ؛ مسابقه تلاش و سایر برنامه‌ها به شرکت کنندگانی تعلق می‌گیرد که تنها کمتر از یکساعت کار بدنی انجام داده‌اند آیا این جایز است که به نوآوران کشور که اکثراً ماهها وقت صرف کرده‌اند و نیز مقدار زیادی هزینه، چنین مقدار ناچیزی هدیه داده‌اند، آیا مساعدت بیشتر برگزار کنندگان موجب تسریع در پیشرفت علمی کشور نخواهد بود، و آیا این است حق یک دانشجو؟

از نظر من حتی این هم کافی نیست. آنانکه دم از پرورش استعداد‌های درخشان می‌زنند باید بیش از اینها به فکر باشند. و علاوه بر جوایزی که اهدا می‌کنند، آمادگی خود را جهت مساعدت بیشتر اعلام

داشته و به عنوان مثال با شرکت کنندای که مشخص است طرح‌های بی‌پایانی در ذهن؛ دارد آنچنان همکاری گردد که او تومانی از جیب خود هزینه نکند. از نظر شما این وظیفه‌ی کشوری به جز کشور مسلمان نشین ایران است که جنبه‌ی علمی اسلام را نیز منتشر سازد؟ اسلام لبریز از علم است. علمی که با مذهب و فرهنگ و تدین آمیخته است. و با صراحت و قاطعیت تمام می‌توان عرض نمود که ایرانیان از نظر بهره‌ی هوشی از سطوحی بسیار بالا برخوردارند و از این لحاظ کم ندارند و کسب مقام‌های اول تا سوم در غالب المپیادهای علمی جهانی چیز کمی نیست.

آخرین پیشنهاد من این است که در صورت امکان با برپایی نمایشگاهی مختص این گونه اختراعات و به نمایش گذاشتن به نوعی افکار مخترعان کشور، سایر مردم را نیز در جریان این پیشرفتهای علمی قرار دهید و یا حداقل تحقیقاتی را که در بخش پژوهشگران جوان دریافت می‌کنید، گلچین شده آنها را برای سایر مراکز بفرستید تا از طریق کتابخانه در اختیار علاقمندان قرارگیرد.

والسلام

با تشکر قبلی از مساعدت شما

فائزه - ب. فرزندگان تهران

استعدادهای درخشان: اطلاعاتی که در مورد طرح‌های برگزیده «جشنواره خوارزمی» در مجله ذکر می‌شود، همانیست که برگزارکنندگان جشنواره در اختیار عموم قرار می‌دهند. در مورد جوایز به شما حق می‌دهیم و جز اعلام این نظر کار دیگری نمیتوان انجام داد. در مورد نمایشگاه هم به فوق برنامه تدارک نمایشگاهی پیشنهاد شده است. انشالله امسال از طرح‌های دانش‌آموزی برگزار خواهد نمود.

«به نام یگانه لایق پرستش»

سلام!

سلامی قوی، بلند، مفهوم

می‌گم بابا، گفتند: ماتیز هوشیم، نگفتند که غیب گوئیم؟! آخر ما چه خبر داریم در مدرسه شما، در سمینار شما و بالاخره در مسابقات مفاهیم و قرآن شما... چه گذشته.

فلان مسئول فلان چیز را گفت، پیرمرد و گل‌دان و شلمچه و گلستان و گل نی و.....

خودتان کمی فکر کنید. آیا دیگران می‌فهمند چی نوشته‌اید؟ (فارسی را پاس بدارید) فارسی سلیس و روان آن است که هر بنده‌ی خدای ناتیزهوش بخواند، بفهمد، (یا لااقل فکر کند و بفهمد).

خدایه‌ی همیشه قلمهاتان را پر جوهر نگه دارد کمی مفهوم‌تر بنویسید، بهتر آن است که بگوئیم:



واضح تر بنویسید.

مثلاً اینکه من حقیر ۲ میلیون و ۳۶۰ مرتبه منهای ۲ میلیون . ۳۵۶ مرتبه نوشته‌ شده ۱۱۹ مجله شماره ۲۵ را خواندم و چیزی نفهمیدم !!! (لطفاً در تیزهوش بودن من شک نکنید ناراحت می شوم)!!!  
برایم بنویسید آیا به این ماشین نویستان حقوق، کم می دهید یا ایشان از شغلشان بیزارند که اینقدر همه چیز را اشتباه تایپ می کنند. «یکی مال» را «ماز یک» می نویسند.  
لطفاً ایشان را راضی فرمائید چرا که عاقبت ندارد نه در دنیا نه در آخرت ...  
خدایه‌ی انگشتهای ایشان را همیشه سالم نگهدارد.

راستی یک شب خیام عزیز را در خواب دیدم، گفت: اگر مدیر سازمان را می دیدم... و من به شما توصیه می کنم حالا که روزگار قسمت نکرد شما و خیام همدیگر را در ایام عمر این ریاضی دان تیزهوش ملاقات کنید پس لااقل بر سر گورش گذری نمائید و همچنین است کمال الملک و عطار خوبان..... از ما گفتن بود از شما نشنیدن .... اگر فردای قیامت یقه تان را گرفتند نگوئید که نگفته اید.  
حالا بچه‌های فرزنانگان و شهید بهشتی نیشابور به کنار.

شعار ما فرزنانگانی‌ها شاد از آنیم که آنیم.

ملیحه افسا

سال سوم ریاضی

دبیرستان فرزنانگان شهرستان نیشابور

استعدادهای درخشان : آن صفحه را یکی از شما - تیزهوشان - نوشته بودید غلط بودن عباراتش هم ربطی به ماشین نویسه‌های زحمتکش مجله ندارد. نامه شما را هم منعکس کردیم. رئیس سازمان هم سالی یکبار سری به خیام و عطارو..می زند.

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

جناب آقای دکتر اژه‌ای

سلام، خسته نباشید؛

ابتدا بگویم که من مدت زیادی نیست که با سازمان شما، آنهم از طریق مجله تان آشنا شده‌ام چون در شهر ما هیچ نشانه‌ای از وجود شما نیست ولی در همین مدت کوتاه علاقه زیادی به سازمان پیدا کرده‌ام.

غرض از نوشتن نامه : من خصوصیتی را که شما برای کودکان تیزهوش بیان کرده‌اید در مجله

خواندم، ولی آیا به نظر شما فقط خصوصیات عمومی را برای این نوع کودکان در نظر باید گرفت. البته نه از نظر توانایی هوشی بلکه از جهت نوع توانایی، توجه زیادی نمی‌کنید؛ ولی من می‌خواهم بدانم شما که تا به این حد از «عزت نفس» و «خودباوری» و... حرف می‌زنید آیا حق کودکانی را که نه در مواردی که شما ذکر کردید بلکه در سایر موارد استثنا هستند، ضایع نکرده‌اید و آیا باعث از بین رفتن اعتماد به نفس آنها نشده‌اید؟ شما گفتید کودکان تیزهوش در همه موارد مهارت دارند یا می‌توانند داشته باشند و خلاصه اینکه استثنا هستند، قبول؛ ولی آیا در همه این موارد و زمینه‌ها در یک سطح توانایی دارند؟ مشخص است که نه؛ از همین جا نتیجه گرفته می‌شود که تنها وضع دانش آموز در مدرسه نمی‌تواند، ملاک تخمین زدن هوش او باشد (تیزهوشی او)، ولی شما فقط امور رایج و عمومی را در نظر می‌گیرید و به نوع دیگری از تیزهوشان که نمی‌توانند در مدرسه آنطور که شما اظهار داشتید باشند و یا نمی‌خواهند، اهمیت نمی‌دهید و با توجه به این اصل که آنها هم از نظر خلق و خوی مانند تیزهوشان دیگر هستند و شاید شکننده‌تر از آنها (به یاد داشته باشید که اینشتین نه در کودکی و نه در دوره دبیرستان هیچ برتری نسبت به دیگر دانش آموزان نداشت و یا شاید این طور برداشت می‌شد که این هم برمی‌گردد به همان دلیلی که قبلاً عرض کردم).

و خواهشی که از شما دارم این است که اگر زحمتی برای شما نباشد می‌خواهم بدانم، وضع دانش آموزان در مدارس سمپاد چگونه است لطفاً کمی از آنجا برایم بگویید؛ ولی قبل از آن من برای شما از وضع تحصیل خودم می‌گویم: کلاس و مدرسه ما طوری است که هیچ فرد تیزهوشی نمی‌تواند آنجا را تحمل کند و یا باعث پرورش و شکوفایی استعداد‌های او شود، بلکه کاملاً برعکس است. از طرفی مطالب معلم با تحلیل ذهن، متناسب نیست، معلمان توانایی درک و پاسخگویی به سوالات این نوع دانش آموزان را ندارند که نتیجه آن بی‌اعتنایی به دانش آموز و پایمال کردن روحیه انتقاد جویی و کنجکاوی اوست. دانش آموز هیچ امیدی به پذیرفته شدن حرف خود و یا مهمتر بگویم انتقاد و نظر ابتکاری خود ندارد، معلمان یا دانش آموزان را باور نمی‌کنند و یا نمی‌خواهند حرفی روی حرف آنها زده شود، دانش آموزی که نمرات بالاتری دارد (۲۰-۱۹) عنوان نابغه و دانش آموز کنجکاو، عنوان «بانی زحمت» را می‌گیرد در اینجا نه تنها استعدادی شکوفا نمی‌شود بلکه باعث از بین رفتن عزت نفس در این نوع دانش آموزان می‌شود.

سوالی که من از شما (به عنوان متخصص در این زمینه) دارم این است که: چرا من نمی‌توانم هیچ علاقه و درکی نسبت به حسابان و جبر و درکل «ریاضیات» در خود بوجود آورم و در حالی که در

فیزیک و درسهای دیگر می‌دانم که قوهٔ درک بالایی دارم و در همان حدی هستم که دانش‌آموزان شما هستند، البته این را تنها خودم نمی‌گویم بلکه دیگران هم مصدق حرفهایم هستند (از خودم تعریف نمی‌کنم ولی می‌خواهم لااقل با شما روراست باشم) می‌خواهم بدانم آیا به خاطر نارسایی هوشی من است یا علت دیگری دارد؟ من که خود معتقدم چون نمی‌توانم درک مستقیمی از روابط (فرمولهای) آن داشته باشم و اینکه مجبورم آنها را در وقت بسیار کم، تنها حفظ کنم و سپس آنها را در تمرینها به صورت ابتکاری به کارگیرم، که این دو کاملاً با هم تناقض دارند (وضع کلاسها و معلمان و امکانات ما را هم در نظر بگیرید) و این بزرگترین تناقضی است که در تیزهوش بودن یا نبودن من بوجود آمده است. در حالی که دیگر مشخصه‌های تیزهوش (تیزهوشان از استثنا بودن خود آگاهند، روابط را بهتر درک می‌کنند، درک مستقیمی از اطراف دارند و غیره) در مورد من صدق می‌کند.

حالا نمی‌دانم شما در مورد من چطور قضاوت می‌کنید ولی من به دلایل مذکور، به طور عجیبی سعی در مقابله با این نوع رفتار معلمان و احساس خودم دارم و این باعث سردرگمی من شده است به طوری که خود را کاملاً ناتوان حس می‌کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید و شاید فکر کنید من شما را با مشاور راهنما اشتباه گرفته‌ام ولی شما بگویید، آیا این مطالب را به جز شما به کس دیگری هم می‌توانم بگویم و آیا فایده‌ای دارد؟

با تشکر فاطمه - ع. از مدرسه زینب - رشته ریاضی فیزیک - سوم دبیرستان

از استان اردبیل

استعدادهای درخشان: از اینکه شما در شهری که «سمپاد» مرکز ندارد از طریق مجله با ما مرتبط هستید خوشحال هستیم و بازازاینکه مقالات مجله نظر شما را جلب نموده است. مرکز «سمپاد» تافتهٔ جداافتاده نیست با امکانات محدودی که ایجاد شده است سعی می‌شود کمی به دانش‌آموزان مستعد کمک شود. این بدین معنی نیست که دانش‌آموزان مدارس دیگر فاقد صلاحیت‌های ذکر شده هستند. ولی آنچه برای هر فرد فرهنگی آزاردهنده است مشکلات عمومی آموزش است که با وجود همهٔ تلاشهای بعمل آمده، بخاطر درصد عظیم دانش‌آموزان نسبت به کشورهای دیگر و عوامل دیگر کمبودهای ذکر شده توسط شما دیده می‌شود. در مورد عدم علاقه شما به ریاضیات به عامل مشخص نمیتوان اشاره کرد - اگر توانمندی بالاداشته باشید - معلم و فضای آموزشی می‌تواند در این بی‌علاقگی مؤثر باشد که ربطی به استعداد ندارد. و احتمالاً عواملی دیگر نیز دخالت دارند که از طریق مکاتبه نمی‌توان پاسخگو بود.

### «به نام خدا»

با عرض سلام خدمت سرور بزرگوارمان جناب آقای دکتر اژه‌ای. آقای دکتر اژه‌ای آنقدر دلمان پر است که نمی‌دانیم از کجا شروع کنیم و آنقدر مغزهایمان خالی مانده که نمی‌دانیم چگونه توصیف کنیم.

مرکز آموزشی فرزنانگان ما فقط محلی برای جمع‌آوری است و تنها همان کارش - البته اگر بنا بر تعریف نباشد، امکانات درست بودن دارد به آن علت که این آزمون از تهران می‌آید و... ما در طول هفته به غیر از ۲ روز که به علت بزرگوار می‌مدیر محترمه تا ساعت ۱:۱۵ بعد از ظهر ساعات درسی داریم بقیه روزها ساعت ۱۲:۲۰ تعطیل می‌شویم در صورتی که برادرها و خواهرهای کوچکمان که به آمادگی و مهدکودک می‌روند دیرتر از این ساعت مرخص می‌شوند چه رسد به ما با این همه حجم درسی.

ما حتی یک معلم خوب در بیشتر دروس پایه نداریم. به خدا نمی‌خواهیم که شما بگوئید که وقت ما را به خاطر اینکه مدیرشان دبیر درست پیدا نکرده بگیرند! نه! اینطور نیست. ما به مدیران می‌گوئیم اما انگار با دیوار در حال گفتگو هستیم حرفهای ما برایشان اهمیت گوش کردن ندارد شاید هم گاهی گوش می‌دهند اما از یک گوش می‌شنوند و از...

معلم شیمی ما در ظرفیت‌ها مانده نمی‌داند فرمول بعضی مواد شیمیایی ساده آزمایشگاهی چیست و تازه چوب ناراحت شدن ایشان و بعد نبودن تدریس را هم ما باید بخوریم در امتحانات میان و پایان ترم و ثلث‌ها معلم فیزیک هم فقط به خاطر شوخی و مزاح سر کلاس حاضرند بقیه البته بیشتری‌ها نه همه را هم می‌توان مثل ایشان تعریف کرد.

مدرسه ما حتی یک کلاس تقویتی برای ما نمی‌گذارد و برایشان اصلاً مهم نیست که سطح افت بچه‌ها را کمتر کنند در امتحاناتی که از سمپاد می‌آید تمام بار مشکلات به دوش دانش‌آموزان است که باید مطالبی را که نخوانده‌اند بخوانند می‌دانیم شما سؤالیهای ساده در سطح همهٔ استانها می‌دهید اما بیشتر اوقات ما مجبوریم به علت نرسیدن به خواندن و به علت اینکه سؤالیهایتان برای دبیران لاینحل است بسیاری از آنها را حذف کرده و نمرات را پخش کنیم.

هر سال از جانب شما شخصی برای سرکشی به مرکز ما می‌آید اما پس از اظهار تأسف او هم ما را در همین حال و هوای قبلی می‌گذارد مثلاً یکی از این افراد می‌گفتند: آزمایشگاه مدرسهٔ ما انبار مواد است اما باید بگوئیم نه تنها انبار مواد نیست بلکه آزمایشگاه ما از سطح آزمایشگاههای دوران ارسطو هم

پایین تر است و مجبوریم بیشتر مواد را از مدارس دیگر و کلاً از انجام آزمایش صرف نظر کنیم و فقط تئوری آزمایش را درج کنیم چون مسلماً از وقتی مدرسه افتتاح شده باشد و تا هم اکنون و حتی برای آزمایشگاه، ماده جدیدی خریدیده نشود حتماً از آزمایشگاههای دوران ارسطو هم پائین تر است. شهریه‌ها هم که در مرکز ما سرسام آور است با توجه به این نوع مکان آموزشی و طراز امکانات لطف کنید مقدار شهریه را برای مدیرگرمی این مرکز درج نمائید تا بدانند چه مقدار باید بگیرند که فکر نکنم ایشان به ابلاغ شما توجه کنند.

در آخر باید بگوئیم شما واقعاً صبورید که یعنی از هزاران هزار مشکلی را که ما در این مدرسه گریباتگیرش هستیم و به طور مختصر و بسیار خلاصه برای شما نوشتیم گوش دادید واقعاً متشکریم. لطفاً نامه‌مان را در مجله خودتان درج کنید (استعدادهای درخشان) تا بدانیم هنوز می‌توان امیدوار بود. ممنون. دانش‌آموزان مرکز آموزشی فرزنانگان

استعدادهای درخشان: ما منکر مشکلات مراکز شهرستانی نیستیم ولی دانش‌آموزی از مرکز شما به تهران منتقل شد و در بهترین مدرسه غیرانتفاعی با ۳۵ برابر حق‌الثبت شهر شما ثبت‌نام کرد (چون حد نصاب تهران را نداشت) ولی در آبان همان سال در خانه بست نشست و دیگر به مدرسه نرفت و از والدین خود می‌خواست که یا برگردیم به شهر قبلی یعنی شهر شما و یا اینکه من دیگر مدرسه نمی‌روم. مدیر شما مدیرزحمتکشی است، ما در جریان تلاشهای او هستیم و کم‌لطفی‌هایی که در شهر به ایشان می‌شود. ولی انتظارات شما عزیزان را هم قبول داریم و از کمبودهای مراکز هم رنج می‌بریم.

«به نام خدا»

با عرض سلام خدمت آقای اژه‌ای

من دانش‌آموز سوم دبیرستان هستم که در رشته ادبیات و علوم انسانی مشغول به تحصیل هستم. لازم به ذکر است که دلیل رفتن من به رشته انسانی فقط علاقه بوده است نه اجباری که به دلیل معدل اعمال شده باشد. خواهر من در سال سوم راهنمایی مرکز فرزنانگان تهران تحصیل می‌کند. شنیده بودم سالهای قبل دانش‌آموزانی که در کنکور ورود به دبیرستان موفق می‌شدند و به دبیرستانهای تیزهوشان راه می‌یافتند فقط می‌توانستند یکی از دو رشته علوم تجربی و ریاضی را انتخاب کنند و امکان تحصیل در رشته علوم انسانی را نداشتند حتی اگر علاقه و استعداد فراوانی در مورد این رشته را داشتند. از این موضوع واقعاً متأسف بودم؛ چون عقیده دارم انسانها بدون ادبیات و علوم انسانی قادر به ادامه حیات نیستند اگرچه در علوم فنی و ریاضیات بسیار موفق شوند و از ضعف پیشرفته و بااهمیتی برخوردار باشند و یا در مورد علوم تجربی و پزشکی به حد قابل ستایشی رسیده باشند.

امروزه ما شاهد پیشرفت سریع علم و صنعت در کشورهای اروپایی و غربی هستیم ولی متأسفانه به نسبت همین رشد سقوط اخلاقی و دین را در این جوامع به وضوح می‌بینیم و البته که این رشد و پیشرفت مدنظر اسلام و خداوند تبارک و تعالی نبوده است. البته من قصد بی‌احترامی به دو رشته مذکور را ندارم. اما آن چه همین علم را برای انسان مفید و سازنده می‌کند، جهت و سمت و سوی آن خواهد بود که این میسر نخواهد بود جز با تکیه بر انسانیت انسان و رشد همزمان او در علوم انسانی و الهی.

امسال وقتی باخبر شدم که تصمیم جدیدی مبنی بر امکان تحصیل در رشته انسانی گرفته‌اید بسیار خوشحال شدم. و تصمیم گرفتم از این اقدام بسیار زیبا و مؤثر شما تشکر و قدردانی کنم.

به امید موفقیت شما

زینب یزدان خواه

استعدادهای درخشان: از سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ دو مرکز علامه حلی و فرزندگان تهران در پایه دوم دبیرستان رشته علوم انسانی دارند و این امر هم انشاءالله ادامه خواهد یافت. امیدواریم در صورت داشتن فضا و داوطلب در شهرهای دیگر هم امکان آغاز این راه را داشته باشیم.

#### «به نام خدا»

باعرض سلام و خسته نباشید خدمت آقای دکتر اژه‌ای.

من یکی از دانش آموزان مرکز «میرزا کوچک رشت» هستم و در کلاس سوم ریاضی - فیزیک تحصیل می‌کنم. با توجه به اینکه مجله استعداد‌های درخشان یکی از مطمئن‌ترین منابع پاسخگو به پرسشهای ما می‌باشد، از این جهت این جانب موضوعاتی را که در مورد المپیادها و همچنین آزمون آزمایشی که بین مراکز سمپاد در سطح کشور انجام گرفت، با شما در میان می‌گذارم.

اولین سوالی که برای من پیش آمده است، در مورد کنکور آزمایشی می‌باشد که اکثر دانش آموزان پایه سوم در آن شرکت نمودند و پس از مدتی نیز کارنامه مربوط به آن را دریافت کردند. سوال من این است که اصلاً هدف از برگزاری این کنکور چه بوده است؟ آیا هدف مقایسه دانش آموزان سطح کشور است و یا اینکه قصد داشته‌اید سطح علمی دانش آموزان را بسنجید یا بالا ببرید. به هر حال این هدف هر چه بوده است، در راهی نادرست آزموده شده است. چراکه زمان برگزاری آزمون تنها چند روز پس از اعلام بود. آخر چه کسی می‌تواند در مدت دو، سه روز، کتابهای سال اول و دوم را مطالعه نماید و نتایج مناسب کسب کند؟ آیا این روش درستی برای رسیدن به هر یک از اهداف ذکر شده است؟ شاید جوابتان این باشد که زمان امتحان خیلی زودتر اعلام شده و اشکال از خود مرکز است. اما

مسئولین محترم مدرسه فرمودند که ما به محض اطلاع یافتن از این امر به شما نیز اطلاع داده‌ایم. شاید پاسخ دیگران این باشد که اگر این فرصت کم است، پس چرا مراکزی چون علامه حلی تهران (مانند همیشه!) نتایج درخشانی کسب نموده‌اند؟ اما من و همین طور تمامی دانش‌آموزان کلاس و حتی بعضی از مسئولین مدرسه بر این عقیده‌ایم مراکز تهران خیلی زودتر از ما از زمان آزمون باخبر شده‌اند. بنابراین از شما خواهش می‌کنم که در صورتی که بازهم چنین آزمونهایی در کار بود لااقل ۱۰ روز زودتر به ما اطلاع بدهید تا نتایج در سراسر کشور، قابل قبول و در سطح عالی باشد.

● اما مورد دیگر در مورد المپیاد است. برای من این سوال پیش آمده که چرا برای شرکت در المپیادها شرط معدل در نظر گرفته شده است؟

این ضوابط باعث شده‌اند که افراد بسیار مستعدی که در برخی رشته‌ها سرآمد هستند و از امیدهای المپیاد به شمار می‌رفتند نتوانند در المپیادها شرکت کنند، در حالی که دانش‌آموزان مدارس عادی به راحتی می‌توانند در این المپیادها حضور یابند.

● پرسش دیگر من در مورد کاهش شانسه‌های شرکت در المپیادهاست. زیرا در بعضی المپیادها ۲ بار و در برخی تنها ۱ بار فرصت شرکت وجود دارد.

من می‌دانم که این سؤالها بارها و بارها پرسیده شده است و شما هم همیشه در جواب فرموده‌اید که ما طبق ضوابط عمل می‌کنیم و چاره‌ای نیست.

اما جالب است که بدانید وقتی سال اول دبیرستان بودیم در یک کار سوق فیزیک شرکت کردیم و در آن زمان، من و ۴ نفر دیگر از دو کلاس به عنوان نفرات برتر انتخاب شدیم و قرار شد که ۵ نفری، در یک کلاس فوق برنامه شرکت کنیم و مدرس این کلاس آقای «پورموسی» یکی از فارغ‌التحصیلان مرکز رشت بود که در یکی از المپیادهای جهانی فیزیک مدال طلا کسب کرده بود. و نکته قابل توجه این بود که از شاگردان اول و دوم هیچ کلاسی خبری نبود. اما پس از مدتی متوجه شدیم که دانش‌آموزان اول و دوم نزد معاون مالی (که مطمئناً هیچ ارتباطی به موضوعات درسی و فوق برنامه نداشت) رفتند و اعتراض کردند که مگر می‌شود ما که شاگردان اول و دوم هستیم قبول نشویم و در مقابل این پنج نفر انتخاب شوند؟

بنابراین آقای معاون بدون اطلاع دادن موضوع به آقای پورموسی نام این ۲ نفر را نیز به کلاس اضافه نمودند. نمی‌خواهم بگویم حسودیم می‌شود یا چیز دیگر. اما لطفاً شما جواب بدهید جناب آقای ارژهای، آیا زمانی که استعدادها واقعی (البته خودم را نمی‌گویم!) به علت کمبود معدل یا چیزهای دیگر از قبیل ماجرای که تعریف کردم، نمی‌توانند در این المپیادها شرکت کنند و برخی از

سرخوردگی، به گروه تجربی می‌روند که هیچ ربطی به المپیادهای ریاضی و فیزیک ندارد، ضوابط و مقررات حتماً باید حاکم باشد و به هیچ وجه من‌الوجه امکان تغییر آن نیست، اما زمانی که آقایان اول و دوم اعتراض می‌کنند دیگر اصلاً هیچ ضابطه‌ای وجود ندارد و آنها می‌توانند به راحتی در هر نوع کلاسی که خواستند شرکت کنند. آیا این بی‌عدالتی نیست؟ توجه داشته باشید که این شاگرد اولها در مرحله اول هیچ المپادی در سال دوم پذیرفته نشدند. اما در مقابل کسانی که معدل چندان خوبی هم نداشتند قبول شدند. آیا تمامی این موضوعات حاکی از این نیست که بین دانش‌آموزان تبعیض وجود دارد؟ آیا ماهمگی اعضای خانواده بزرگ سمپاد نیستیم؟ آیا هیچ پدری حاضر می‌شود بین اعضای کم سن خانواده فرق بگذارد؟ بنده از شما که سرپرست سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان هستید خواهش می‌کنم به سؤالات پرسیده شده پاسخ دهید و برای رفع تبعیضها چاره‌ای بیندیشید. پیشاپیش از شما تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

علی حبیب نیا دانش‌آموز سال سوم ریاضی فیزیک مرکز میرزا کوچک‌خان رشت

استعداد‌های درخشان: در تاریخ ۱۴ مرداد ۷۷ کنکورهای سازمان برای تاریخهای ۱۷ مهرماه، ۱۳ آذر (که به ۲۰ آذر تغییر یافت) ۱۴ اسفند ۷۷ و ۲۹ اردیبهشت و تیرماه ۱۳۷۸ به مراکز اعلام شده است که در آن محتوا نیز مشخص شده است میماند به عقب افتادن کنکور ۱۳ آذر به ۲۰ آذر که همانطور که آمد در ۱۴ مرداد ۷۷ قبلاً ابلاغ شده بود. بنابراین، نمیدانم شما به کدام کنکور اشاره داشته‌اید که تنها چند روز پس از اعلام آن آزمون برگزار شده است. اینکه مسؤولین محترم مدرسه چه فرموده‌اند را هم به داوری‌اش نمی‌نشینم چون این مطلب به صورت بخشنامه سراسری که در آن کلیه آزمونها یک جا نوشته شده - به کلیه دبیرستانهای سمپاد ارسال شده است و اگر تاخیری هم در اطلاع صورت گرفته باشد - بهر علتی - فقط می‌تواند در کنکور اول باشد. بنابراین نه تنها ۱۰ روز بلکه ماهها قبل برای آزمونهای آزمایشی فرصت خواهید داشت. برای ما هم اصل این آزمونها بخاطر آمادگی شماست علامه حلی تهران و میرزا کوچک‌خان رشت هر نتیجه‌ای بیاورند، نتایج انفرادی است و ما به آمادگی شما فکر می‌کنیم.

● اما در مورد شرایط معدل المپیادها یکی بخاطر عدم توان پوشش دادن داوطلبان است دیگر اینکه در نهایت عده معدودی به مرحله کشوری راه می‌یابند و سوم همانطور که در این شماره هم منعکس شده براساس پیشنهاد جدید کمیته‌ها و تصویب هیئت امنا باشگاه دانش پژوهان جوان یک نمره از سطح نمره داوطلبان در اکثر المپیادها کم شده است در این تغییر تنها ممکن است از مراکز سمپاد کسی با معدل کم - کف تعیین شده - به مرحله کشوری راه یابد وگرنه برای خارج از سمپاد احتمال



فایده‌ای نیست .

● اینکه چرا در بعضی از المپیادها در دو پایه تحصیلی و در برخی در یک پایه تحصیلی دانش‌آموزان می‌توانند شرکت کنند، علت عمده‌اش طولانی شدن مراحل چندگانهٔ آزمونها، و دوره‌های آموزشی است و تطابق زمان این دوره‌ها با مصوبات شورایی انقلاب فرهنگی در ارتباط با کنکور سراسری. در المپیاد ریاضی استدلال کمیته تخصصی ریاضی توان رقابت دانش‌آموزان پایه دوم با پایه سوم دبیرستان بود. که این امر را هیئت امناء باشگاه در مورد کامپیوتر هم تعمیم داد.

● در مورد قبولی در المپیادها، «معدل پیشرفت تحصیلی» نقش تعیین‌کننده ندارد. سازمان هم به شاگرد اول‌ها نمی‌اندیشد در عوض به افراد موفق در هر درس بیشتر توجه دارد. امیدواریم این پاسخ طولانی تا حدی روشنگر پرسشهای شما باشد.

#### «به نام خدا»

خدمت سرپرست محترم سازمان جناب آقای دکتر آژده‌ای

با اهداء سلام و خسته نباشید. قبل از هر چیز تقاضا دارم نامه را تا به آخر بخوانید و به آن پاسخ دهید. امسال یکبار در تاریخ ۷۷/۷/۴ و بار دیگر در تاریخ ۷۷/۷/۱۲ و ۷۷/۷/۱۳ به تهران به امید دیدار و ملاقات شما آمدم تا بتوانیم حضوراً با شما گفتگو کنیم اما متأسفانه میسر نشد و حال به نوشتن این نامه اکتفا نموده‌ایم. طبق گفته‌های مسئولین و مدارک (مجلات سازمان) انتقالی از یک مرکز به مرکز دیگر زمانی میسر است که امتیاز شخص مورد نظر از پایین‌ترین امتیاز آن مرکز کمتر نباشد حتی ۱ امتیاز! پس چگونه است که عده‌ای بوسیله پارتی به راحتی فرزندانشان را از مرکز لار به شیراز منتقل می‌کنند. همین ۱ سال ۴ نفر از لار به شیراز منتقل شده‌اند. البته این تعداد تا جایی که ما اطلاع داریم. تقاضا داریم که عنایت بفرمایید و شخصاً بررسی کنید که از این ۴ نفر کدامیک شرایط قانونی پذیرش را دارا بوده‌اند تا در این میان حقی از کسی ضایع نشود. همه جا صحبت از این است که آقای اژه‌ای انسانی مصمم و قاطع است و مخالف پارتی بازی و غیره. به همین دلیل ما این تقاضا را از شما نموده‌ایم تا عده‌ای بدور از چشم شما نتوانند رابطه را جایگزین ضابطه نمایند. ما هم مثل همه اولیاء خواهان بردن فرزندان در این مرکز هستیم و اگر شرایطی غیر از پذیرش وجود داشته باشد و اولویتی وجود داشته باشد، فرزند ما هر ۳ سال راهنمائی و ۲ ماه دبیرستان را نیز در این مرکز گذرانده و پارسال نیز جزء دانش‌آموزان ممتاز این مرکز بوده است. ما چشم امید به رسیدگی شما در این امر داریم. با عرض پوزش بخاطر گرفتن وقت شما. خداوند پشت و پناهنان باد.

فرشته اردلان - داریوش جوانمردی

استعدادهای درخشان: اولیاء عزیز یکبار دیگر پرونده فرزند شما را بررسی کردیم امتیاز ایشان با آخرین نفر پذیرفته شده شیراز ۲۲۳۳۷ امتیاز کمتر است. در مورد ۴ نفر انتقالی از لار به شیراز هم اعلام می‌کنیم هر چهار نفر که مجوز انتقال به شیراز را دریافت نموده‌اند حداقل امتیاز لازم را داشته‌اند. منتها منبای بی‌ضابطه بودن کار سازمان از نظر شما احتمالاً مقایسه پیشرفت تحصیلی فرزندان با این چهار نفر بوده است که بهیچوجه این امر ملاک جایجایی نیست. البته این افراد در پایه‌های مختلف بوده‌اند و بجز یک نفر که امتیاز مشابه با آخرین پذیرفته از شیراز را داشته است سه نفر دیگر به ترتیب ۵۴۳۶، ۶۷۰۰ و ۳۹۹۰ امتیاز از نفر آخر پذیرفته شده در شیراز امتیازشان بیشتر بوده است.

نامه‌ها و نوشته‌های شما دریافت شد، برخی سؤالات طرح شده در نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم:

❑ اراک، مرکز فرزنانگان: نسیم حسینی / فاطمه جعفری، مرکز علامه حلی: رضا اصلاحی ❑ اردبیل، ریحانه چوخابی / میلاد طوایی حمیدی ❑ ارومیه، افسانه نجار دلشادی فارغ‌التحصیل فرزنانگان ❑ اصفهان، مرکز شهید اژه‌ای: علی معین / مرکز فرزنانگان امین: الهه سلیمانی / سحر سلاجقه / گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان ❑ اهواز، مرکز شهید بهشتی: رضا برون / دانش‌آموز مرکز ❑ ایلام، مرکز شهید بهشتی: سبحان کاکایی (دوناامه) ❑ بابل، مرکز فرزنانگان: ا.ح. ❑ بروجرد، ولی دانش‌آموز مرکز فرزنانگان / شیماسحسینی / نرگس گودرزی ❑ بندرعباس، الهام نمازی ❑ بیرجند، مرکز فرزنانگان: خدیجه خواجه / فاطمه غلامی درمیان ❑ تبریز، حامد اولاد غفاری ❑ تهران، یاسر شفیعی الموتی / فریدون مددی ❑ سبزوار، مرکز شهید بهشتی: ع.ح. / سیداحسان صفاری / جمعی از اولیاء مرکز الف.ع. از مرکز فرزنانگان ❑ سندرچ، مرکز فرزنانگان: سوگند صالحی / سالار کارگریان از مرکز شهید بهشتی / دانش‌آموز مرکز ❑ شهرکرد، مرکز فرزنانگان: مهناز عقیلی کردی ❑ شیراز، مرکز فرزنانگان: ساره سعیدی / زهرا سلطانی ❑ قائمشهر، مرکز شهید بابائی: ج.ا. / جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان ❑ قزوین، مرکز فرزنانگان: نسیم شفیعی / دانش‌آموز مرکز / مرکز شهید بابائی / رامین علاء مرکز شهید بابائی / یاسر شفیعی الموتی (فارغ‌التحصیل مرکز) / بابک فروتنی ❑ کرمان، مرکز فرزنانگان: دانش‌آموز پیش دانشگاهی ❑ لار، مرکز فرزنانگان: مریم سجاده / مریم سدره‌نشین / عده‌ای از دانش‌آموزان مرکز ❑ مشهد، مرکز فرزنانگان: آسیه احصایی / مرجان محمودی قشرباطی (فارغ‌التحصیل فرزنانگان) / م.ایقیان (فارغ‌التحصیل شهید هاشمی نژاد) ❑ نیشابور، مرکز شهید بهشتی: دانش‌آموز مرکز.